



گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

سازمان عفو بین‌الملل جنبشی جهانی با بیش از هفت میلیون عضو است

که برای رسیدن به دنیایی که همه در آن از حقوق بشر برخوردار باشند تلاش می‌کند.

چشم انداز مطلوب ما این است که هر فردی در این دنیا بتواند تمام حقوقی که در

اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر به او اعطا شده

را در عمل دارا باشد.

ما مستقل از دولت‌ها، ایدئولوژی، منافع اقتصادی یا مذهبی و مالی هستیم و

هزینه‌های ما به طور عمده توسط حق عضویت و کمک‌های مالی مردم تامین می‌شود.

← © تصویر روی جلد: یک اثر خوشنویسی بر اساس کلمه «شجاع» که نام کمیته جهانی است که سازمان عفو بین‌الملل از اردیبهشت سال ۱۳۹۶ برای افزایش حمایت از مدافعان حقوق بشر و رسمیت بخشیدن به فعالیت‌های آنها در سرتاسر جهان به راه انداخته است. عکس‌هایی که برای پر کردن حروف کلمه شجاع به کار رفته‌اند، تصاویر آن مدافعان حقوق بشری در ایران هستند که پرونده‌هایشان در این گزارش بررسی شده است. هنرمند طراح: خوان آزبورن © سازمان عفو بین‌الملل

به جز مواردی که به طور مشخص ذکر شده باشند، متن این گزارش تحت قوانین «Creative Commons» (ارجاع، مقصد غیرتجاری، بدون اشتقاق، بین‌المللی، نسخه ۴.۰) قرار دارد.

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/>

برای اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحه مجوزها در وبسایت ما رجوع کنید: www.amnesty.org

جایی که بخشی اعم از متن یا عکس به یک صاحب حقوق متفاوت از سازمان عفو بین‌الملل نسبت داده شده باشد، آن بخش دیگر تحت قوانین «Creative Commons» قرار نمی‌گیرد.

این گزارش اولین بار در سال ۲۰۱۷ توسط عفو بین‌الملل با مسئولیت محدود، به آدرس ساختمان پیتر پینسن، شماره یک خیابان ایستن، لندن، کدپستی WC1X 0DW بریتانیا منتشر شد.

شماره ایندکس: MDE 13/6446/2017

زبان متن اصلی: انگلیسی

amnesty.org



فهرست

۵	۱ خلاصه
۱۴	۲ روش‌شناسی
۱۷	۳ پس‌زمینه
۱۹	۴ مجرم‌سازی مدافعان حقوق بشر
۲۱	۱,۴ ترکیب مدافعان مورد هدف
۲۳	۲,۴ اتهامات ساختگی، محاکمه‌های ناعادلانه
۲۶	۵ فعالان مخالف اعدام
۳۳	۶ مدافعان حقوق زنان
۴۰	۷ فعالان حقوق کارگران
۴۱	۱,۷ اتحادیه‌های صنفی مستقل
۴۴	۲,۷ کانون‌های صنفی معلمان
۴۶	۳,۷ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران
۴۹	۸ وکلای حقوق بشر
۵۵	۹ فعالان حقوق اقلیت‌ها
۵۶	۱,۹ دسترسی بهانیان به آموزش عالی
۵۸	۲,۹ حقوق زبانی اقلیت‌ها
۶۳	۱۰ کنشگران کارزارهای مربوط به جنایات گذشته
۶۷	۱,۱۰ اقدامات تلافی‌جویانه به خاطر پیگیری سازوکارهای سازمان ملل
۶۸	۲,۱۰ جویندگان حقیقت در میان نسل جدید
۷۰	۱۱ حق دفاع از حقوق بشر
۷۳	۱۲ نتایج و توصیه‌ها
۷۳	۱,۱۲ توصیه‌ها برای ایران
۷۷	۲,۱۲ توصیه‌ها برای سایر دولت‌ها
۷۹	۱۳ ضمیمه: احکام کیفری

۱ خلاصه

انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور در سال ۱۳۹۲ امیدهایی را چه در ایران و چه در سطح بین‌المللی در مورد بهبود وضعیت حقوق بشر در کشور برانگیخت. با این وجود در طی نخستین دوره ریاست جمهوری او، مدافعان شجاع حقوق بشر که هنوز در تلاش برای ترمیم خود از آسیب‌های سرکوب‌های پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ بودند خود را متحمل فشار بیشتری از سوی دستگاه قضایی و امنیتی کشور یافتند.

از سال ۱۳۹۲ تا امروز تعداد زیادی از مدافعان حقوق بشر احکام سنگین زندان در ارتباط با فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری‌شان دریافت کرده‌اند. تعداد بیشتری تحت نظر، بازجویی و دادرسی‌های کیفی طولانی قرار گرفته‌اند تا وادار به سکوت شوند. به نظر می‌رسد که این موج سرکوب تلاشی است از جانب بازوهای سرکوب‌گر حکومت در جهت درهم‌شکستن هر نوع آرزویی برای تغییر که از وعده‌های آزادی بیشتر در طول کارزار انتخاباتی حسن روحانی در ۱۳۹۲ حاصل آمده بود.

تا کنون، حسن روحانی و دولت وی از برداشتن هر گونه گام معناداری در پایان دادن به این آزار و اذیت‌ها قصور کرده‌اند. برعکس، مقامات دولت در مصاحبه‌های مطبوعاتی و بیانیه‌های رسمی‌شان به سازمان ملل، گزارشات مربوط به این آزارها را کتمان کرده و ادعا کرده‌اند که قوه قضاییه در ایران مستقل است و هیچ کس در کشور به صرف استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق مربوط به آزادی بیان، تشکل یا تجمعات دستگیر نمی‌شود. هنوز هیچ نشانی دال بر اراده‌ی دولت دوم آقای روحانی برای تغییر این وضعیت دیده نشده است.

برخی گروه‌های مدافع حقوق بشر نظیر فعالان علیه مجازات اعدام، فعالان حقوق زنان و کسانی که خواستار حقیقت و عدالت در مورد موارد نقض فاحش حقوق بشر در دهه ۶۰ هستند تشدید سرکوب را تجربه کرده‌اند. این موضوع مشتمل بوده بر حکم‌های زندان به‌طور تکان‌دهنده‌ای طولانی، بازجویی‌هایی که فعالان آن را به‌طور بی‌سابقه‌ای شدید توصیف کرده‌اند و بیانیه‌های رسمی در رسانه‌های حکومتی که به‌طور متداول به مدافعان حقوق بشر برچسب «عاملان بیگانه» و «خائنینی» که قصد آسیب‌رسانی به امنیت ملی و تخریب ارزش‌های سنتی دارند الصاق می‌کند. در بسیاری موارد به نظر می‌رسد که انگیزه مسؤولین در این امر محدودسازی کنش‌گری‌ها و کارزارهای از سر گرفته شده‌ی فعالان باشد.

ضرب‌هنگ سرکوب در مورد بقیه گروه‌ها از قبیل فعالان حقوق اقلیت‌ها، فعالان اتحادیه‌های کارگری و وکلای حقوق بشر کمابیش به میزان سابق باقی مانده است. از سال ۱۳۹۲ تا کنون تعداد زیادی از فعالان اتحادیه‌های کارگری و وکلای حقوق بشر که در طی سرکوب پس از اعتراضات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ زندانی شدند پس

گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

سازمان عفو بین‌الملل

از طی دوران محکومیت خود آزاد شده‌اند. اما فضای ترس حاکم در میان آن‌ها همچنان برقرار است، چرا که مقامات همچنان به اقداماتی مانند مزاحمت، بازجویی، تشکیل پرونده‌های کیفری جدید و محرومیت‌های شغلی دست می‌یازند تا آنان را از انجام فعالیت‌های حقوق بشری‌شان بازدارند.

این گزارش به ۴۵ نفر که به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری مسالمت‌آمیزشان مورد آزار قرار گرفته‌اند، می‌پردازد، آزارهایی که از زیر نظر بودن تا مورد مزاحمت قرار گرفتن، محاکمه و زندانی شدن را شامل می‌شود. پرونده ۲۱ فعال حقوق بشر با جزییات مبسوط ثبت شده است. این تحقیق بر اساس مصاحبه‌های عفو بین‌الملل با ۲۲ نفر از اشخاصی که شامل مدافعان حقوق بشر، خانواده‌هایشان و وکلایشان می‌شود صورت گرفته است. یافته‌های گزارش همچنین مبتنی هستند بر مطالعه احکام دادگاه‌ها، بیانیه‌های رسمی دولت ایران و شهادت‌های مدافعان حقوق بشر و خانواده‌هایشان که پیشتر به طور عمومی منتشر شده‌اند.

طبق یافته‌های این گزارش، تمام مدافعان حقوق بشر که در گرداب سرکوب حکومت گرفتار هستند به طور ملموس رفتار بدتری را از جانب نظام کیفری ستمگر ایران تجربه کرده‌اند.

از یک سو دادگاه‌های انقلاب به طور افزایش‌دهنده‌ای حکم‌های طولانی زندان که در برخی موارد بیشتر از ده سال بوده است را برای مدافعان حقوق بشر صادر کرده‌اند. از سوی دیگر مقامات دادرسی و قضایی، سطح لازم برای استناد به جرایم امنیتی برای محاکمه فعالان حقوق بشر را پایین آورده‌اند. در تحقیق پیش رو، عفو بین‌الملل موفق شد تا به دادنامه‌های صادره علیه هشت مدافع حقوق بشر دسترسی پیدا کند. این دادنامه‌ها همگی نشان می‌دهند چطور دادگاه‌ها دامنه وسیعی از فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری را به عنوان «مدرک» فعالیت‌های مجرمانه لحاظ می‌کنند. چنین فعالیت‌هایی بازدید از مزار کشته‌شدگان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، تماس با خانواده‌های قربانیان نقض حقوق بشر از جمله زندانیان سیاسی سابق یا کنونی، امضای طومار در حمایت از حقوق بشر، مصاحبه با رسانه‌های خارج از کشور در مورد نقض حقوق بشر و یا صرفاً طرح مسائل حقوق بشر در شبکه‌های اجتماعی مثل فیس بوک یا توییتر را دربرمی‌گیرد.

اتهاماتی که به طور رایج علیه مدافعان حقوق بشر اعمال می‌شود از قانون مجازات اسلامی گرفته شده‌اند و تقریباً همواره شامل این موارد هستند: «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور» (ماده ۶۱۰)، «تشکیل جمعیتی بیش از دو نفر با هدف برهم زدن امنیت کشور» (ماده ۴۹۸) و یا «عضویت در جمعیتی بیش از دو نفر با هدف برهم زدن امنیت کشور» (ماده ۴۹۹). تعاریف این جرایم ناقض اصول قانون‌مداری است، چرا که بسیار وسیع و مبهم هستند و به مقامات اجازه می‌دهند که آن‌ها را به طور خودسرانه و سلیقه‌ی اعمال کنند. به علاوه بسیاری از این جرایم معادل با جرایم شناخته شده بین‌المللی نیستند.

سایر جرایم مندرج در قانون مجازات اسلامی که به طور معمول برای محاکمه مدافعان حقوق بشر به کار می‌رود عبارتند از «تبلیغ علیه نظام» (ماده ۵۰۰)، «اهانت به مقام معظم رهبری» (ماده ۵۱۴) و «اهانت به مقدسات اسلام»

(ماده ۵۱۳). این جرایم بیان آزادانه ایده‌ها و عقاید را بر خلاف تعهدات بین‌المللی ایران به حقوق بشر جرم تلقی می‌کنند.

فشار اعمال شده در طول سال‌ها، به ویژه پس از سال ۱۳۸۸، باعث شده که در ایران هیچ سازمان غیردولتی که با مجوز قانونی در حوزه حقوق بشر فعالیت کند و منتقد حکومت باشد نتواند شکل بگیرد. در نتیجه کسانی که گرفتار افزایش اخیر فشارها شدند مدافعان حقوق بشری هستند که فعالیت‌هایشان را به صورت مستقل یا به عنوان بخشی از گروه‌های غیررسمی‌ای که از اهداف مشابهی حمایت می‌کنند پی می‌گیرند. این افراد برای ارتباط و برنامه‌ریزی اتکالی زیادی به رسانه‌های اجتماعی دارند. در نتیجه مقامات به طور روزافزونی پست‌های مربوط به حقوق بشر را به عنوان مدرکی بر فعالیت‌های مجرمانه مورد استفاده قرار داده‌اند. برخی احکام دادگاه‌ها هم‌چنین مدافعان حقوق بشر را از حضور در فضای مجازی برای مدت معینی منع کرده‌اند.

سایر اقدامات مجرمانه انگاشته شده از جانب مقامات دادستانی و دادگاه‌ها عبارتند از مکاتبه با نهادهای غیردولتی بین‌المللی نظیر عفو بین‌الملل و یا سازمان‌های بین‌المللی و بینادولتی مانند سازمان ملل یا اتحادیه اروپا. یک نمونه‌ی آشکار پرونده **نرگس محمدی** است که پس از ملاقات با نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجه در روز جهانی زن در ۱۷ اسفند ۱۳۹۲ با اتهامات متعدد امنیتی روبرو و نهایتاً به ۱۶ سال زندان محکوم شد. او در حال حاضر در حال گذراندن دوره محکومیت خود در زندان اوین است. **آرش صادقی** نمونه دیگری است از کسانی که به دلیل فعالیت حقوق بشری خود از جمله ارتباط با عفو بین‌الملل و ارسال اطلاعات در مورد نقض حقوق بشر به گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و اعضای پارلمان اروپا در مجموع به ۱۹ سال زندان محکوم شده است.

مدافعان حقوق بشری که درباره نقض حقوق بشر در ایران به گزارش‌گران ویژه سازمان ملل متحد اطلاع‌رسانی کرده‌اند با اقدامات تلافی‌جویانه روبرو شده‌اند. مثلاً **محمد ملکی** برای چنین حرکتی از شهریور ۱۳۹۰ از سفر به خارج از کشور منع شده و **سعید شیرزاد** در حال گذراندن دوران محکومیت پنج سال حبس به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» است. این اتهام تماماً مربوط به فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری او بوده است.

مجرمانگاری مدافعان حقوق بشر در ایران در بستری از کارزارهای بدنام‌سازی و اتهام‌زنی علیه مدافعان حقوق بشر به خصوص در فضای اینترنتی صورت می‌پذیرد. مقامات به طور دائم دفاع از حقوق بشر را معادل «جاسوسی»، «تبانی علیه امنیت ملی»، «فتنه‌گری» و حمایت از «منافقین» (اصطلاح موهنی که مقامات ایران به افراد دارای ارتباط حقیقی یا متصور با سازمان مجاهدین خلق ایران اطلاق می‌کنند) قرار می‌دهند.

محاكمه‌های ناعادلانه

محاكمه مدافعان حقوق بشر بر اساس اتهامات مربوط به امنیت ملی در دادگاه‌های انقلاب برگزار می‌شود که مشخصه آن‌ها دادرسی‌های ناعادلانه، سریع و اغلب مخفیانه است. به هیچ یک از مدافعان حقوق بشری که پرونده‌ی آنان در

این گزارش ذکر شده از زمان دستگیری و در طی بازپرسی‌ها اجازه دسترسی به وکیل داده نشده است. این افراد اغلب به مدت طولانی در حبس انفرادی نگاه داشته شده‌اند که معادل شکنجه به حساب می‌آید و امکان دسترسی آنان به خانواده و وکیل وجود نداشته و یا اندک بوده است. بسیاری از آنان در طی بازپرسی مورد شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر قرار گرفته‌اند و مجبور به «اعتراف» شده‌اند. قاضی‌ها دستور تحقیق در مورد شکایات مربوط به این شکنجه‌ها و بدرفتاری‌های دیگر را صادر نکرده‌اند که این امر ناقض قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری ایران و نیز ناقض میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که ایران در آن عضویت دارد.

عرصه‌های کلیدی کارزارهای حقوق بشری در ایران

مدافعان حقوق بشری که مورد هدف حکومت قرار گرفته‌اند افرادی با سابقه فعالیت در طیف متنوعی از موضوعات حقوق بشری در ایران هستند.

مقامات کسانی را که در جنبش رو به رشد علیه مجازات اعدام شرکت دارند مورد هدف قرار داده‌اند و آنان را اغلب به «تهدید امنیت ملی» و «ضدیت با اسلام» متهم می‌سازند.

نرگس محمدی، نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر در اردیبهشت ۱۳۹۵ به ۱۶ سال زندان محکوم شد. ۱۰ سال از این محکومیت به دلیل شرکت داشتن او در کارزار لغو گام به گام اعدام در ایران - که به نام اختصاری فارسی آن لگام شناخته می‌شود - بوده است. این کارزار در سال ۱۳۹۲ توسط چندین مدافع سرشناس حقوق بشر برپا شد. سایر فعالان علیه مجازات اعدام که مورد هدف قرار گرفته‌اند عبارتند از **آتنا دائمی** و **امید علی‌شناس** که هر یک به هفت سال زندان به دلیل مخالفت مسالمت آمیز با مجازات اعدام محکوم شده‌اند. این مخالفت شامل انتقاد از کارنامه اعدام مقامات در فضای اینترنت، توزیع جزوه علیه مجازات اعدام و شرکت در گردهمایی‌هایی در بیرون زندان در همبستگی با خانواده‌های محکوم‌شدگان به اعدام بوده است.

هنرمندانی که صرفاً در آثار هنری خود به مجازات اعدام پرداخته‌اند نیز مجرم تلقی شده‌اند. یک نمونه، مورد نویسنده‌ای به نام **گلرخ ابراهیمی ایرایی** است که در سال ۱۳۹۴ محکوم به شش سال زندان بر اساس اتهاماتی مشتمل بر «توهین به مقدسات اسلام» به دلیل نگاشتن داستانی منتشر نشده در مورد مجازات دهشتناک سنگسار شد.

فعالان حقوق زنان نیز در بستر تبعیض و خشونت رایجی که زنان و کودکان دختر به طور روزمره در ایران با آن مواجه هستند تحت فشارهای تجدید شده قرار گرفته‌اند. این سرکوب پس از آن که گروهی از زنان در آبان ۱۳۹۴ کارزاری را به منظور حمایت از نامزدهای زن مدافع حقوق زنان در انتخاب مجلس در سال ۱۳۹۵ به راه انداختند تشدید شد. در سه ماهه پایانی ۱۳۹۴ و سه ماهه نخست ۱۳۹۵ بیش از ۱۲ تن از این فعالان احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند و تهدید به حبس شدند. میزان این تهدیدها به حدی بود که سبب شد این کارزار در نهایت به کار خود پایان دهد.

نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ایران با اقدامات مراقبتی و شنود سعی کرده‌اند تا هر تلاش جدی‌یی از سوی فعالان حقوق زنان برای به چالش کشیدن تبعیض‌های جنسیتی مورد حمایت حکومت را در نطفه خفه کنند. این اقدامات تحت نظر گرفتن فعالیت‌هایی که در طی مسافرت به خارج از کشور صورت می‌گیرد را نیز شامل می‌شود. یک نمونه مورد **عالیه مطلب‌زاده** است که به دلیل شرکت در یک کارگاه مربوط به «توانمندسازی زنان و انتخابات» در گرجستان در مهر ۱۳۹۵ با محاکمه بر اساس اتهامات امنیتی روبرو شده است.

حملات شدت یافته علیه فعالان حقوق زنان توأم شده است با گفتمان رسمی که به روشنی فمینیسم را عمل مجرمانه تلقی می‌کند و هر نوع ابتکار عمل در رابطه با حقوق زنان را به عنوان «توطئه‌ای» علیه امنیت ملی توصیف می‌کند.

این رویکرد خصمانه نه تنها متوجه فعالان حقوق زنان، بلکه حتی شامل حال اشخاص منفرد در دولت حسن روحانی که سعی کرده‌اند تلاش‌هایی برای بهبود شرایط زنان در کشور انجام دهند مثل شهیندخت مولاوردی، معاون امور زنان و خانواده رییس‌جمهور ایران، هم شده است.

زنانی که به حجاب اجباری معترض هستند هم از سوی کارزارهای بدنام‌سازی و اتهام‌زنی رسانه‌های رسمی ایران به شکلی شدید مورد اهانت قرار گرفته‌اند. یک نمونه که به خوبی این روند را برجسته می‌کند مورد **مسیح علی‌نژاد**، فعال حقوق زنان و روزنامه‌نگار ایرانی مقیم آمریکا است که پس از آن که کارزار آنلاینی به نام «آزادی‌های یواشکی زنان در ایران» در مخالفت با حجاب اجباری به راه انداخت در رسانه‌های رسمی حکومت ایران به طور مدام در معرض اهانت‌های جنسی قرار گرفت و توسط کاربرانی از شبکه‌های اجتماعی که گمان می‌رود وابسته به نهادهای امنیتی باشند تهدید به تجاوز و قتل شد.

کارگرانی که ممنوعیت اتحادیه‌های کارگری مستقل را به چالش می‌کشند هم بهای گزافی برای شجاعت خود پرداخته‌اند. باور می‌رود که تعداد فعالان حقوق کارگران زندانی از سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است. با این حال فعالان حقوق کارگران همچنان بر اساس اتهامات امنیتی بی اساس به حبس‌های طولانی مدت محکوم شده‌اند. برخی از این افراد در طی بازداشت تحت شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر قرار گرفته‌اند. برخی دیگر از فعالان حقوق کارگران از جمله کسانی که اخیراً پس از تکمیل دوران حبس خود آزاد شده‌اند همچنان با آزار و اذیت از سوی ماموران اطلاعاتی و امنیتی، اخراج از کار و خشونت نیروهای انتظامی مواجه بوده‌اند. این در حالی است که سازمان‌های مستقل کارگری در کمتر دوره‌ای به اندازه دوران حاضر مورد نیاز بوده‌اند، چرا که تورم صعودی، کاهش میزان یارانه‌ها، دستمزدهای معوقه و وضعیت متزلزل اشتغال، میلیون‌ها نفر از اقشار کم‌درآمد را برای ادامه زندگی با دشواری روبرو کرده است.

از فعالان حقوق کارگران که در حال حاضر به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیزشان زندانی شده‌اند **اسماعیل عبدی**، آموزگار ریاضی و عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان تهران، است که در حال گذراندن حکم شش ساله زندانش است. خطر زندان بر سر بسیاری دیگر از فعالان حقوق کارگران نیز سایه افکنده است، از جمله **محمد رضا نیک‌نژاد**، عضو سابق هیأت مدیران کانون صنفی معلمان تهران؛ **مهدی بهلولی**، عضو کانون صنفی معلمان تهران؛ **محمود بهشتی لنگرودی**، سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران؛ سه عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران

و حومه به نام‌های **داوود رضوی**، **ابراهیم مددی** و **رضا شهبایی**؛ و یک عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران به نام **جعفر عظیم‌زاده**.

وکلای مدافع زندانیان عقیدتی و سایر قربانیان نقض حقوق بشر در این سرکوب با رفتار بهتری مواجه نشده‌اند. وکیل برجسته حقوق بشری، **عبدالفتاح سلطانی**، همچنان در زندان به سر می‌برد و دوره ۱۳ ساله زندانش را می‌گذراند که بر اساس اتهامات واهی امنیتی برای او صادر شد. نهادهای امنیتی همچنان وکلای حقوق بشری، از جمله کسانی که اخیراً از زندان آزاد شده‌اند را مورد مزاحمت و بازجویی قرار می‌دهند تا مانع از این شوند که آنان بتوانند وظایف و مسؤولیت‌های حرفه‌ای خود را به طور مؤثری ایفا نمایند. بعضی حتی از حرفه وکالت منع شده‌اند. وکلایی که در سال ۱۳۸۸ مجبور به گریز و آمدن به تبعید شدند نمی‌توانند با حس امنیت به کشور بازگردند، چرا که با تحقیقات کیفری در جریان روبرو هستند.

در نتیجه این وضعیت، وکلای حقوق بشر در ایران در معرض نیستی قرار گرفته و تنها تعداد کمی از وکلا وظیفه خطیر ارائه خدمات حقوقی مستقل و مؤثر را به زندانیان عقیدتی و سایر قربانیان نقض حقوق بشر بر دوش گرفته‌اند. این وکلا اغلب با طیفی از اقدامات سرکوب‌گرانه مواجه هستند: مداخله‌های خودسرانه به منظور منع یا محدود ساختن ملاقات آنان با موکلانشان، تعویق دسترسی به پرونده‌های دادگاه، فقدان تسهیلات مناسب به منظور مشاوره و ارتباط خصوصی با موکلان، حضور مأمورین امنیتی و مسؤولین زندان در طی ملاقات با موکلانشان و منع خروج از کشور.

یک دسته دیگر از فعالان حقوق بشر که مورد هدف قرار گرفته‌اند، مدافعان حقوق اقلیت‌های مذهبی هستند، اقلیت‌هایی که برای چندین دهه تحت سرکوب و تبعیض بوده‌اند. اعضای جامعه بهائیت که از سوی مقامات یک فرقه «ضاله» تلقی می‌شود علی‌الخصوص با آزار و اذیت، دستگیری و بازداشت خودسرانه و محاکمه‌های کیفری به خاطر انتقاد از محرومیت از ثبت نام در مراکز آموزش عالی و تشکیل دانشگاه‌های مخفی خود به منظور ارائه آموزش عالی به جوانان بهایی مواجه بوده‌اند. **نوید خانجانی**، یکی از اعضای بنیان‌گذار کمیته پیگیری حق تحصیل دانشجویان بهائی و انجمن مخالفت با تبعیض در آموزش، از مرداد ۱۳۹۱ بازداشت شده است. او به خاطر فعالیت‌های مسالمت‌آمیزی حقوق بشری‌اش به ۱۲ سال و پنج ماه زندان محکوم شده است **روحیه صفاجو**، یک دانشجوی ۲۰ ساله بهایی، در اسفند ۱۳۹۴ دستگیر و به مدت یک ماه در بازداشت نگه داشته شد که هشت روز آن به صورت انفرادی بود. مقامات متعاقباً او را به «انتشار اکاذیب» متهم ساختند. به گفته‌ی آنان اساس این اتهام پست‌های انتقادی او در صفحه فیس‌بوک‌اش است. او از ۸ فروردین ۱۳۹۵ با قید وثیقه آزاد شده و منتظر جلسه دادگاه خود است.

مدافعانی که سعی در پیش‌برد حقوق اقلیت‌های قومی یا ملی دارند به طرز مشابهی از طرف نهادهای امنیتی مورد تهدید، محاکمه و زندانی شدن به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری خود قرار گرفته‌اند. به آنان به طور مکرر برچسب «تجزیه طلب» زده شده و متهم به تنش‌آفرینی به منظور تضعیف تمامیت ارضی ایران شده‌اند.

علی‌رضا فرشی، متعلق به اقلیت ترک آذربایجانی ایران و بنیان‌گذار کارزار اینترنتی برای گرامیداشت روز بین‌المللی زبان مادری در اسفند ۱۳۹۵ محکوم به ۱۵ سال زندان بر اساس اتهاماتی مثل «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه

امنیت کشور» و «تشکیل جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور» شد. اساس این محکومیت فعالیت‌های مسالمت آمیز وی بوده است.

محمد علی عموری، یک فعال متعلق به اقلیت عرب اهوازی ایران و بنیان‌گذار گروه حقوق فرهنگی الحوار - در عربی به معنی «گفت‌وگو» - که اکنون منحل شده، از سال ۱۳۹۱ در انتظار اجرای حکم اعدام است. **رحمان عساکره** دیگر عضو بنیان‌گذار الحوار، از سال ۱۳۸۹ یک حکم زندان ۲۰ ساله را تحمل می‌کند. هر دوی این افراد به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیزشان در الحوار که شامل تبلیغ زبان، هویت و فرهنگ عربی بوده متهم به محاربه شده‌اند.

مقامات همچنین تلاش‌های تازه‌ای را برای سرکوب مدافعان حقوق بشری که به نیابت از افرادی که در طی دهه ۶۰ به صورت خودسرانه و سریع اعدام شده و یا سربسته شده‌اند و خانواده‌های آنها، در جست‌وجوی حقیقت، عدالت و جبران خسارت هستند از سر گرفته‌اند. در میان این مدافعان بسیاری از خویشاوندان قربانیان نیز هستند که تقاضای این را دارند که بدانند چه بر سر عزیزانشان آمده و مسببین را به محضر عدالت بیاورند. **منصوره بهکیش و راحله راحمی‌پور** در میان کسانی هستند که اخیراً به صرف تلاش برای کشف حقیقت، برگزاری مجلس یادبود و یا بازدید از محل گورهای دسته جمعی که باور می‌رود عزیزانشان در آن جا دفن شده‌اند، بر مبنای اتهامات امنیتی به زندان محکوم شده‌اند. **مریم اکبری منفرد** که در حال گذراندن حکم ۱۵ ساله زندان است به دلیل ثبت شکایت در دفتر دادستانی از داخل زندان در مهر ۱۳۹۵ که طی آن خواستار تحقیق رسمی در مورد اعدام‌های فراقضایی زندانیان سیاسی از جمله خواهر و برادرانش در ۱۳۶۷ شده بود با اعمال تلافی‌جویانه‌ای همچون محرومیت از مراقبت پزشکی و تهدید به افزایش سه ساله مجازات زندان و تبعید به زندانی دورافتاده مواجه شده است.

این تجدید سرکوب در پی فراخوان‌های تازه برای رسیدگی به کشتار فراقضایی چندین هزار زندانی سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ رخ داده است. آن چه به احیای این فراخوان‌ها دامن زده انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری در مرداد ۱۳۹۵ بود که در آن می‌توان صدای مقاماتی را شنید که طی یک جلسه ملاقات در سال ۱۳۶۷ در مورد جزئیات نقشه‌های خود برای اجرای اعدام‌های دسته جمعی بحث و از آن‌ها دفاع می‌کنند. پخش این فایل صوتی زنجیره‌ای از واکنش‌های بی‌سابقه از سوی مقامات بلندپایه را برانگیخت و به این انجامید که آنان برای نخستین بار بپذیرند که کشتارهای دسته جمعی سال ۱۳۶۷ در بالاترین سطوح حکومت برنامه‌ریزی شده بود.

برخی از مدافعان حقوق بشر هدف قرار گرفته به خاطر جست‌وجوی حقیقت و عدالت کسانی هستند که پس از انقلاب ۱۳۵۷ به دنیا آمده‌اند. آن‌ها به شبکه‌های اجتماعی و سایر مجاری روی آوردند تا جنایت‌های گذشته را مورد بحث قرار دهند و در گردهمایی‌هایی به یادبود کشته‌شدگان در خاوران (گورستان متروکه‌ای در جنوب تهران که محل دفن هزاران زندانی سیاسی اعدام شده در تابستان ۱۳۶۷ در گورهای بی‌نشان دست‌جمعی است) شرکت جویند. دادنامه‌های صادره علیه **آتنا دائمی** ۲۹ ساله و **امید علی شناس** ۳۳ ساله نمونه‌هایی هستند از احکام قضایی بررسی شده توسط عفو بین‌الملل که در آن‌ها مشارکت در بحث‌های اینترنتی در مورد کشتارهای سال ۱۳۶۷ به عنوان مدرکی بر فعالیت

«مجرمانه» که تهدیدکننده امنیت کشور و توهین به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران محسوب شده، ذکر شده و در محکومیت مدافعان حقوق بشر به کار رفته است.

قوانین و معیارهای بین‌المللی مربوطه

الگوهای اعمال فشار بر مدافعان حقوق بشر که توسط عفو بین‌الملل مستند شده است ناقض معاهده‌های بین‌المللی است که ایران در آن‌ها عضویت دارد، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. اعلامیه سازمان ملل در مورد «حقوق و مسؤولیت افراد، گروه‌ها و سازمان‌های جامعه برای پیش‌برد و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» حقوق موجود را در زمینه‌ای که قابل اطلاق به فعالیت مدافعان حقوق بشر باشد به روشنی بیان می‌دارد. این اعلامیه حق هر فرد را «برای ترویج و تلاش در حمایت و تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی بشر در سطوح ملی و بین‌المللی، چه به طور فردی و چه به همراه دیگران» به رسمیت شناخته است.

توصیه‌ها

برای اطمینان یافتن از جلب احترام و حمایت از فعالیت پراهمیت مدافعان حقوق بشر، پایان دادن به جو هراسی که آنان با آن مواجهند و ایجاد یک محیط امن و پویا که آنان در آن بتوانند فعالیت‌های خود را بدون هراس از اعمال تلافی‌جویانه انجام دهند، اقداماتی فوری و گسترده مورد نیاز است. این امر همچنین یک قدم ضروری در جهت بهبود وضعیت حقوق بشر تمام کسانی است که در ایران زندگی می‌کنند.

عفو بین‌الملل مقامات ایرانی را به اقداماتی از جمله اقدامات زیر فرا می‌خواند:

- آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمامی مدافعان حقوق بشر که به صرف استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق مربوط به آزادی بیان، تشکل و تجمعات زندانی شده‌اند.
- به رسمیت شناختن آشکار فعالیت قانونی مدافعان حقوق بشر، پایان دادن به جرم‌انگاری فعالیت‌های مسالمت‌آمیزی که حقوق بشر را ترویج و از آن دفاع می‌کنند، از جمله ارتباط و تعامل با ساختارهای حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای و تضمین یک محیط امن و پویا که در آن بتوان بدون هراس از تلافی‌جویی، کیفر و یا ارعاب از حقوق بشر دفاع و آن را ترویج کرد.
- رفع سریع محدودیت‌های اعمال شده بر حق تشکل که افراد را از شکل‌دهی و عضویت در نهادهای غیردولتی حقوق بشر و اتحادیه‌های مستقل صنفی باز می‌دارد.

عفو بین‌الملل همچنین دیگر کشورها، به خصوص اتحادیه اروپا و اعضای آن را که دوره تازه‌ای از گفت‌وگوهای دوطرفه در مورد حقوق بشر را با ایران آغاز کرده‌اند، به این موارد فرا می‌خواند:

- تاکید بر درخواست آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمامی مدافعان حقوق بشری که به صرف فعالیت‌های مسالمت‌آمیزشان زندانی شده‌اند در طی گفت‌وگوهای سیاسی و سایر تعاملات دو جانبه با مقامات ایرانی.

۲ روش‌شناسی

گزارش حاضر وضعیتی را که مدافعان حقوق بشر در طی چهار سال گذشته با آن مواجه بوده‌اند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. بازه زمانی مورد تحقیق از زمان انتخاب حسن روحانی به عنوان رییس‌جمهور در سال ۱۳۹۲ شروع می‌شود تا ببیند از نظر عینی این تصور و باور اغلب مطرح شده از سوی رسانه‌های غربی و سیاست‌گذاران کشورهای اروپای غربی که افزایش مشارکت بین‌المللی ایران با بهبود وضعیت حقوق بشر در کشور همراه شده تا چه حد واقعیت دارد.

این گزارش به ۴۵ نفر که به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری مسالمت‌آمیزشان مورد آزار قرار گرفته‌اند، اشاره می‌کند، آزارهایی که از زیر نظر بودن تا مورد مزاحمت قرار گرفتن، محاکمه و زندانی شدن را شامل می‌شود. پرونده ۲۱ فعال حقوق بشر با جزییات مبسوط ثبت شده است. ۱۲ نفر از این تعداد «مجرم» شناخته شده، حکم‌شان را دریافت کرده و در زمان تدوین نهایی گزارش در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۹۶ در حال گذراندن دوره زندان خود بوده‌اند. ۵ نفر از آنان آزاد اما منتظر دریافت رأی دادگاه تجدیدنظرشان هستند. دو نفر از آنان آزادند، اما در گیر و دار روند محاکمه خود هستند. یک نفر محکوم به زندان شده، اما در دوره تنظیم این گزارش در مرخصی موقت به سر می‌برد و یک نفر هم آزاد است، اما ممنوع‌الخروج شده است. ۱۵ نمونه (از ۲۱ نمونه) پرونده‌هایی هستند که از سال ۱۳۹۲ در جریان بوده‌اند. پنج نفر از آن‌ها - عبدالفتاح سلطانی، نوید خانجانی، مریم اکبری منفرد، رحمان عساکره و محمدعلی عموری - پیش از ۱۳۹۲ زندانی شده‌اند، اما در طی دوره مورد بررسی همچنان در بند بوده‌اند. یک نمونه هم مربوط به فعالی می‌شود که اکنون آزاد است، اما از سال ۱۳۹۰ ممنوع‌الخروج شده است.

در هر پرونده، عفو بین‌الملل از طریق منابع موثق که شامل فعالان حقوق مستقل و وکلا می‌شود اطلاعات لازم را جمع آورد تا اطمینان حاصل کند که فعالان حقوق بشری به خاطر فعالیت‌های مسالمت‌آمیزشان مورد هدف حکومت قرار گرفته‌اند.

در مورد هشت مدافع حقوق بشر، عفو بین‌الملل توانست به دادنامه‌های صادره علیه آنها دسترسی پیدا کند. در سایر موارد که چنین مدارکی در دسترس نبود و یا امکان دستیابی بی‌خطر به آن‌ها وجود نداشت، عفو بین‌الملل اطلاعات خود درباره جزییات احکام را از طریق منابع موثق از جمله فعالان حقوق بشر، وکلا و خویشاوندان به دست آورد. یک منبع دیگر، مطالعه آن دسته از شهادت‌های مدافعان حقوق بشر و خانواده‌هایشان بود که منتشر شده و در دسترس عموم قرار گرفته‌اند.

متن احکام کیفری صادر شده در ایران اغلب در دسترس نیستند، زیرا سیستم عدالت کیفری این کشور قانون مشخصی درباره در دسترس عموم قرار دادن احکام دادگاه‌ها ندارد که این خود بر خلاف تعهدات ایران تحت قوانین و

استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر است. در بعضی موارد، افراد نسخه کتبی حکم دادگاه را دریافت کرده‌اند، اما از به اشتراک گذاشتن آن از ترس اقدامات تلافی‌جویانه اجتناب ورزیده‌اند.

در انجام تحقیق، عفو بین‌الملل با ۲۲ نفر از جمله مدافعان حقوق بشر، خانواده‌ها و وکلای آن‌ها گفت‌وگو کرد. تمام این گفت‌وگوها به زبان فارسی و از راه دور از طریق تلفن و یا اپلیکیشن‌های پیام‌رسان اجتماعی انجام شد. عفو بین‌الملل به منظور تأمین امنیت منابع مورد مصاحبه نام آن‌ها را محفوظ نگه داشته است، مگر این که جز این ذکر شده باشد. از همین رو در این گزارش به زمان و مکان و نحوه دقیق انجام مصاحبه اشاره‌ای نشده است.

عفو بین‌الملل همچنین بیانیه‌های صادره توسط مقامات ایرانی به هر دو زبان فارسی و انگلیسی در رابطه با موارد مربوط به مدافعان حقوق بشر و رویکرد کلی حکومت به حقوق بشر را مورد بررسی قرار داده است. این بیانیه‌ها شامل بیانیه‌های رسمی ایران در مجامع بین‌المللی همچون شورای حقوق بشر سازمان ملل و نیز در طی گفت‌وگوها با اتحادیه اروپا و همچنین پاسخ آنان به گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران می‌شود. بیانیه‌های رسمی در مورد حقوق بشر که توسط خبرگزاری‌های حکومتی و همسو با حکومت نقل شده نیز در نظر گرفته شده است.

دسترسی به اطلاعات واجد جزئیات، از جمله مدارک مستند یکی از ملاحظات مهم در گزینش موارد برای این گزارش بوده است. به طور کلی عفو بین‌الملل قادر بود که دسترسی بیشتری به اطلاعات مربوط به مدافعان حقوق بشر ساکن تهران داشته باشد. عفو بین‌الملل تلاش‌هایی را مصروف این ساخت تا این محدودیت با تنوع بخشیدن به منابع اطلاعاتی رفع شود و نقض حقوق مدافعان حقوق بشری متعلق به اقلیت‌های قومی ساکن خارج از پایتخت را ثبت نمود. با این حال عفو بین‌الملل متوجه است که تعداد پرونده‌های مدافعان حقوق بشر ساکن تهران در گزارش خارج از تناسب است.

انجام تحقیق در مورد حقوق بشر در ایران با چالش‌های فراوانی همراه است. مقامات ایران به طور کلی به گروه‌ها و یا متخصصین بین‌المللی حقوق بشر اجازه بازدید از کشور را نمی‌دهند. از سال ۱۳۵۷ تا کنون، عفو بین‌الملل به طور مکرر درخواست بازدید از ایران به منظور تحقیق را مطرح کرده است، اما هیچ‌گاه این اجازه به آن داده نشده است. به علاوه همان طور که این گزارش نشان می‌دهد مقامات ایرانی ارتباط و تعامل مدافعین حقوق بشر با سازمان‌های بین‌المللی را مجرمانه تلقی کرده‌اند.

عفو بین‌الملل در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۹۶ نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه ارسال داشت که طی آن خواستار اطلاعاتی در مورد وضعیت مدافعان حقوق بشر، از جمله بسیاری از کسانی که در این گزارش برجسته‌اند، شد و تقاضا کرد که اطلاعات درخواستی تا تاریخ ۲۱ تیر ارسال شود. تا این تاریخ مقامات پاسخی به این درخواست نداده‌اند. عفو بین‌الملل همچنان به دنبال موقعیت‌هایی خواهد بود که بتواند از طریق آن‌ها نگرانی‌ها و پیشنهادات خود را با مقامات ایرانی به بحث بگذارد.

عفو بین‌الملل از همه کسانی که اطلاعات خود را با این سازمان به اشتراک گذاشتند قدردانی می‌کند. بدون همکاری آنها تهیه این گزارش امکان‌پذیر نبود.

۳ پس زمینه

در طی یک دهه پس از انقلاب ۱۳۵۷، مقامات ایرانی یک دستگاه حکومتی سرکوب‌گر را بنیان نهادند. آنان قوانینی را به تصویب رساندند که محدودیت‌های ناروایی را بر کاربرد حق آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز اعمال می‌داشت، از جمله قانون مطبوعات، قانون مجازات اسلامی، قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده.

در پاسخ به اعتراضات مردمی پس از انتخابات ریاست جمهوری مورد مناقشه در سال ۱۳۸۸، مقامات بر شدت فشارهایی که تا به آن موقع هم برای سال‌ها اعمال شده بود افزودند. هزاران نفر در طی ناآرامی‌های پس از انتخابات دستگیر شدند. اکثر افراد بازداشتی چند روز بعد آزاد شدند اما صدها نفر برای چندین هفته بدون امکان هر نوع ارتباط در بازداشت نگه داشته شدند و عملاً قربانی ناپدیدشدگی اجباری شدند.^۱

در طی ماه‌ها و سال‌های بعد، مدافعان حقوق بشر مورد محاکمه قرار گرفتند و زندانی گشته، به سکوت واداشته و یا به تبعید رانده شدند. نهادهای غیردولتی فعال در حوزه حقوق بشر توسط مسئولین اطلاعاتی و امنیتی به اجبار تعطیل شدند، اجازه ثبت پیدا نکردند و یا پروانه فعالیت برای آن‌ها صادر نشد. در میان چنین نهادهایی می‌توان به کانون مدافعان حقوق بشر، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران و کمیته گزارشگران حقوق بشر اشاره کرد. در بسیاری موارد، اعضا و بنیان‌گذاران این نهادها دستگیر و به حبس محکوم شدند.

مقامات ایرانی ادعا می‌کنند که دادرسی‌های قضایی در ایران به نحو عادلانه و بی‌طرفانه‌ای صورت می‌گیرند. بر خلاف این ادعا، تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که تضمین‌های اساسی برای برخورداری از محاکمه عادلانه به طور مستمر، به خصوص در پرونده‌های امنیتی، نقض شده است. گرچه قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۴ برخی اصلاحات مدت‌ها به تأخیر افتاده را وارد قانون کرد، سیستم قضایی ایران همچنان فاقد سازوکارهای مناسب برای ضمانت حقوق افرادی است که بر اساس اتهامات کیفری مورد محاکمه و رودرروی دستگاه قدرتمند حکومت قرار می‌گیرند.^۲

پس از آغاز دوران ریاست جمهوری حسن روحانی در مرداد ۱۳۹۲، دولت او بلافاصله تلاش‌هایی را آغاز کرد تا چهره ایران را در صحنه جهانی به‌ویژه با توجه به برنامه اتمی بهبود بخشد. رئیس جمهوری جدید اظهار داشت که رفع تحریم‌ها علیه ایران و بازگرداندن اقتصاد کشور به مسیر صحیح اولویت او خواهد بود.

^۱ برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، *از اعتراض تا زندان: ایران، یک سال پس از انتخابات* (Index: MDE 13/062/2010).
^۲ برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، *اصلاحات معیوب: قانون آیین دادرسی کیفری جدید ایران* (Index: MDE13/2708/2016).

در ۳ آذر ۱۳۹۲ ایران و پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد- چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا و ایالات متحده به همراه آلمان و کل نهاد اتحادیه اروپا، بر سر برنامه جامع اقدام مشترک^۳، یک نقشه زمان بندی شده برای دستیابی به راه حل های مورد توافق طرفین که «تضمین خواهد کرد که برنامه هسته ای ایران منحصراً صلح آمیز خواهد بود» به توافق رسیدند.^۴ تحت این توافق، ایران اقداماتی را به اجرا گذاشت از جمله عدم غنی سازی اورانیوم بیش از ۵ درصد و آمریکا و اتحادیه اروپا هم برخی تحریم ها علیه ایران را در طی دوره این اقدام مشترک به حالت تعلیق درآوردند.

از آن زمان تا کنون، روابط سیاسی و اقتصادی بین ایران و اتحادیه اروپا به حد قابل ملاحظه ای بهبود یافته و فرصتی را نیز برای گفتگو در مورد موضوعات حقوق بشری فراهم آورده است. اتحادیه اروپا بیان داشته که حقوق بشر همچنان یک حوزه مورد توجه است و «جزئی اصلی» از روابط تجدید شده اتحادیه اروپا با ایران خواهد بود.^۵ به عنوان بخشی از این موضوع، اتحادیه اروپا در سال ۱۳۹۵ اعلام کرد که گفت وگوهای معلقه در مورد حقوق بشر با ایران از سر گرفته خواهد شد. بر اساس اصول راهبردی اتحادیه اروپا در زمینه گفت وگو با کشورهای غیر عضو اتحادیه اروپا^۶ و اصول راهبردی در رابطه با مدافعان حقوق بشر^۷، این گفت وگوها اصولاً باید صحنه ای برای مشارکت نهادهای مدنی جامعه فراهم کنند و موضوعات مربوط به مدافعین حقوق بشر را منظور سازند.

^۳ پروژه ایران، «تیم ایران در وین مذاکرات هسته ای را از سر می گیرد»، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵، theiranproject.com/blog/2015/05/12/iranian-team-in-vienna-to-resume-nuclear-talks/
^۴ برنامه جامع اقدام مشترک، ۳ آذر ۱۳۹۲.

www.justsecurity.org/wp-content/uploads/2013/11/Iran-Nuclear-Agreement-Joint-Plan-of-Action.pdf
^۵ کمیسیون اروپا، «رابطه اتحادیه اروپا و ایران»، ۲۵ فرودین ۱۳۹۵،

europa.eu/rapid/press-release_MEMO-16-1368_en.htm

^۶ اصول راهبردی اتحادیه اروپا در گفتگوهای حقوق بشری با کشورهای غیر عضو اتحادیه اروپا،

www.eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=URISERV%3Ar10115

^۷ اصول راهبردی اتحادیه اروپا در مورد مدافعان حقوق بشر،

www.eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=URISERV%3A133601

۴ مجرم‌سازی مدافعان حقوق بشر

انتخاب حسن روحانی به مقام ریاست جمهوری برای اولین بار در سال ۱۳۹۲ امیدهایی را چه در ایران و چه در سطح بین‌المللی در مورد بهبود وضعیت حقوق بشر در کشور برانگیخت. اما در عمل دستگاه‌های قضایی و امنیتی فشار بر مدافعان شجاع حقوق بشر را افزایش داده‌اند. تشدید سرکوب مدافعان حقوق بشر ضربه سنگین دیگری بر جنبش نحیف حقوق بشر ایران وارد آورده که هنوز در تلاش است در پی سرکوب‌های پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ جان تازه بگیرد.

از سال ۱۳۹۲ تا به حال، تعداد زیادی از مدافعان حقوق بشر در رابطه با فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری‌شان زندانی شده‌اند. تعداد بیشتری تحت نظر، مورد بازجویی و دادرسی‌های کیفری طولانی قرار گرفته‌اند تا وادار به سکوت شوند. به نظر می‌رسد که این موج سرکوب تلاشی است از جانب بازوهای سرکوب‌گر حکومت در جهت درهم‌شکستن هر آرزویی برای تغییر که از وعده‌های آزادی بیشتر در طی فعالیت‌های انتخاباتی حسن روحانی در ۱۳۹۲ حاصل آمده بود.

در همین حال حسن روحانی و دولت وی از برداشتن هر گونه گام معناداری در پایان دادن به این آزار و اذیت‌ها قصور کرده‌اند. برعکس مقامات کابینه وی در مصاحبه‌های مطبوعاتی‌شان و بیانیه‌هایشان به سازمان ملل، با این ادعا که قوه قضاییه در ایران مستقل است و هیچ کس در کشور به صرف استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق مربوط به آزادی بیان، تشکل یا تجمعات دستگیر نمی‌شود، گزارش‌های مربوط به این آزارها را به حاشیه رانده‌اند. به عنوان مثال در فروردین ۱۳۹۴ جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، با حضور در یک تلویزیون آمریکایی اظهار داشت: «ما مردم را به خاطر عقایدشان زندانی نمی‌کنیم ... دولت مثل هر دولت دیگری طرحی برای بهبود و تعالی حقوق بشر در کشور دارد ... اما کسانی که مرتکب جرم می‌شوند، قوانین کشور را نقض می‌کنند نمی‌توانند خود را در پشت این که یک روزنامه‌نگار یا یک فعال سیاسی هستند مخفی کنند، مردم باید قانون را رعایت کنند».^۸ هنوز هیچ نشانی دال بر اراده‌ای دولت دوم آقای روحانی برای تغییر این وضعیت دیده نمی‌شود.

استفاده ابزاری از اتهامات امنیتی و دیگر اتهامات کیفری سنگین در ایران برای خاموش کردن صدای مدافعان حقوق بشر موضوع تازه‌ای نیست. حتی محاکمه‌های از اساس به دور از عدالت در دادگاه‌های انقلاب و مجازات‌های سنگین زندان برای مدافعان حقوق بشر هم تازگی ندارد. با این وجود، تمام مدافعان حقوق بشر که در گرداب سرکوب حکومت گرفتار هستند به طور ملموس رفتار بدتری را از جانب نظام کیفری ستمگر ایران تجربه کرده‌اند.

^۸ شبکه بی بی سی، چارلی رز، «مصاحبه با محمد جواد ظریف»، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴، www.youtube.com/watch?v=UzIbBZq-XoA

از یک سو دادگاه‌های انقلاب به طور فزاینده‌ای حکم‌های طولانی زندان که در برخی موارد بیشتر از ۱۰ سال بوده است را برای مدافعان حقوق بشر صادر کرده‌اند.^۹ از سوی دیگر مقامات دادستانی و قضایی سطح لازم برای استناد به جرایم امنیتی را پایین آورده‌اند به طوری که دادگاه‌ها در احکام خود حتی از اقدامات غیرمتمشکل و شخصی هم به عنوان «مدرک» فعالیت مجرمانه ذکر می‌کنند. چنین اقداماتی بازدید از مزار کشته‌شدگان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، تماس با خانواده‌های قربانیان نقض حقوق بشر از جمله زندانیان سیاسی سابق یا کنونی، امضای طومار در حمایت از حقوق بشر، مصاحبه با رسانه‌های خارج از ایران در مورد نقض حقوق بشر و یا صرف بحث در مورد حقوق بشر در رسانه‌های اجتماعی مثل فیس بوک یا توییتر را دربرمی‌گیرد.

تماس با سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری مثل سازمان عفو بین‌الملل و یا سازمان‌های بینادولتی مانند سازمان ملل یا اتحادیه اروپا هم به عنوان «مدرک» برای اثبات جرم به کار رفته است. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران در گزارش اسفند ۱۳۹۵ خود «رفتارهای تلافی‌جویانه بر علیه افراد به دلیل همکاری و یا تماس آنان با سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد یا نمایندگان آن» را مایه «نگرانی جدی» خواند.^{۱۰}

این شامل وضعیت سعید شیرزاد می‌شود که به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری مانند حمایت از خانواده‌های زندان سیاسی و نقش داشتن در ارسال گزارش به گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران، در حال گذراندن دوره پنج ساله زندان در زندان رجایی شهر کرج است. او گفته است که در طی بازجویی، ماموران وزارت اطلاعات او را «جاسوس سازمان ملل» خوانده‌اند.^{۱۱} یک نمونه گویای دیگر پرونده مدافع حقوق بشر سالخورده، محمد ملکی، است که از سال ۱۳۹۰ به خاطر نامه‌نگاری به گزارشگر ویژه در مورد برخی از شکنجه‌هایی که در دوره‌های مختلف زندان در بین سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۸۸ تحمل کرده بود ممنوع‌الخروج شده است.^{۱۲}



مدافع حقوق بشر محمد ملکی



مدافع حقوق بشر سعید شیرزاد

^۹ بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، افراد متهم و محکوم به دلیل جرائم متعدد فقط باید مجازات اشد را تحمل کنند، اما هرگاه جرائم ارتکابی بیش از سه جرم باشد، قضات ملزمند که مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین نمایند. این موضوع به این روند انجامیده که مقامات از ایراد چندین اتهام ساختگی علیه مدافعان حقوق بشر به عنوان وسیله‌ای جهت اطمینان از صدور احکام طولانی‌تر زندان علیه آنان استفاده می‌کنند.

^{۱۰} گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، سند سازمان ملل متحد، A/HRC/34/65.

www.ohchr.org/EN/Countries/AsiaRegion/Pages/IRIndex.aspx

^{۱۱} رجوع کنید به عفو بین‌الملل، «فعال حقوق بشر بازداشت شد» (Index: MDE 13/055/2014).

^{۱۲} رجوع کنید به عفو بین‌الملل، «ممنوع‌الخروجی مدافع حقوق بشر سالخورده و بیمار» (Index: MDE 13/6367/2017).

مجرمانگاری مدافعان حقوق بشر در ایران در بستری از کارزارهای بدنام‌سازی و اتهام‌زنی به فعالان حقوق بشر به خصوص در فضای اینترنتی صورت می‌پذیرد. مدافعان حقوق بشر در بیانیه‌های رسمی و اخبار رسانه‌های حکومتی دائماً به عنوان «عنصر بیگانه»، «خائن» و کسانی که قصدشان ضربه زدن به امنیت ملی و نابود کردن ارزش‌های سنتی جامعه است معرفی می‌شوند. دفاع از حقوق بشر معادل «جاسوسی»، «تبانی علیه امنیت ملی»، «تحریک به فتنه‌گری» و حمایت از «منافقین» (اصطلاح موهنی که مقامات ایران به افراد دارای ارتباط حقیقی یا متصور با سازمان مجاهدین خلق ایران اطلاق می‌کنند) قلمداد می‌شود.^{۱۳}

۱,۴ ترکیب مدافعان مورد هدف

مدافعان حقوق بشر چه کسانی هستند؟

در راستای اعلامیه سازمان ملل متحد درباره مدافعان حقوق بشر مصوب ۱۳۷۷ و سایر موازین بین‌المللی، عفو بین‌الملل کسی را مدافع حقوق بشر به شمار می‌آورد که به طور انفرادی یا همراه با دیگران برای دفاع و یا ترویج حقوق بشر در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی بدون توسل یا توصیه به نفرت‌پراکنی، تبعیض یا خشونت فعالیت می‌کند.

مدافعان حقوق بشر می‌توانند متعلق به هر قشر اجتماعی باشند، آنان ممکن است روزنامه‌نگار، وکیل، پزشک، پرستار، معلم، عضو اتحادیه کارگری، افشاگر، کشاورز، قربانی نقض حقوق بشر و بدرفتاری و یا بستگان این قربانیان باشند. آنان می‌توانند کارهای حقوق بشری خود را به عنوان بخشی از مسئولیت حرفه‌ای خود یا به صورت داوطلب ایفا کنند.

مدافعان حقوق بشر که توسط مقامات ایران هدف قرار گرفته‌اند عبارتند از فعالان کارزارهای علیه مجازات اعدام، فعالان حقوق زنان، اعضای اتحادیه‌های کارگری، وکلای حقوق بشر، فعالان حقوق اقلیت‌ها و بستگان کسانی که در طی دهه ۱۳۶۰ به صورت خودسرانه و سریع اعدام یا ناپدید شده‌اند و اکنون خواهان پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری حکومت هستند.

روند فشار علیه برخی گروه‌های مدافع همچون فعالان مخالف مجازات اعدام، فعالان حقوق زنان و کسانی که جویای حقیقت و عدالت در رابطه با موارد نقض فاحش حقوق بشر در دهه ۱۳۶۰ هستند آشکارا شدت یافته است. این روند مشتمل بوده بر حکم‌های به‌طور تکان‌دهنده طولانی زندان، بازجویی‌هایی که فعالان آن‌ها را به طور بی‌سابقه‌ای شدید

^{۱۳} به عنوان نمونه رجوع کنید به: فارس نیوز، «آرش صادقی: فعال حقوق بشر یا همکار منافقین؟»، دی ۱۳۹۵.

www.farsnews.com/newstext.php?nn=13951011001503؛ نامن پرس، «آرش صادقی: فعال حقوق بشر یا مجرم امنیتی»، ۱۲ دی ۱۳۹۵.

bit.ly/2sKfoof؛ اتاق خبر، «هشتگ: کلاهی که بر سر ساده لوحان رفت»، ۱۴ دی ۱۳۹۵، <http://otaghkhabar24.ir/news/79500>؛ فانوس، «واکنش

دادستان کل کشور به نامه نمایندگان مجلس درباره «ترگس محمدی»/ تشکیل مثلث شوم برجام»، ۲۷ مهر ۱۳۹۵، bit.ly/2sKDLSP؛ «برابری فتنه‌گری با آزادی رسانه

در نگاه بی بی سی، ۱۳۹۵، <http://bbcpersian.net/n/q=286>؛ ما هستیم، «دور همی فتنه‌گران این بار به چه بهانه ی برگزار شد؟»، ۲۴ شهریور ۱۳۹۳،

<http://ma-hastim.com/paper/2591/archive>

و خشن توصیف کرده‌اند و بیانیه‌های رسمی در رسانه‌های حکومتی که به طور متداول به مدافعان حقوق بشر برچسب «عاملان بیگانه» و «خائنینی» که قصد آسیب‌رسانی به امنیت ملی و تخریب ارزش‌های سنتی الصاق می‌کند. در بسیاری موارد به نظر می‌رسد که انگیزه مسئولین در این امر میل به محدودسازی کنش‌گری‌ها و کارزارهای از سرگرفته شده فعالین باشد. برپای کارزار لغو گام به گام اعدام در ایران (که به نام اختصاری فارسی آن لگام شناخته می‌شود) و کارزار تغییر چهره مردانه مجلس توسط فعالان برجسته در ۱۳۹۳ محرک‌های مهمی از این لحاظ هستند. یک عامل مهم دیگر انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری در مرداد ۱۳۹۵ بوده که در آن می‌توان برای نخستین بار صدای مقامات بلندپایه‌ای را شنید که طی یک جلسه ملاقات در سال ۱۳۶۷ جزئیات نقشه‌های خود در مورد اعدام‌های دسته‌جمعی و فراقضایی سال ۱۳۶۷ را به بحث می‌گذارند و از آن دفاع می‌کنند.

این فایل صوتی، درخواست‌ها برای رسیدگی به کشتار هزاران زندانی سیاسی در طی موجی از اعدام‌های فراقضایی در سراسر کشور در طی ۱۳۶۷ را احیا کرده است. این موضوع خود به تجدید تلاش‌های مقامات به منظور ساکت کردن هر نوع بحث عمومی در مورد نقض فاحش حقوق بشر در طی دهه ۶۰ انجامید.

ضرب‌آهنگ سرکوب‌گری در مورد بقیه گروه‌ها از قبیل فعالان حقوق اقلیت‌ها، اعضای اتحادیه‌های کارگری و وکلای حقوق بشر کمابیش به میزان سابق باقی مانده است. از سال ۱۳۹۲ تا کنون تعداد زیادی از اعضای اتحادیه‌های کارگری و وکلای حقوق بشر که در طی سرکوب‌های پس از اعتراضات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ زندانی شدند پس از طی دوران محکومیت خود آزاد شده‌اند. اما فضای ترس حاکم در میان آن‌ها همچنان پایدار است، چرا که مقامات همچنان به اقداماتی مثل مزاحمت، بازجویی و به جریان انداختن پرونده‌های کیفری جدید و محرومیت‌های شغلی دست می‌زنند تا آنان را از انجام فعالیت‌های حقوق بشری‌شان بازدارند.

در میان مدافعان حقوق بشر مورد هدف قرار گرفته از ۱۳۹۲ تا امروز، دسته جدیدی از مدافعان جوان نیز وجود دارند که به رغم فشارهای شدید از سال ۱۳۸۸ به صحنه آمده‌اند. این مدافعان جوان که بسیاری از آنان پس از انقلاب ۱۳۵۷ به دنیا آمده‌اند از برخی لحاظ از هم‌تایان مسن‌تر خود متفاوتند. از آن‌جا که مقامات به طور مؤثری تمامی نهادهای غیر دولتی کشور را که در زمینه مسائل حقوق بشر فعال بودند و موضعی انتقادی نسبت به حکومت داشتند منحل ساخته‌اند، این مدافعان جوان بدون آموزش رسمی یا حمایت نهادهای غیردولتی از حقوق بشر دفاع می‌کنند. در نتیجه، آنان فعالیت‌های خود را به صورت مستقل یا به عنوان بخشی از گروه‌های غیررسمی و شخصی که از اهداف مشابهی حمایت می‌کنند پی می‌گیرند. آنان به منظور هماهنگی به رسانه‌های اجتماعی و سایر وسایل ارتباط اینترنتی تکیه می‌کنند. مقامات در عوض به طور فزاینده‌ای از پست‌های مربوط به حقوق بشر در فیس‌بوک و سایر رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان «مدرک» فعالیت مجرمانه استفاده کرده‌اند.^{۱۴} این گونه روش‌ها، تلاش جدیدی به منظور در هم شکستن مدافعان حقوق بشر و فرستادن این پیام دلهره‌آور است که کسانی که جرأت انتقاد از بی‌عدالتی را داشته باشند تحمل نخواهند شد.

^{۱۴} مقامات ایرانی همچنین افرادی را به دلیل پست‌های مرتبط با موضوعات غیر از حقوق بشر در فیس‌بوک دستگیر، محکوم و زندانی کرده‌اند. رجوع کنید به عفو بین‌الملل، «حکم اعدام برای سب‌النبی» (Index: MDE 13/064/2014).

۲،۴ اتهامات ساختگی، محاکمه‌های ناعادلانه

اتهاماتی که به طور معمول علیه مدافعان حقوق بشر اعمال می‌شود از قانون مجازات اسلامی گرفته شده‌اند و تقریباً همواره شامل این موارد هستند: «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور» (ماده ۶۱۰)، «تشکیل جمعیتی بیش از دو نفر با هدف برهم زدن امنیت کشور» (ماده ۴۹۸) و یا «عضویت در جمعیتی بیش از دو نفر با هدف برهم زدن امنیت کشور» (ماده ۴۹۹). تعریف این جرایم ناقض اصول قانون‌مداری است چرا که بسیار وسیع و مبهم هستند و به مقامات اجازه می‌دهند که آن‌ها را به طور خودسرانه و سلیقه‌ای اعمال کنند. به علاوه بسیاری از این جرایم معادل با جرایم شناخته شده بین‌المللی نیستند.

سایر جرایم مندرج در قانون مجازات اسلامی که به طور معمول برای محاکمه مدافعان حقوق بشر به کار می‌رود عبارتند از «تبلیغ علیه نظام» (ماده ۵۰۰)، «اهانت به مقام معظم رهبری» (ماده ۵۱۴) و «توهین به مقدسات اسلام» (ماده ۵۱۳). این جرایم بیان آزادانه ایده‌ها و عقاید را بر خلاف تعدات بین‌المللی ایران به حقوق بشر جرم تلقی می‌کنند.

محاکمه مدافعان حقوق بشر بر اساس اتهامات امنیتی در دادگاه‌های انقلاب برگزار می‌شود. دادگاه‌های انقلاب در ایران در پی انقلاب ۱۳۵۷ تأسیس شدند تا کسانی را که «ضد انقلاب» به شمار می‌آمدند، از جمله افراد با وابستگی حقیقی یا تصور شده به حکومت سرنگون شده شاه، سریعاً محاکمه و اعدام کنند. با گذشت سه دهه، دادرسی‌های سریع و عمدتاً مخفی همچنان ویژگی اصلی دادگاه‌های انقلاب ایران هستند و حق دسترسی به یک محاکمه عادلانه را نقض می‌کنند.

جرم انگاری مخالفت مسالمت‌آمیز، نقض فاحش میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که ایران یکی از اعضای آن است. برگزاری محاکمه ناعادلانه و به دنبال آن صدور احکام کیفری و مجازات برای مخالفان مسالمت‌جو قانون بین‌الملل را به طور مضاعف نقض می‌کند. تحقیقات عفو بین‌الملل به طور دائم نشان می‌دهند که دادگاه‌های انقلاب فاقد استقلال هستند و برای محکوم کردن متهمان و صدور احکام سنگین زیر فشار نیروهای امنیتی و اطلاعاتی قرار دارند. مدافعان و وکلای حقوق بشر در ایران بارها نگرانی خود را در این مورد اظهار داشته‌اند که کسانی که به عنوان قاضی دادگاه‌های انقلاب منصوب می‌شوند در درجه نخست بر مبنای افکار سیاسی، اعتقادات مذهبی و هم‌سویی‌شان با عناصر اطلاعاتی و امنیتی و نه بر مبنای تجربه و درست‌کاری قضایی برگزیده می‌شوند. آنان اغلب فاقد مدارک تحصیلی رسمی حقوق و یا آموزش و تجربه قضایی هستند.

محاکمه‌های مدافعان حقوق بشر که در پشت درهای بسته انجام می‌شود، اغلب بسیار کوتاه است و گاه حتی چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد. معمولاً موانعی بر سر حق برخورداری از زمان و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه قرار داده می‌شود؛ به وکلای مدافع اجازه دسترسی کامل به پرونده‌ها داده نمی‌شود و آنان تا کمی پیش از محاکمه اجازه ندارند متهمان را ملاقات کنند.

مدافعان حقوق بشر به عفو بین‌الملل گفته‌اند که در طی جلسات محاکمه‌شان در دادگاه انقلاب، قاضی برخوردی خصمانه و جبهه‌گیرانه علیه آنان داشته است و آشکارا از اتهاماتی که مسؤولان اطلاعاتی و امنیتی بر آنان وارده کرده‌اند دفاع کرده است. این موضوع ناقض حق برخورداری از یک دادرسی عادلانه در برابر یک دادگاه مستقل و بی‌طرف است که قاضیان را ملزم می‌سازد هیچ انگیزه یا عقیده از پیش شکل گرفته شده‌ای در مورد پرونده‌ای که به آن رسیدگی می‌کنند نداشته باشند و به گونه‌ای که منافع یکی از طرفین را پیش ببرد عمل نکنند.

تمام فعالان حقوق بشری که پرونده آنان در این گزارش ذکر شده از زمان دستگیری و در طی بازجویی اجازه دسترسی به وکیل را نداشتند. این افراد اغلب به مدت طولانی در حبس انفرادی قرار داشته‌اند که معادل شکنجه به حساب می‌آید و امکان دسترسی آنان به خانواده و وکلایشان وجود نداشته و یا اندک بوده است. بسیاری از آنان در طی بازپرسی مورد شکنجه یا بدرفتاری‌های دیگر قرار گرفته‌اند و مجبور به «اعتراف» شده‌اند. قاضیان دستور تحقیق در مورد شکایات مربوط به شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر صادر نکرده‌اند که بر خلاف قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران و نیز میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.^{۱۵}

آرش صادقی

«مأمور بازجویی مجبورم کرد لخت شوم و در اتاق بازجویی روی زمین چمباتمه بزنم. با کمر بندش مرا کتک می‌زد ... چندبار تا مرز خفگی گلویم را فشرد ... در روز دوم بازداشت، در طول بازجویی، صدای گریه همسرم را از اتاق مجاور می‌شنیدم ... به من می‌گفتند او را به جرم سوزاندن قرآن اعدام خواهند کرد.»

آرش صادقی، مدافع حقوق بشر



زوج متاهل آرش صادقی و گلرخ ابراهیمی ایرانی، مدافعان حقوق بشر

آرش صادقی، ۳۰ ساله و فعال حقوق بشر، از خرداد ماه ۱۳۹۵ برای سپری کردن دو حکم حبس جمعاً به مدت ۱۹ سال، در زندان اوین تهران به سر می‌برد. او به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری صلح‌آمیز از قبیل ارتباط با سازمان عفو بین‌الملل و اطلاع‌رسانی به نهاد مذکور و دیگر گروه‌های حقوق بشری درباره وضعیت حقوق بشر در ایران محکوم شناخته شده است.

آرش صادقی به همراه همسرش گلرخ ابراهیمی ایرانی، که او نیز فعال حقوق بشر و نویسنده است، در روز شنبه، ۱۵ شهریورماه ۱۳۹۳ دستگیر شدند. آرش صادقی به بند ۲ الف زندان اوین که در کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است منتقل شد و پس از تحمل ۶ ماه حبس در سلول انفرادی، عاقبت در ۲۳ اسفندماه ۱۳۹۳ با قرار

^{۱۵} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴، پاراگراف ۳، بند ۲؛ نظریه عمومی کمیته حقوق بشر سازمان ملل، شماره ۱۳، پاراگراف ۱۴.

وثیقه آزاد شد. او بعدتر اظهار داشت که طی این مدت به کرات مورد شکنجه، اعم از ضرب و شتم و آزار جنسی قرار گرفته است.

در مرداد ماه ۱۳۹۴، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی استان تهران وی را با اتهامات بی‌اساسی مانند «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی» و «نشر اکاذیب» به ۱۵ سال حبس محکوم کرد. همچنین دادگاه، حکم ۴ سال حبس تعلیقی پیشین او که مربوط به سال ۱۳۹۰ می‌شود را لازم‌الاجرا کرد. اتهامات مطرح در آن حکم نیز در ارتباط با فعالیت‌های حقوق بشری صلح‌آمیز آرش صادقی است.

رأی دادگاه با استناد به بیش از ۵۰ نمونه از فعالیت‌های حقوق بشری صلح‌آمیز آرش صادقی، آن‌ها را «مدرکی» برای اثبات دست داشتن وی در «اقدام علیه امنیت ملی» قلمداد کرد. قابل ذکر است که بسیاری از این فعالیت‌ها مرتبط با انتشار اطلاعات در خصوص نقض حقوق بشر در ایران بود. این فعالیت‌ها شامل مصاحبه با رسانه‌های خارجی از جمله بی بی سی فارسی، رادیو فردا، رادیو زمانه و خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ابراز همدردی با زندانیان سیاسی در فضای مجازی (فیسبوک)، محکوم کردن ضرب و شتم زندانیان سیاسی در حمله به بخش ۳۵۰۰ زندان اوین در فروردین‌ماه ۱۳۹۳، نوشتن یادداشت‌های انتقادی در فیسبوک درباره اعدام‌های زندانیان سیاسی در دهه ۶۰، پیوستن به کارزار «لغو گام به گام اعدام» (لگام)، ارتباط با سازمان عفو بین‌الملل و دیگر گروه‌های حقوق بشری در خارج از ایران، و همچنین ارسال اطلاعات در مورد نقض حقوق بشر به اعضای پارلمان اروپا و گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران می‌شد.

محاكمه آرش صادقی، که طی دو جلسه در اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۴ در دادگاه انقلاب استان تهران برگزار شد و هر جلسه کمتر از ۱۵ دقیقه به طول انجامید، به شدت ناعادلانه بود. به آرش صادقی حق انتخاب آزادانه وکیل داده نشد و به او گفته شد که تنها می‌تواند به وکیلی که دادگاه معرفی کرده بود (وکیل تسخیری) دسترسی داشته باشد. آرش صادقی این پیشنهاد را رد کرد. دادگاه به شکایت‌های آرش صادقی در رابطه با شکنجه و دیگر بدرفتاری‌های صورت گرفته با او هیچ‌گاه رسیدگی نکرد. آرش صادقی گفته است وقتی درباره شکنجه شدنش در دوران بازجویی با قاضی سخن گفته، قاضی خندیده و گفته «همه همین رو میگن».

حکم آرش صادقی سرانجام در خردادماه ۱۳۹۵ در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد.

آرش صادقی برای مدت ۷۱ روز، از ۳ آبان‌ماه تا ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۵، در اعتراض به حبس همسرش به دلیل نوشتن داستانی تخیلی بر علیه مجازات سنگسار، دست به اعتصاب غذا زد. در پی این اعتصاب غذا، سلامتی او دچار مشکلات جدی شد. علارغم ضرورت بستری شدن در بیمارستان، مأموران سپاه پاسداران به تلافی اعتصاب غذا مانع از اعزام او به بیمارستان شده‌اند.^{۱۶}

^{۱۶} عفو بین‌الملل، «حبس یک زوج فعال حقوق بشر در زندان اوین» (Index: MDE 13/5231/2016)؛ عفو بین‌الملل، «شکنجه مدافع حقوق بشر در زندان اوین» (Index: MDE 13/5811/2017)؛ عفو بین‌الملل، مقامات ایران با جلوگیری از اعزام فعال به شدت بیمار به بیمارستان جان او را به خطر انداخته‌اند (بیانیه مطبوعاتی، ۱۵ دی ۱۳۹۵).

۵ فعالان مخالف اعدام

«مخالفت با اعدام، مخالفت با حکم اسلام است.»

رئیس قوه قضائیه ایران، آیت‌الله صادق آملی لاریجانی، آذر ۱۳۹۲^{۱۷}

علی‌رغم عدم شفافیت در خصوص کاربرد مجازات اعدام در ایران، این کشور از نظر تعداد اعدام، بعد از چین در جایگاه دوم در دنیا قرار دارد. سازمان عفو بین‌الملل نزدیک به ۱۰۰۰ اعدام در سال ۲۰۱۵ و حداقل ۵۶۷ اعدام در سال ۲۰۱۶ را ثبت کرده است. در ایران اکثر اعدام‌ها مربوط به جرائم مرتبط با مواد مخدر است و این در حالی است که این جرائم در طبقه‌بندی «سنگین‌ترین جرائم» قرار نمی‌گیرند و طبق قوانین بین‌الملل مجازات اعدام را تنها می‌توان در خصوص چنین جرایمی اعمال کرد.^{۱۸} اغلب افرادی که به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام می‌شوند از طبقات فرودست جامعه شامل اقلیت‌های قومی و شهروندان افغان هستند. مجازات اعدام در ایران همچنین برای جرائمی با عناوین مبهم و بسیار کلی و همین‌طور گاهی برای اعمالی که اصولاً نباید جرم محسوب شوند به کار می‌رود. احکام اعدام در ایران همواره پس از محاکمه‌های ناعادلانه صادر می‌شوند.^{۱۹}

در سال‌های اخیر جنبشی برای لغو مجازات اعدام در ایران شکل گرفته است؛ واقعیتی که از چشم حکومت پنهان نمانده است. در سال ۱۳۹۲، تعدادی از مدافعان حقوق بشر برجسته در ایران کارزاری برای لغو گام به گام مجازات اعدام (لگام) به راه انداختند. در واکنش به این جنبش، حکومت سرکوب فعالان مخالف اعدام را تشدید کرده است.

نرگس محمدی، نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر و چهره‌ای شناخته شده در جهان، به ۱۶ سال زندان محکوم شده است که ۱۰ سال از این محکومیت به دلیل فعالیت وی با کارزار لگام بوده است. چند تن دیگر از فعالان مخالف اعدام همچون **آتنا دائمی** و **امید علی شناس** نیز به دلیل فعالیت‌های صلح‌آمیز در زندان به سر برده یا می‌برند. این فعالیت‌ها شامل انتشار یادداشت‌هایی در فیسبوک در انتقاد از کارنامه اعدام مقامات ایران، توزیع اعلامیه و بروشور علیه مجازات اعدام و شرکت در تجمعات مقابل زندان در همبستگی با خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام می‌شود.

^{۱۷} خبرگزاری فارس، «مخالفت با اعدام، مخالفت با حکم اسلام است»، ۲۰ آذرماه ۱۳۹۲.

www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920920001052

^{۱۸} در اسفند ۱۳۹۵، کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس طرحی را تصویب کرد که پیشنهاد می‌کند مجازات اعدام یا حبس ابد در بیشتر موارد جرایم مواد مخدر با حکم زندان بین ۲۵ تا ۳۰ سال جایگزین شود. این طرح می‌بایست در مجلس شورای اسلامی به رأی گذاشته شود و سپس به تأیید شورای نگهبان برسد پیش از آن که به قانون تبدیل شود.

^{۱۹} برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، گزارش جهانی مجازات اعدام سال ۲۰۱۶ (Index: ACT 50/5740/2017).

مقامات ایران در اظهارات رسمی و احکام دادگاه، فعالیت‌های صلح‌آمیز علیه مجازات اعدام را «غیراسلامی» توصیف کرده‌اند.^{۲۰} در حال حاضر تنها فعالیتی که در زمینه مجازات اعدام قابل قبول نهادهای حکومتی می‌باشد عبارت است از برپایی مؤسسات خیریه برای جمع‌آوری وجه دینه و درخواست عفو از خانواده مقتولان در ازای دریافت مبلغ دینه.^{۲۱}

فرگس محمدی

«فرگس محمدی به درد مردم بسیار حساس است و هر زمان که می‌شنید یک زندانی قرار است اعدام شود با تمام قوا سعی می‌کرد او را نجات دهد، اگر هم موفق نمی‌شد همبای خانواده جلوی زندان می‌رفت و تا صبح پشت دیوارهای زندان همراه آن‌ها می‌ماند.»

شیرین عبادی، وکیل و مدافع حقوق بشر و برنده
جایزه صلح نوبل، مهر ۱۳۹۵^{۲۲}



مدافع حقوق بشر فرگس محمدی

فرگس محمدی ۴۵ ساله و مدافع حقوق بشر، از زمان دستگیری‌اش در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ در زندان اوین به سر می‌برد. او نائب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر ایران است.

مسئولین قضایی در ابتدا دلیل بازداشت وی را از سرگیری اجرای حکم ۶ سال زندان که در سال ۱۳۹۰ به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری صلح‌آمیز وی در کانون مدافعان حقوق صادر شد، بیان کردند. اما فرگس محمدی علت بازداشتش را ملاقات با کاترین اشتون، نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجه می‌داند، دیداری که در تاریخ ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۲ در روز جهانی زن صورت گرفت.

فرگس محمدی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵، طی یک محاکمه ناعادلانه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب استان تهران به اتهام «تشکیل جمعیتی با بیش از دو نفر با هدف برهم زدن امنیت کشور»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «تبلیغ علیه نظام» به ۱۶ سال حبس محکوم شد. اولین مورد اتهام، که ۱۰ سال از حکم نهایی را در برمی‌گیرد، به فعالیت‌های او در کارزار لگام ارتباط دارد.

دو اتهام دیگر مبتنی بر فعالیت‌های دیگر وی هستند، از جمله مصاحبه با رسانه‌ها درباره موارد نقض حقوق بشر، شرکت در تجمعات مسالمت‌آمیز مقابل زندان جهت حمایت از خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام، ارتباط با دیگر فعالان حقوق بشر، من جمله شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل، شرکت در اعتراضات صلح‌آمیز در محکوم کردن اسیدپاشی و همچنین ملاقات وی با کاترین اشتون در سال ۱۳۹۲. در مهرماه ۱۳۹۵، شعبه ۳۶

^{۲۰}خبرگزاری فارس، «مخالفت با اعدام، مخالفت با حکم اسلام است»، ۲۰ آذرماه ۱۳۹۲.

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13920920001052>

^{۲۱} طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات ارتکاب قتل «مقابله به مثل» (قصاص) است که در آن با مجرم همان کنند که او با قربانی کرده است. در موارد ارتکاب قتل، درخواست قصاص و اجرای مجازات اعدام بر عهده خانواده مقتول است. خانواده مقتول همچنین می‌توانند در ازای دریافت دینه مجرم را عفو کنند.

^{۲۲} مصاحبه با وبسایت آسو، ۲۱ مهرماه ۱۳۹۵، <http://www.aasoo.org/fa/articles/204>.

دادگاه تجدید نظر استان تهران، حکم ۱۶ سال زندان دادگاه بدوی نرگس محمدی را تأیید کرد. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶، درخواست اعاده دادرسی او از سوی دیوان عالی کشور رد شد.

نرگس محمدی اظهار داشته که در جلسه محاکمه، قاضی برخوردی خصومت‌آمیز و مغرضانه نسبت به وی داشته و به طرزی بی‌پرده و آشکارا از اتهامات وارده به او از سوی مقامات وزارت اطلاعات دفاع کرده است. او همچنین اظهار داشت که قاضی او را به واسطه فعالیت‌هایش علیه مجازات اعدام، به تلاش برای تغییر احکام الهی متهم کرده است. به گفته نرگس محمدی، قاضی اجازه نداد وی به خوبی از خود دفاع کند. قاضی سه سؤال کتبی به او داد و از او خواست که پاسخ‌هایش را مکتوب نماید. او گفته که هربار که تلاش می‌کرده سخنی بگوید و در مورد پاسخ‌هایش توضیح بدهد، قاضی دستور می‌داد که سکوت کند. به همین ترتیب وکلای نرگس محمدی نیز در جلسه دادگاه اجازه صحبت نداشتند و می‌بایست اظهارات خود را در صورت تمایل مکتوب می‌داشتند.

آتنا دائمی

«در ایران ... این مجریان قانون هستند که مردم، اموالشان و خانواده‌های زندانی سیاسی را به گروگان می‌گیرند تا در جامعه با ایجاد رعب و وحشت و خفقان به خواسته‌شان که بقای خود است، برسند [...] حاضرم بمیرم اما برده ظلم نیاشم.»



مدافع حقوق بشر آتنا دائمی

آتنا دائمی، مدافع حقوق بشر، فروردین ۱۳۹۶

آتنا دائمی، ۲۹ ساله و فعال مخالف اعدام، از آبان‌ماه ۱۳۹۵ برای سپری کردن محکومیت ۶ سال حبس خود به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری صلح‌آمیز در زندان اوین به سر می‌برد. او اولین بار در تاریخ ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳ توسط نیروهای سپاه دستگیر و به بند ۲ الف زندان اوین که توسط سپاه کنترل می‌شد انتقال یافت. به غیر از آخر هفته‌ها، او هر روز معمولاً بین ۱۰ الی ۱۱ ساعت به مدت یک ماه و نیم بازجویی می‌شد. در اغلب بازجویی‌ها باید چشم‌پسته رو به دیوار می‌نشست.

آتنا دائمی در کل دوره بازجویی از دسترسی به وکیل منع شده بود. او در اسفندماه ۱۳۹۳ با قید وثیقه آزاد شد. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴، شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب استان تهران او را با اتهامات «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «تبلیغ علیه نظام»، «توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر» و «اختفای ادله جرم» به تحمل ۱۴ سال زندان محکوم کرد. کل محاکمه او که همزمان با محاکمه سه فعال دیگر برگزار شد، بیشتر از ۴۵ دقیقه طول نکشید.

از دلایل محکومیت او انتشار یادداشت‌هایی انتقادی در فیسبوک و توییتر از کارنامه اعدام مقامات ایران و همچنین شرکت در تجمعاتی جلوی زندان در همبستگی با خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام بود. «اسناد و شواهد» دیگری که علیه او اقامه شد شامل موارد زیر می‌شد: توزیع اعلامیه‌ها و بروشورهایی علیه مجازات اعدام،

^{۳۳} خبرگزاری هرانا، «حاضرم بمیرم اما برده ظلم نیاشم تا مه آتنا دائمی، زندانی در اعتصاب غذا»، ۲۰ فروردین ۱۳۹۶، <https://www.hra-news.org/letters/a-1396>

بازدید از مزار کسانی که در جریان تظاهرات انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ کشته شدند و ارتباط وی با مدافعان حقوق بشر و خانواده‌های زندانیان سیاسی. در مهرماه سال ۱۳۹۵، حکم او در دادگاه تجدید نظر به هفت سال زندان کاهش پیدا کرد.^{۲۴}

در تاریخ ۶ آذرماه ۱۳۹۵، مأموران لباس شخصی سپاه به منزل والدین آتنا دائمی یورش برده و او را بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند. آتنا دائمی در نامه‌ای که مورخ ۱۱ آذرماه ۱۳۹۵ از زندان درز کرد، اظهار داشته که مأموران بعد از این که وی اصرار داشته است حکم دستگیری‌اش را به او نشان دهند او را کتک زده و اسپری فلفل روی او پاشیدند. او همچنین اظهار داشته مأموران چشمانش را بستند و مرتباً تهدیدش کردند که علیه‌اش پرونده‌سازی خواهند کرد.

بعد از دوران زندان، آتنا دائمی شکایتی را علیه مأموران سپاه به خاطر رفتارهای خشونت‌آمیزشان در زمان بازداشت تنظیم کرد که هیچ‌گاه به آن رسیدگی نشد. در عوض در تاریخ ۳ فروردین ۱۳۹۶، یک دادگاه کیفری وی را به جرم «هانان به مأمور دولت حین انجام وظیفه» به سه ماه و یک روز زندان محکوم کرد. خواهران او، انسیه و هانیه دائمی، به جرم مشابه به سه ماه و یک روز حبس تعلیقی محکوم شدند.

در ۱۰ خرداد ۱۳۹۶، دادگاه تجدید نظر در تهران آتنا دائمی و خواهرانش را تبرئه و احکام آن‌ها را لغو کرد. متعاقب آن، آتنا دائمی اعتصاب غذای ۵۴ روزه‌اش را که از ۱۷ فروردین و در اعتراض به آزار و اذیت اعضای خانواده و حکم‌های تعلیقی خواهرانش آغاز کرده بود به پایان برد.^{۲۵}

امید علی‌شناس

امید علی‌شناس، ۳۳ ساله، از آذر ۱۳۹۵ تا تیر ۱۳۹۶ به دنبال اجرای حکم هفت ساله زندان صادر شده در پی فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری - شامل مخالفت با مجازات اعدام - در زندان اوین به سر برد. او اولین بار توسط سپاه پاسداران در ۱۳ شهریور ۱۳۹۳ دستگیر شد و بیش از یک سال در بازداشت بود، قبل از این که در تاریخ ۲۸ دی ۱۳۹۴ به قید وثیقه آزاد شود.



مدافع حقوق بشر امید علی‌شناس

او در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ به دنبال محاکمه ناعادلانه‌ای در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران با اتهامات «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «توهین به مقام رهبری» به ۱۰ سال حبس محکوم شد. محاکمه امید علی‌شناس، که همزمان با محاکمه سه فعال دیگر برگزار شد، بیشتر از ۴۵ دقیقه طول نکشید.

در حکم او این فعالیت‌های مسالمت‌آمیز به عنوان «مدرک جرم» ارائه شد: توزیع جزوه در اعتراض به مجازات اعدام؛ نوشتن در فیس‌بوک بر علیه اعدام‌های دهه ۱۳۶۰ و توصیف آن‌ها به عنوان اعمال غیرانسانی؛ ارتباط با

^{۲۴} برای متن کامل حکم ضمیمه را ببینید.

^{۲۵} برای جزئیات بیشتر درباره این پرونده رجوع کنید به غفو بین الملل، «مدافع حقوق بشر در اعتصاب غذا» (Index: MDE 13/6096/2017)؛ غفو بین الملل، «وضعیت بد سلامتی فعال حقوق زنان» (Index: MDE 13/6322/2017)؛ غفو بین الملل، *ایران از ارسال به بیمارستان فعال حقوق بشری که چهل روز در اعتصاب غذا بوده خودداری می‌کند* (بیانیه مطبوعاتی، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۶).

«عناصر مسئله‌دار» (که به فعالان حقوق بشر اشاره دارد)؛ بازدید از مزار کشته‌شدگان اعتراض‌های بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ که در متن دادگاه از آن‌ها با عنوان فتنه‌گران یاد شده است.^{۲۶}

حکم او هم‌چنین اشاره دارد به پخش فیلمی به نام «شمعی روشن کن» که به موضوع منع بهائیان از دسترسی به آموزش عالی می‌پردازد. حکم زندان امید علی‌شناس که در ابتدا سنگین‌تر بود، در دادگاه تجدیدنظر در مهرماه سال ۱۳۹۵ به هفت سال تقلیل پیدا کرد.

مادر امید علی‌شناس، سیمین عیوض‌زاده، که هر هفته در مقابل زندان اوین نسبت به دستگیری پسرش به شکلی صلح‌آمیز به اعتراض دست می‌زد خودش در طی یکی از این اعتراض‌ها در آبان ۱۳۹۴ دستگیر، به زندان قرچک در ورامین که به خاطر شرایط غیرانسانی‌اش شهرت پیدا کرده منتقل و ۱۰ روز در آن‌جا حبس شد. در اعتراض به این حادثه، امید علی‌شناس دست به اعتصاب غذا زد. سیمین عیوض‌زاده در نهایت به خاطر اعتراض به دستگیری فرزندش، محکوم به ۹۱ روز زندان و ۷۴ ضربه شلاق شد.^{۲۷}

«[امید] با خانواده‌هایی که فرزندان‌شان کشته یا اعدام شده‌اند دیدار می‌کرد ... و [با دوستان خود] یک اعلامیه هم تنظیم کرده بودند که حکم اعدام یک زندانی سیاسی را متوقف کنید. هیچ چیز توهین‌آمیزی هم نداشته. هر جای دنیا بود به او مدال می‌دادند اما اینجا [مقامات به او] ۱۰ سال زندان داده‌اند.»

سیمین عیوض‌زاده، مادر امید علی‌شناس، خرداد ۲۸۱۳۹۴



سیمین عیوض‌زاده، مادر امید علی‌شناس، مدافع حقوق بشر

حکومت ایران به نظر می‌رسد که از طرح مسأله حقوق بشر و مجازات اعدام حتی در قالب هنر ترس داشته باشد و به دنبال سرکوب کردن این شکل از بیان است.^{۲۹} این نکته در پرونده‌ی گلرخ ابراهیمی ایرانی به طور مشخص برجسته می‌شود، نویسنده‌ای که در ۱۳۹۴ به شش سال زندان به اتهام «توهین به مقدسات اسلام» محکوم شد، اتهامی که به واسطه نوشتن یک داستان منتشر نشده درباره مجازات سنگسار متوجه او شده است.

^{۲۶} برای متن کامل حکم ضمیمه را ببینید.

^{۲۷} ویدئوی اعتراض سیمین عیوض‌زاده و دیگران را در صفحه فیس‌بوک پدر امید علی‌شناس، آتیلا علی‌شناس، ببینید:

www.facebook.com/100006784576698/videos/1857811331121668/

^{۲۸} روز آنلاین، «مادر امید علی‌شناس: باید به پسر من جایزه بدهند نه ۱۰ سال زندان»، ۱۱ خرداد ۱۳۹۴.

www.roozonline.com/persian/news/newsitem/article/10-64.html

^{۲۹} عفو بین‌الملل از چندین پرونده اطلاع دارد که در آن‌ها حکومت ایران کسانی که از زبان هنر برای بیان مسائل حقوق بشری استفاده کرده‌اند را مجرم شناخته است. این فهرست شامل کیوان کریمی می‌شود که در ارتباط با ساخت فیلم «نوشتن بر شهر» (۲۰۱۲) که درباره دیوارنوشته‌های شهر تهران است به شش سال زندان محکوم شده و آتنا فرقدانی که به ۱۲ سال و ۹ ماه زندان محکوم شد، حکمی که بعدتر به ۱۵ ماه حبس تعلیقی تقلیل پیدا کرد. اتهامات آتنا فرقدانی «توهین به نمایندگان مجلس» از طریق نقاشی بود که اشاره داشت به کاریکاتوری که در انتقاد از تصویب لایحه‌ای در مجلس برای محدود کردن دسترسی به وسایل جلوگیری از بارداری و ممنوع کردن عقیم‌سازی داوطلبانه ترسیم شده بود.

با وجود تلاش‌های مدنی در داخل ایران برای منع سنگسار، قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ همچنان اجازه اجرای این شکل از مجازات را برای متهمان زنا می‌دهد.^{۳۰} مقامات می‌گویند که «جرم‌انگاری زنا بر اساس تفسیر قانون اسلام است و مجازات‌هایی که در قانون شریعت آمده از جمله سنگسار برای پیش‌گیری از جرم و حفظ عفت عمومی موثر است.»^{۳۱}

گلرخ ابراهیمی ایرانی

گلرخ ابراهیمی ایرانی، نویسنده و ۳۶ ساله، از آبان‌ماه سال ۱۳۹۵ در زندان اوین به سر می‌برد. اساس حکم او، که در ابتدا ۶ سال زندان بود و بعدتر در اسفند ۱۳۹۵ از طریق عفو نروزی به ۳۰ ماه کاهش یافت، نوشتن داستان منتشر نشده‌ای درباره سنگسار است.



مدافع حقوق بشر گلرخ ابراهیمی ایرانی

این داستان درباره شوک عاطفی وارد شده به زنی جوان بعد از تماشای فیلم «سنگسار ثریا میم» است که بر اساس داستانی واقعی ساخته شده است. زن جوان داستان چنان از دیدن فیلم منقلب می‌شود که به دنبال نسخه‌ای از قرآن را می‌سوزاند.

گلرخ ابراهیمی ایرانی در ابتدا بدون حکم جلب و همراه با همسرش آرش صادقی (فصل ۴ را ببینید) در ۱۵ شهریور ۱۳۹۳ توسط سپاه پاسداران دستگیر شد. او تا تاریخ ۵ مهرماه همان سال بدون اجازه تماس با خانواده یا وکیلش در زندان بود تا این که در این تاریخ با قید وثیقه آزاد شد. گلرخ ابراهیمی ایرانی در زمان بازداشتش در طی جلساتی طولانی و با چشمان بسته بازجویی می‌شد و دائماً به او گفته می‌شود که به خاطر «توهین به اسلام» اعدام خواهد شد.

گلرخ ابراهیمی ایرانی در مرداد ماه ۱۳۹۴ و به دنبال دو جلسه بسیار کوتاه دادرسی در دادگاه انقلاب که هر کدام فقط یک ربع به درازا کشیدند به تحمل شش سال حبس محکوم شد. او بدون حضور وکیل مدافع محاکمه شد. اولین وکیلی که او برای دفاع از پرونده‌اش تعیین کرد زیر فشار قرار داده شد تا از ادامه کار کناره بگیرد و وکیل دوم هم از مطالعه پرونده موکلش منع شد. در جلسه اول دادگاه به او اصلاً اجازه حرف زدن داده نشد، با این بهانه که این جلسه برای بررسی پرونده همسر اوست و در زمان جلسه دوم، او در بیمارستان بستری بود. گلرخ ابراهیمی ایرانی مدارک بستری شدنش در بیمارستان را با درخواست به عقب انداختن جلسه به دادگاه فرستاد، اما این درخواست رد شد.

همسر گلرخ ابراهیمی ایرانی، آرش صادقی، به دنبال بازداشت او در ۳ آبان‌ماه سال ۱۳۹۵ به اعتصاب غذایی ۷۱ روزه دست زد که تا ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۵ ادامه داشت. با افزایش اعتراض‌های بین‌المللی، مقامات مجبور شدند در ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۵ به گلرخ ابراهیمی ایرانی اجازه مرخصی موقت از زندان بدهند. با این وجود، وقتی آرش صادقی اعتصاب غذایی را متوقف کرد، عوامل سپاه به روش‌های انتقام‌جویانه مختلفی متوسل شدند. آن‌ها تا

^{۳۰} برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، اصلاحات معیوب: قانون آیین دادرسی کیفری جدید ایران (Index: MDE 13/2708/2016).

^{۳۱} بر اساس متن نشست عمومی سازمان ملل، گزارش دبیر کل درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، سند سازمان ملل، A/71/374. www.ohchr.org/EN/Countries/AsiaRegion/Pages/IRIndex.aspx

مدتها با جلوگیری از انتقال پرونده‌های این زوج از دادگاه انقلاب به دیوان عالی کشور مانع از رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی شدند. در حرکتی دیگر، در ۳ بهمن ۱۳۹۵ آن‌ها با آن که مقامات وعده داده بودند تا زمان بازنگری پرونده مرخصی گلرخ ابراهیمی ایرانی را تمدید کنند، دوباره او را دستگیر و به زندان برگرداندند. از آن زمان مسؤولین فقط دوباره اجازه دیدار بین این زوج را داده‌اند.^{۳۲}

^{۳۲} برای اطلاعات بیشتر درباره این پرونده رجوع کنید به عفو بین الملل، ایران: نویسنده داستان سنگسار دوباره بازداشت شده و سپاه پاسداران از بازنگری پرونده/اش جلوگیری می‌کند (بیانیه مطبوعاتی، ۶ بهمن ۱۳۹۵) و عفو بین الملل، «مدافع حقوق بشر در زندان اوین شکنجه شده» (Index: MDE 13/5811/2017).

۶ مدافعان حقوق زنان

« همواره گفته‌ام که زن بودن، مادر بودن و فعال حقوق بشر هر یک به تنهایی سخت است، بودن و داشتن هر سه با هم جرمی نابخشودنی و قامت‌شکن است. و اکنون «من» در سرزمین و وطنم، چنانچه در کیفرنامه‌ام آمده به جرم فعال حقوق بشر، فمینیست و مخالف اعدام بودن محکوم و در حبس هستم.»

بخشی از نامه سرگشاده نرگس محمدی، مدافع حقوق بشر، از داخل زندان اوین، تیر ماه ۱۳۹۵^{۳۳}

در ایران، زنان هر روزه با تبعیض‌هایی گسترده و نهادینه، هم در قانون و هم در عمل، از جمله در حوزه‌های اشتغال، درمان و بهداشت، تحصیل، دسترسی به کرسی‌ها و منصب‌های سیاسی و قوانین جزا و خانواده، روبه‌رو هستند. قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به پوشش، از جمله در مورد حجاب اجباری که در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی بر آن تأکید شده، دست نیروهای انتظامی و بسیج را در جهت اعمال محدودیت و فشار بر زنان، صدور مجازات حبس و خشونت علیه زنان باز می‌گذارد. خشونت علیه زنان و دختران در ایران گسترده است و مقامات هنوز قوانینی که خشونت‌های جنسیتی را جرم تلقی کند وضع نکرده‌اند. این علیرغم تلاش‌های شهیندخت مولوردی، معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده، است که از سال ۱۳۹۲ برای بازبینی لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت تلاش کرده است. زنان و دختران همچنان در معرض ازدواج‌های زود هنگام و اجباری نیز هستند. سن قانونی برای ازدواج ۱۳ سال است و پدران می‌توانند برای آن که اسباب ازدواج دختران خود را حتی زیر این سن - و با مردانی بسیار مسن‌تر از دختران خود - فراهم کنند، برای دریافت مجوز از دادگاه اقدام کنند.^{۳۴}

علی‌رغم این مشکلات، مدافعان حقوق زنان به فعالیت‌های خود برای ایجاد تغییر ادامه می‌دهند. برای مثال، آبان سال ۱۳۹۴، گروهی از فعالان کارزاری را با نام «پیش به سوی تغییر چهره مردانه مجلس» برگزار کردند تا بر سهم زنان در کرسی‌های مجلس تأکید کنند.^{۳۵}

^{۳۳} متن کامل نامه در این جا موجود است: خبرگزاری هرانا، «نرگس محمدی در زندان اوین اعتصاب غذا کرد»، ۷ تیر ۱۳۹۵، <https://www.hra-news.org/2016/hranews/a-6391>

^{۳۴} برای جزئیات بیشتر، رجوع کنید به عفو بین الملل، «باشد که زاد و ولد کنید: هجوم به حقوق جنسی و باروری زنان در ایران» (Index: MDE 13/1111/2015).

^{۳۵} برای جزئیات بیشتر، رجوع کنید به صفحه فیسبوکی «کمپین تغییر چهره مردانه مجلس»، www.facebook.com/women4parliament/posts/1687718481441612

در بهمن ۱۳۹۴، اعضای این کارزار در مصاحبه‌ای اعلام کردند که همه نامزدهای پیشنهادی آن‌ها از طرف شورای نگهبان^{۳۶} که وظیفه‌اش تأیید یا رد صلاحیت نامزدهای انتخابات است، رد صلاحیت شده‌اند. با این حال، این کارزار توانست تعداد نامزدهای زن را به ۵ برابر برساند، بر خواست زنان به برابری و مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی تأکید کند و نامزدهایی را که سابقه اظهارنظرهای زن‌ستیزانه (سکسیستی) دارند به مردم معرفی کند.

واکنش مقامات به کارزار «پیش به سوی تغییر چهره مردانه مجلس» افزایش سرکوب بود. تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که در فاصله دی ۱۳۹۴ تا تیر ۱۳۹۵، بسیاری از فعالان حقوق زنان در تهران توسط سپاه پاسداران برای بازجویی‌هایی سنگین و طولانی احضار و تهدید شدند که به دلیل همکاری با این کارزار، با اتهامات امنیتی روبه‌رو و زندانی می‌شوند.

از این فعالان خواسته شده بود که خود را برای «ارائه برخی توضیحات»، به یکی از دفاتر سپاه پاسداران در تهران معرفی کنند. پس از حضور در محل، آن‌ها به جاسوسی و همکاری با «جریان‌ات بیگانه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی» متهم شدند. در خلال بازجویی، این زنان مورد آزار و دشنام، از جمله تهمت‌های جنسیتی، واقع و وادار شدند که تعهد بدهند دیگر در فعالیت‌های مدنی شرکت نکنند. در طی بازجویی‌ها، که گاهی حتی تا هشت ساعت نیز طول می‌کشید، فعالان از حق دسترسی به وکیل محروم بودند.

مدافعان حقوق زنان تحت فشارهای سنگینی قرار گرفتند تا به فعالیت کارزار پایان بدهند، و نهایتاً در ۱۰ اسفند ۱۳۹۴ این کارزار از کار بازماند.^{۳۷} مسئولان به شکل عمومی و فراگیر زنان فعال در این کارزار را متهم کردند که عاملان یک «پروژه نفوذ» و به دنبال «براندازی نرم» نظام جمهوری اسلامی ایران هستند.

«افرادی که سخن از تغییر چهره مردانه مجلس می‌زنند و از آن طرف سایت‌ها، نشریات و شبکه‌های اجتماعی را محیطی برای بیان تفکرات غلط خود کرده‌اند در حقیقت کُبی کننده و مجری تفکرات غربی هستند... [آن‌ها] دنبال حقوق زنان نیستند.»

فرشته روح افزا، قائم مقام شورای فرهنگی اجتماعی زنان در حمله به کارزار «پیش به سوی تغییر چهره مردانه مجلس»، آذر ۱۳۹۴^{۳۸}

حملات جدید بر علیه فعالان حقوق زنان توأم شده است با گفتمان رسمی که صریحاً فمینیسم را یک جرم تلقی می‌کند و هر نوع تلاش برای حقوق زنان را «توطئه‌ای» علیه امنیت ملی تو صیف می‌کند که هدف‌اش تضعیف باورها و ارزش‌های مذهبی و نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری است. این رویکرد خصمانه نه تنها متوجه فعالان حقوق زنان بلکه

^{۳۶} نگاه کنید به رادیو زمانه، «کمپین تغییر چهره مردانه مجلس»، ۲۹ بهمن ۱۳۹۴، www.radiozamaneh.com/261528.

^{۳۷} «آخرین بیانیه «کمپین تغییر چهره مردانه مجلس»، ۱۰ اسفند ۱۳۹۴.

www.facebook.com/women4parliament/posts/1724381354441991

^{۳۸} آرمان زنان، «بانیان کمپین تغییر چهره مردانه مجلس مجری نفوذ دشمن در حوزه زنان»، ۱۰ آذر ۱۳۹۴، <http://bit.ly/2t49aC4>.

حتی شامل حال اشخاص منفرد در دولت حسن روحانی که سعی کرده‌اند تلاش‌هایی برای بهبود شرایط زنان در کشور انجام دهند هم شده است.

بارزترین نمونه در این مورد کارزارهای بدن‌سازی و اتهام‌زنی به شهیندخت مولوردی، معاون امور زنان و خانواده رییس‌جمهور ایران، است که توسط رسانه‌های وابسته به نهادهای امنیتی هدایت می‌شود. اظهارات انتقادی شهیندخت مولوردی درباره خشونت علیه زنان، منع زنان از ورود به استدیوم‌های ورزشی، نابرابری‌های جنسیتی در حوزه اشتغال و قوانین مربوط به مرخصی حاملگی به عنوان «موضع‌گیری‌های نخ‌نمای فمینیستی» که نقش‌های سنتی جنسیتی و نهاد خانواده را تهدید می‌کند مورد حمله قرار گرفته است.^{۳۹}

در دی‌ماه ۱۳۹۴، روزنامه یالثارات، رسانه رسمی انصار حزب‌الله، مقاله‌ای منتشر کرد که در آن شهیندخت مولوردی را با الفاظ «فاحشه» و «سلیطه» خطاب کرده که به همراه «همپالگی»‌های خود در لندن قصد براندازی نظام را دارد.^{۴۰}

در اردیبهشت سال ۱۳۹۵، روزنامه نزدیک به رهبر، کیهان، اخطار داد که «نفوذ در حوزه زنان و خانواده ... در مرحله اول برنامه‌ریزی دشمن برای نفوذ قرار دارد. چرا که مورد حمله قرار دادن زن به عنوان راس و محور کانونی خانواده، کل نظام خانواده را منحل و در گام‌های دیگر به فروپاشی نظام‌های دینی و سیاسی جامعه دست پیدا خواهند نمود.» مقاله مذکور تعریف «نفوذ» را چنین ارائه داده است: «سوخ دیدگاه‌های فمینیستی افراطی، دور کردن زنان از حقیقت «زن بودن»، از بین بردن ماهیت انسانی زن و نقش خانواده و از بین بردن تفاوت‌های زن و مرد و همانند کردن و یکسان‌سازی آن‌ها است.» این مقاله موضوعاتی مثل خشونت علیه زنان، حضور و ورود زنان در ورزشگاه‌ها و مسأله اشتغال زنان را «موضوعات حاشیه‌ای» خواند که به صورت «کاذب و غیرمنطبق با مسایل واقعی جامعه ایران» توسط عوامل نفوذی پررنگ شده تا «فضای رسانه‌ای و کاذبی» علیه جمهوری اسلامی ایجاد کند.^{۴۱}

گفتمانی که کسانی که در مورد مسائل حقوق زنان کار می‌کردند را مجرم می‌پندارد به طور برجسته‌ای در بیانیه‌های مربوط به دستگیری خودسرانه و بازداشت‌ها هودفر، یک استاد دانشگاه ایرانی-کانادایی با شهرتی جهانی به خاطر تحقیقات آکادمیک‌اش درباره حقوق زنان، خودنمایی کرد.

^{۳۹}روز آنلاین، «معاونت زنان دولت؛ روی صلیب»، ۱۷ دی ۱۳۹۳.

<http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem/article/-72df431f8c.html>

^{۴۰}بی بی سی فارسی، «توهین جنسی ارگان انصار حزب الله به معاون رئیس‌جمهور ایران»، ۶ دی ۱۳۹۴.

http://www.bbc.com/persian/iran/2015/12/151227_l39_molaverdi_yalasarat_sexual_insult

^{۴۱}کیهان، «در سایه غفلت مسئولان، نفوذ در حوزه زنان و خانواده چگونه اتفاق افتاده است؟»، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۵، <http://bit.ly/2s00yYw>.

**«هما هودفر ... مجری شبکه سازی فمینیسم
در ایران و محور اجرای برنامه های تغییر
نرم در حوزه زنان در کشورهای اسلامی به
ویژه ایران می باشد.»**

خبرگزاری تسنیم به نقل از یک مقام امنیتی، خرداد
۴۲۱۳۹۵



استاد مردم شناسی ایرانی-کانادایی هما هودفر

هما هودفر در ۱۷ خرداد ۱۳۹۵ در سفری که به ایران از کانادا کرده بود بازداشت شد. او سالها با شبکه‌ای بین‌المللی به نام «زنانی که تحت قوانین اسلامی زندگی می‌کنند» همکاری می‌کرده که هدفش تقویت مبارزات و فعالیت‌های زنان در راه برابری و حقوق بشر در جوامع مسلمان است.

در ۴ تیر ۱۳۹۵، دادستان عمومی و انقلاب تهران اعلام کرد که اتهام هما هودفر «ورود به حوزه‌های فمینیسم و جرائم امنیتی» است.^{۴۳} چند روز پیش از آن نیز، رسانه‌های وابسته به سپاه پاسداران نوشتند که او «سرشیکه جریان فمینیستی در ایران» بوده است.^{۴۴} گویی که فمینیسم جرم است و «زنانه کردن چهره مجلس ایران» را «آخرین پروژه وی» نامیدند.^{۴۵} مطالب این رسانه‌ها ادعا می‌کردند که هدف همکاری هما هودفر با شبکه‌ی «زنانی که تحت قوانین اسلامی زندگی می‌کنند»، «برهم زدن آرامش و نظم حاکم بر جامعه و در ادامه آن بسترسازی برای تغییرات فرهنگی- اجتماعی است که می‌تواند زمینه‌ساز گذار سیاسی شود؛ گذاری که در نهایت، همان مدل براندازی نرم خواهد بود.»^{۴۶}

هما هودفر پیش از بازداشت در ۱۷ خرداد ۱۳۹۵ چندین بار توسط سپاه پاسداران برای بازجویی‌هایی فشرده و طولانی درباره باورهای فمینیستی خود، همکاری‌اش با شبکه «زنانی که تحت قوانین اسلامی زندگی می‌کنند» و ارتباطاتش با مدافعان حقوق زنان و دیگر فعالان حقوق بشر احضار شده بود. او در دوران بازجویی از حق دسترسی به وکیل محروم بود. به گفته وکیل وی، عناوین رسمی اتهامات او «تبلیغ علیه نظام» و «همکاری با دولت‌های متخاصم» بوده است.

هما هودفر در پی یک کارزار مؤثر برای آزادی‌اش، در ۵ مهر ۱۳۹۵ آزاد شد و به کشور عمان فرستاده شد. او از آنجا به کانادا بازگشت.^{۴۷}

^{۴۲} خبرگزاری تسنیم، «هما هودفر عضو شبکه ضد امنیتی «ولوم» بازداشت شد»، ۲۶ خرداد ۱۳۹۵، bit.ly/2rFyxZy

^{۴۳} مشرق نیوز، «هما هودفر، در حوزه‌های فمینیسم و جرائم امنیتی ورود داشته است»، ۴ تیر ۱۳۹۵، <http://bit.ly/2sHycUx>

^{۴۴} خبرگزاری تسنیم، «هما هودفر عضو شبکه ضد امنیتی «ولوم» بازداشت شد»، ۲۶ خرداد ۱۳۹۵، bit.ly/2rFyxZy

^{۴۵} گرداب، «نگاهی به سوابق، تفرکات و اقدامات ضد امنیتی «هما هودفر»+ عکس و فیلم»، ۲۹ خرداد ۱۳۹۵، <http://bit.ly/2uhoTOC>

^{۴۶} مشرق نیوز، «هما هودفر عضو شبکه ضد امنیتی «ولوم» بازداشت شد»، ۲۶ خرداد ۱۳۹۵، bit.ly/2rFHW3k

^{۴۷} برای جزئیات بیشتر، رجوع کنید به عفو بین الملل، «نگرانی از سلامت دکتر هما هودفر استاد دانشگاه کانادایی-ایرانی»، (Index: MDE 13/4787/2016)؛ عفو بین الملل، «آزادی هما هودفر در پی کمپینی بین‌المللی» (Index: MDE 13/4909/2016)؛ عفو بین الملل، *با فعالان حقوق زنان به عنوان «دشمن» رفتار می‌شود* (بیانیه مطبوعاتی، ۲۰ مرداد ۱۳۹۵).

نیروهای اطلاعاتی و امنیتی ایران مدافعان حقوق زنان را به شدت تحت نظارت دارند و سفرهای خارجی آنها را نیز رصد می‌کنند (به مورد **عالیه مطلب‌زاده** در پایین نگاه کنید). هدف از این نظارت‌ها منزوی کردن مدافعان حقوق زنان و جلوگیری از ایجاد ارتباط و همکاری با هم‌تایان خود در خارج از کشور بوده است. این اعمال بخشی از یک سیاست حکومتی است که قصد دارد هر گونه تلاش برای به چالش کشیدن تبعیض‌های جنسیتی را در نطفه خفه کند.

عالیه مطلب‌زاده



مدافع حقوق بشر عالیه مطلب‌زاده

عالیه مطلب‌زاده، فعال حقوق زنان و عکاس خبری، در ششم آذر ۱۳۹۵ پس از هفته‌ها تحت فشار و آزار قرار گرفتن توسط وزارت اطلاعات دستگیر و بازداشت شد. این فشارها در پی بازگشت او از کارگاهی در گرجستان درباره «انتخابات و قدرت‌یابی زنان» آغاز شده بود. او به دلیل شرکت در کارگاه مذکور متهم به «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و به دنبال آن ممنوع‌الخروج شده است.

عالیه مطلب‌زاده تا ۲۹ آذر ۱۳۹۵ در بند ۲۰۹ زندان اوین در انفرادی بود و سپس با قرار وثیقه آزاد شد. در این مدت، او بارها درباره شرکت در کارگاه گرجستان و اطلاعات مربوط به برگزارکنندگان آن مورد بازجویی قرار گرفته بود. او از حق دسترسی به وکیل محروم بود و تنها یک بار اجازه ملاقات حضوری خانواده‌اش را در روز ۱۷ آذر، در حضور بازجو، داده بودند. بازجو از فرصت این دیدار استفاده می‌کند و به همسر عالیه مطلب‌زاده هشدار می‌دهد که با مصاحبه با رسانه‌ها درباره بازداشت همسر خود، «سر و صدا به راه نیاندازد». بازجو همسر و دختر عالیه مطلب‌زاده را هم تهدید به بازداشت کرده و به همسر او گفته با رسانه‌ها مصاحبه نکند.

بر اساس اطلاعات عفو بین‌الملل، وزارت اطلاعات دست کم ۱۳ زن دیگر را نیز که در کارگاه گرجستان شرکت کرده بودند مورد بازجویی و تحت فشار قرار داده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که پس از آزادی عالیه مطلب‌زاده، او و خانواده‌اش تحت نظارت مأمورین اطلاعات هستند.

در آبان سال ۱۳۹۳، نرگس محمدی، از فعالان برجسته حقوق بشر در ایران (فصل ۵ را ببینید) در نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، توضیح داد که چگونه بازجویان وزارت اطلاعات، او را با سؤال‌های متعدد پیرامون فعالیت‌اش در نهادهای مدنی از جمله کانون شهروندی زنان، تحت فشار قرار داده بودند. کانون شهروندی

زنان یک نهاد مدنی است که برای حذف تبعیض و خشونت علیه زنان تلاش می‌کند.^{۴۸} به گفته نرگس محمدی، سیر بازجویی‌های او نشان داد که «تمرکز نهادهای امنیتی بر از بین بردن جامعه مدنی است.»^{۴۹}

از جمله موارد دیگری که در بازجویی‌های نرگس محمدی مرتباً منعکس شده می‌توان به این دو مورد اشاره کرد: ملاقات او و گروهی از مدافعان حقوق زنان با کاترین اشتون، نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجه، در سفارت اتریش در تهران به مناسبت روز جهانی زن در ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۲ و نیز شرکت او در اعتراض‌های مسالمت‌آمیز مقابل ساختمان‌های دولتی برای درخواست از مسئولان جهت رسیدگی به پرونده اسیدپاشی به زنان در اصفهان در مهرماه ۱۳۹۳.

«حال جای طرح این سؤال است که چرا نهادهای امنیتی به جای بازجویی و بازداشت عاملان و آمران اسیدپاشی، معترضان [مسالمت‌جو] به این جنایت هولناک علیه زنان این سرزمین را نشانه رفته‌اند؟ آیا در این قضیه در هر صورت، زنان قربانیان خشونت‌اند؛ گاه در مقام قربانی اسیدپاشی و گاه در مقام معترضان به اسیدپاشی؟»

نرگس محمدی در نامه‌ای سرگشاده به روحانی، رییس جمهوری ایران، آبان ۵۰۱۳۹۳

سرکوب مدافعان حقوق زنان شامل برخوردهای شدید با زنان مخالف حجاب اجباری نیز می‌شود. این دسته از فعالان خواهان احترام به حق آزادی بیان، دین و عقیده زنان هستند که حجاب اجباری نقض می‌کند. رسانه‌های حکومتی غالباً از الفاظ توهین آمیزی مثل «فاحشه»، «منحرف» و «فاسد» برای تحقیر این زنان استفاده می‌کنند.

یکی از شدیدترین نمونه‌ها در این زمینه کارزارهای بدنام‌سازی و اهانت به مسیح علی‌نژاد، فعال حقوق زنان و روزنامه‌نگار ایرانی مقیم آمریکا، است که کارزار آنلاین محبوبی به نام «آزادی‌های یواشکی زنان در ایران» راه انداخته است. این کارزار زنان ایران را تشویق می‌کند تا عکس‌های بدون حجاب از خودشان را به عنوان اعتراض به حجاب اجباری منتشر کنند. رسانه‌های حکومتی در مطالبی او را «فاحشه» خوانده و ادعا کردند که به او «بعد از مصرف بیش از حد کوکایی و برهنه شدن در خیابان مورد تجاوز گروهی قرار گرفته است.»^{۵۱} او در تیرماه سال ۱۳۹۶ توسط کاربرانی در شبکه‌های اجتماعی که گمان می‌رود وابسته به نهادهای امنیتی باشند تهدید به مرگ شد.

مدافعان حقوق بشری که صریحاً با حجاب اجباری اعلام مخالفت کرده‌اند همچنین متهم به «توهین به اسلام» و تهدید به مجازات‌های سنگین، از زندان تا اعدام، شده‌اند.

^{۴۸} تریبون زمانه، «نرگس محمدی در نامه‌ای به رییس جمهوری از محور بازجویی‌هایش سخن گفت»، ۲۱ آبان ۱۳۹۱، <https://www.tribunezamaneh.com/archives/61938>

^{۴۹} سایت کلمه، «گزارش نرگس محمدی از بازجویی شش ساعته در دادسرای اوین و ساختمان مجاور»، ۱۸ آبان ۱۳۹۳، <http://www.kalame.com/1393/08/18/klm-202149/>

^{۵۰} تریبون زمانه، «نرگس محمدی در نامه‌ای به رییس جمهوری از محور بازجویی‌هایش سخن گفت»، ۲۱ آبان ۱۳۹۳، www.tribunezamaneh.com/archives/61938

^{۵۱} نیویورک تایمز، «بنیانگذار کمپین آزادی یواشکی آماج حملات کمپین بدنام‌سازی در شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد»، ۲۲ خرداد ۱۳۹۶، <http://nytlive.nytimes.com/womenintheworld/2017/06/12/my-stealthy-freedom-founder-the-target-of-ugly-smear-campaign-on-social-media/>

آتنا دائمی در یکی از پست‌های فیس‌بوک‌اش، مهر ۱۳۹۵^{۵۲}

به دنبال تشدید سرکوب مدافعان حقوق زنان، مقامات همچنین نوشته‌ها و مطالب آنلاین و چاپی را که به ترویج حقوق زنان می‌پردازند تعطیل یا فعالیت‌شان را معوق کرده و با ایجاد جوی از ارباب به خودسانسوری نیز شدت بخشیده‌اند.

در سال ۱۳۹۵ و درست در همان دوره‌ای که اعضای کارزار «پیش به سوی تغییر چهره مردانه مجلس» برای بازجویی احضار می‌شدند، مسؤولین وبسایت «مدرسه فمینیستی» را نیز مورد هدف قرار دادند. این وبسایت گزارش‌ها و مقالاتی درباره نظریات و فعالیت‌های فمینیستی و نیز وضعیت حقوق زنان در ایران و جهان منتشر می‌کرد.^{۵۳} نهادهای امنیتی افرادی را که با این وبسایت همکاری داشتند، که اغلب عضو کارزار «پیش به سوی تغییر چهره مردانه مجلس» نیز بودند، تهدید کردند که در صورتی که به کار خود در این وبسایت ادامه بدهند به اتهام ارتکاب جرایم امنیتی زندانی می‌کنند. «مدرسه فمینیستی» از بهمن‌ماه ۱۳۹۵ دیگر به روز نشده است.

^{۵۲} تریبون زمانه، «من آتنا دائمی از داخل ایران با شما صحبت میکنم»، ۱۳ مهر ۱۳۹۵، <https://www.tribunezamaneh.com/archives/106259>

^{۵۳} وبسایت مدرسه فمینیستی: www.feministschool.com

۷ فعالان حقوق کارگران

«بدین گونه بر اساس مستندات رای‌هایی که علیه ما صادر شده است باید گفت هر گونه تلاش برای اجرای قوانین حداقلی موجود و مبارزه برای بهبود شرایط زندگی و معیشت کارگران و معلمان در این کشور اقدام علیه امنیت ملی محسوب می‌شود.»

فعالان صنفی زندانی اسماعیل عبدی و جعفر عظیم‌زاده در بیانیه‌ای مشترک از داخل زندان، فروردین ۱۳۹۵^{۵۴}

در ایران محدودیت‌های بسیاری بر آزادی انجمن‌ها و تشکل‌ها و نیز ممنوعیت فعالیت اتحادیه‌های صنفی مستقل وجود دارد. با این حال، بسیاری از کارگران کشور با شجاعت تمام، اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌هایی را برای حمایت از حقوق کارگران تشکیل داده‌اند. حقوق‌های پرداخت نشده، شرایط بی‌ثبات کار، تورم سرسام‌آور و استانداردهای پایین زندگی از عواملی بوده‌اند که کارگران ایران را به تشکیل چنین نهادهایی سوق داده است.

این کارگران مدافعان حقوق بشری هستند که می‌خواهند از حق همه افراد برای تشکیل و عضویت در اتحادیه‌های صنفی و برخورداری از شرایط مساعد کار و استخدام، تأمین اجتماعی، و استانداردهای معیشتی - از جمله حق تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و خدمات و مراقبت‌های پزشکی مناسب - دفاع کنند.

واکنش مقامات به این کوشش‌ها همواره تند و شدید بوده است. مدافعان حقوق کارگران صرفاً به دلیل فعالیت‌های صنفی قانونی خود بدون هیچ توجیهی از کار اخراج و یا وادار به بازنشستگی‌های زود هنگام می‌شوند؛ توسط پلیس مورد حمله و ضرب و شتم قرار می‌گیرند؛ به دلیل اعتراض‌های مسالمت‌آمیز برای حقوق پرداخت نشده خود توبیخ می‌شوند؛ با دستگیری و بازداشت‌های خودسرانه مواجه می‌شوند؛ و مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار می‌گیرند.

فعالان حقوق کارگران نیز مانند دیگر مدافعان حقوق بشر با اتهامات واهی همچون «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» و «تشکیل جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور» بازداشت و به حبس‌هایی طولانی‌مدت محکوم می‌شوند.^{۵۵}

احکامی که توسط دادگاه‌ها صادر می‌شود و مورد بررسی عفو بین‌الملل قرار گرفته به وضوح نشان می‌دهد که دادگاه‌های ایران تا چه حد فعالیت‌های مسالمت‌آمیز فعالان حقوق کارگران را همچون «مدرکی» برای «اقدام علیه

^{۵۴} حقوق معلم و کارگر، «بیانیه جعفر عظیم‌زاده و اسماعیل عبدی پیرامون اقدام به اعتصاب غذا از روز دهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۵»، ۲۱ فروردین ۱۳۹۵،

<http://bit.ly/2Osh4MW>

^{۵۵} برای جزئیات بیشتر، رجوع کنید به عفو بین‌الملل، «درخواست عفو بین‌الملل از ایران: فعالان کارگری زندانی را آزاد کنید و به حقوق کارگران احترام بگذارید» (Index: MDE13/6147/2017).

امنیت ملی» و «تبلیغات ضد انقلابی» محسوب می‌کنند. این فعالیت‌ها شامل موارد زیر می‌شود: برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز، مانند تجمعاتی که به مناسبت روز کارگر برگزار می‌شود؛ شرکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز علیه دستمزدهای پایین و انتشار عکس‌های این اعتراضات در اینترنت؛ دریافت دعوت‌نامه‌هایی برای شرکت در اجلاس‌های بین‌المللی اتحادیه‌های صنفی؛ امضای بیانیه‌هایی در حمایت از حقوق اتحادیه‌های صنفی؛ و راه‌اندازی وبسایت‌ها و کارزارهایی برای افزایش حداقل دستمزد کار در کشور.

«در طول سال‌های اخیر، [متهم] مشکلات صنفی شرکت واحد را بهانه قرار داده و با ارسال پیامک و دعوت اعضا و مرتب‌ترین سندیگای شرکت واحد به تجمعات و امضای بیانیه‌های متعدد و مصاحبه با رسانه‌های ضدانقلاب علی‌الخصوص وابسته به گروه‌های چپ مارکسیستی و کمونیستی و نشان دادن وضعیت اسفبار اوضاع کارگران کشور ... یک رشته مبارزات را علیه نظام داشته است.»

بخشی از حکم شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران علیه داوود رضوی، بهمن ۱۳۹۴^{۵۶}

۱,۷ اتحادیه‌های صنفی مستقل

بنا بر قانون کار ایران، شوراهای اسلامی کار یا انجمن‌های صنفی می‌توانند امور کارگران را نمایندگی کنند.^{۵۷} تحت قوانین فعلی، کارگران یک واحد نمی‌توانند همزمان شورای اسلامی کار و انجمن صنفی داشته باشند.^{۵۸} شوراهای اسلامی کار عملاً از جانب حکومت مورد حمایت بیشتری قرار گرفته‌اند، که این خود به انحصارطلبی سازمانی به نفع حکومت منجر شده است. کمیته آزادی انجمن، نهادی که توسط سازمان جهانی کار برای نظارت بر نقض حقوق مربوط به آزادی انجمن‌ها تأسیس شده، بارها این وضعیت را مورد انتقاد قرار داده است.^{۵۹}

آن طور که در قانون کار آمده، هدف اولیه شوراهای اسلامی کار بیش از آن که حمایت از حقوق اتحادیه‌های صنفی باشد، حمایت از جمهوری اسلامی است. طبق قانون کار، هدف از تأسیس انجمن‌ها یا شوراهای اسلامی کار «تبلیغ و

^{۵۶} پیوست مربوطه را برای متن کامل حکم ببینید.

^{۵۷} کمترین حد نصاب لازم برای تشکیل انجمن صنفی کارگری در سطح کارگاه ده نفر و در صنف، دست کم پنجاه عضو از صنف مربوط، از کارگاه‌های مختلف می‌باشد. در کارگاه‌های دارای کارگران مشمول قانون کار که فاقد شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی کارگری باشند، کارگران می‌توانند درخواست انتخاب نماینده کارگران را به اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان یا نزدیک‌ترین اداره کار به محل اشتغال خود ارائه نمایند. نگاه کنید به آیین‌نامه چگونگی تشکیل - حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط - موضوع ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران، ماده ۲، rc.majlis.ir/fa/law/show/114044 و قانون کار جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۳۱، تبصره ۴، <https://rkj.mcls.gov.ir/fa/moghararaat/ghavanin/ghanoonkar>

^{۵۸} قانون کار جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۳۱، <https://rkj.mcls.gov.ir/fa/moghararaat/ghavanin/ghanoonkar>

^{۵۹} به طور مشخص، کمیته در چندین نوبت از ایران خواسته تا ماده ۱۳۱ قانون کار را که موجب موانع شورای اسلامی کار شده است اصلاح کند و بدین ترتیب از تکثرگرایی در قوانین اتحادیه‌های صنفی صیانت نماید. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به سازمان جهانی کار، گزارش شماره ۳۵۰ کمیته آزادی انجمن، شماره پرونده: ۲۵۶۷ (جمهوری اسلامی ایران)، سال ۲۰۰۸، پاراگراف ۱۱۶۳.

www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---relconf/documents/meetingdocument/wcms_094216.pdf;

سازمان جهانی کار، گزارش شماره ۳۷۱ کمیته آزادی انجمن، شماره پرونده ۲۸۰۷، سال ۲۰۱۴، پاراگراف ۵۷۴.

www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---relconf/documents/meetingdocument/wcms_239692.pdf

گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی» است.^{۶۰} به علاوه، کسانی که خود را برای شوراهای اسلامی کار نامزد می‌کنند باید «التزام عملی» خود را به اسلام ثابت کنند^{۶۱} و نشان دهند که به حاکمیت ولایت فقیه پایبند هستند،^{۶۲} در غیر صورت، مورد تبعیض قرار می‌گیرند.^{۶۳}

انجمن‌های صنفی نیز مستقل نیستند و برای فعالیت خود، نیاز به مجوزهای حکومتی دارند. قانون کار تصریح می‌کند که «کلیه انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوطه به هنگام تشکیل، موظف به تنظیم اساسنامه با رعایت مقررات قانونی و طرح و تصویب آن در مجمع عمومی و تسلیم به وزارت کار و امور اجتماعی جهت ثبت می‌باشند».^{۶۴} وزارت کار و امور اجتماعی موظف است که شرایط احراز صلاحیت داوطلبانی را که می‌خواهند به عضویت انجمن‌های صنفی انتخاب شوند یا مسئولیتی را در این نهادها بپذیرند تأیید کند و بر نحوه انتخاب آن‌ها نظارت داشته باشد. انجمن‌های صنفی موظف‌اند که این وزارت‌خانه را از برگزاری مجمع‌های عمومی، حداقل ۱۵ روز کمتر از تشکیل آن‌ها، مطلع کنند. مقامات وزارت‌خانه از این حق برخوردارند که این جلسات و نشست‌ها را رصد کنند، در آن‌ها مداخله و از تشکیل آن‌ها جلوگیری و برای تعلیق یا انحلال آن‌ها اقدام کنند.^{۶۵}

کمیته آزادی انجمن وابسته به سازمان جهانی کار درباره قوانین مربوط به ثبت و مهلت اعتبار انجمن‌های صنفی در ایران ابراز نگرانی کرده و گفته است که این قوانین «موجب دخالت و محدودیت شدید در برخورداری کارگران از حق آزادی انجمن‌های صنفی و به گونه‌ای اعمال شده که استقلال سازمان‌ها و نهادهای کارگر را نقض کرده است».^{۶۶}

در سال ۱۳۹۰، کمیته حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد که ایران «باید اطمینان دهد که از حق آزادی تشکلهای انجمن‌ها برای همه افراد بدون هیچ تبعیضی صیانت می‌کند».^{۶۷} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل، نهادی که مسئول نظارت بر اجرا و تعهد ایران نسبت به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، نیز در سال ۱۳۹۲ درخواست کرده که ایران «با برداشتن گام‌های لازم امکان تشکیل اتحادیه‌های صنفی مستقل و عدم دخالت در فعالیت‌های آن‌ها را تضمین کند» در این میان کمیته به اتحادیه‌های معلمان، رانندگان اتوبوس و کارگران نیشکر و نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران اشاره کرد. این کمیته همچنین از ایران خواسته تا «هر چه زودتر فعالان حقوق کارگران و اعضای انجمن‌های صنفی مستقل را آزاد کند که در حال حاضر مشغول گذراندن دوران حبس خود هستند و ضوابط بین‌المللی اتحادیه‌های صنفی را رعایت کرده‌اند».^{۶۸}

^{۶۰} قانون کار جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۳۰.

^{۶۱} این بند علیه اعضای اقلیت‌های مذهبی ایران نیز تبعیض ایجاد می‌کند.

^{۶۲} قانون تشکیل شوراهای کار اسلامی، ماده ۲، بند ج.

^{۶۳} برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به عفو بین‌الملل، زندگی در کرامت: فعالان صنفی ایران برای حقوق خود مبارزه می‌کنند (Index: MDE 13/024/2011).

^{۶۴} قانون کار جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۳۱، تبصره ۲.

^{۶۵} سازمان جهانی کار، گزارش شماره ۳۵۰ کمیته آزادی انجمن، شماره پرونده: ۲۵۶۷ (جمهوری اسلامی ایران)، سال ۲۰۰۸، www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---relconf/documents/meetingdocument/wcms_094216.pdf

^{۶۶} سازمان جهانی کار، گزارش شماره ۳۵۰ کمیته آزادی انجمن، شماره پرونده: ۲۵۶۷ (جمهوری اسلامی ایران)، سال ۲۰۰۸، پاراگراف ۱۱۶۲، www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---relconf/documents/meetingdocument/wcms_094216.pdf

^{۶۷} جمع‌بندی‌های کمیته حقوق بشر سازمان ملل: ایران، اسناد سازمان ملل. CCPR/C/IRN/CO/3، پاراگراف ۲۶.

^{۶۸} جمع‌بندی‌های کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل: ایران، اسناد سازمان ملل، E/C.12/IRN/CO/2، پاراگراف ۱۵.

«ما هیچ فعالیت‌های جز دفاع از کرامت انسانی خود و هم طبقه‌ای‌هایمان نداشتیم... فعالیت‌های [مسالمت‌آمیز] ما برای دستیابی به مطالبات قانونی و انسانی‌مان چنان محرز است که حتی مصادیقی هم که بر اساس آن‌ها در پرونده‌هایمان به ما اتهامات امنیتی وارد کرده‌اند تماماً معطوف به فعالیت‌هایی از قبیل جمع‌آوری امضا در اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر، ایجاد تشکل‌های مستقل کارگران و معلمان و فعالیت در آنها، شرکت در تجمعات صنفی در مقابل مجلس و وزارت کار و ارائه نامه‌های اعتراضی به نهادهای مسئول و دیگر کنش‌گری‌های صنفی است.»

فعالان صنفی زندانی جعفر عظیم‌زاده و اسماعیل عبدی در بیانیه‌ای مشترک از داخل زندان، فروردین ۱۳۹۵^{۶۹}



جعفر عظیم‌زاده، فعال حقوق کارگران و دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد

جعفر عظیم‌زاده، فعال حقوق کارگران، جوشکار و دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، در فروردین ۱۳۹۴ بر اساس حکم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب در تهران به «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» و «تبلیغ علیه نظام» به ۶ سال زندان و دو سال محرومیت از «عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی و فعالیت مجازی، رسانه‌ها و مطبوعات» محکوم شد.

این حکم صرفاً به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز او در اتحادیه‌های صنفی صادر شده است. از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: همکاری برای طومار چهل هزار نفری کارگران ایران برای افزایش حداقل دستمزد؛ مصاحبه‌های او با رسانه‌های خارج از ایران؛ همکاری برای تأسیس اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ شرکت در تظاهرات روز کارگر در سال ۸۸ در پارک لاله در تهران و دیگر تظاهرات مسالمت‌آمیز رو به روی ساختمان مجلس و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران؛ ملاقات با دیگر انجمن‌ها و نهادهای صنفی، از جمله سندیکای کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه و سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه.

جعفر عظیم‌زاده در آبان ۱۳۹۴، احضاریه کوتاهی از سوی اداره اجرای احکام دریافت کرد که مبنی بر آن باید خود را به زندان اوین برای گذراندن دوره محکومیت ۶ ساله‌اش معرفی می‌کرد. در این احضاریه تصریح شده بود که حکم او توسط دادگاه نظر تأیید شده است در حالی که هیچ حکمی به وی ابلاغ نشده بود. جعفر عظیم‌زاده در ۱۷ آبان ۱۳۹۴ بازداشت و برای اجرای حکم ۶ سال حبس خود به زندان منتقل شد. او چند ماه بعد، در ۱۰ تیر ۱۳۹۵، پس از ۶۳ روز اعتصاب غذا، به طور موقت از زندان آزاد شد.

در مهر ۱۳۹۵، شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی جعفر عظیم‌زاده را رد کرد.

^{۶۹} حقوق معلم و کارگر، «بیانیه جعفر عظیم‌زاده و اسماعیل عبدی پیرامون اقدام به اعتصاب غذا از روز دهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۵»، ۲۱ فروردین ۱۳۹۵، <http://bit.ly/2Osh4MW>

جعفر عظیم‌زاده هر لحظه ممکن است برای ادامه اجرای حکم به زندان احضار شود.

در خرداد ۱۳۹۶، جعفر عظیم‌زاده از اتهامات امنیتی در یک پرونده‌ی جداگانه، که پیشتر به خاطر آن توسط دادگاه انقلاب ساوه به ۱۱ سال زندان محکوم شده بود، تبرئه شد.

۲,۷ کانون‌های صنفی معلمان

کانون صنفی معلمان ایران، که با سازمان جهانی آموزش (بزرگترین اتحادیه‌ی صنفی جهان) در ارتباط است، در تقریباً همه ۳۱ استان ایران شعبه دارد. ۷۰٪ از این میان، دست‌کم ۱۷ شعبه آن به ثبت رسمی رسیده‌اند. در سال‌های اخیر، معلمان علیه دستمزدهای پایین خود که با نرخ تورم هماهنگی نداشته، بی‌ثباتی شغلی، بدتر شدن کیفیت آموزش و شرایط بد و نامساعد زندگی دست به اعتراضات مسالمت‌آمیز زده‌اند.

در بهمن ۱۳۹۳، پس از آن‌که وزارت آموزش و پرورش ایران از افزایش بودجه سالانه خود خبر داد، معلمان دست به اعتراضاتی مسالمت‌آمیز زدند و مبلغ بودجه را برای تامین افزایش حقوق خود ناکافی اعلام کردند.^{۷۱} در هفتم بهمن ۱۳۹۳، کانون صنفی معلمان ایران بیانیه‌ای عمومی منتشر کرد و نگرانی‌های خود را درباره بودجه اعلام کرد.^{۷۲} در ۲۷ فروردین ۱۳۹۴، معلمان در سراسر ایران، اعتراضاتی مسالمت‌آمیز را ترتیب دادند.^{۷۳} از جمله اعتراضاتی که معلمان ابراز می‌داشتند حقوق کم، زندانی کردن فعالان اتحادیه‌های معلمان و تبعیض در فرایند استخدام بود. اردیبهشت همان سال شاهد اعتراضات بیشتری از جانب معلمان در سراسر کشور بود.

اعضای کانون صنفی معلمان ایران سال‌ها است که با آزار و اذیت و بازداشت رو به رو هستند. درست پیش و پس از تظاهرات بهار ۱۳۹۴، چند تن از اعضای کانون توسط مقامات مورد آزار و اذیت و بازداشت خودسرانه واقع شدند و از ادامه فعالیت حرفه‌ای‌شان جلوگیری شد. در ۳۱ تیر ۱۳۹۴، هزاران معلم تلاش کردند تا رو به روی ساختمان مجلس در اعتراض به سرکوب، تجمع کنند و خواستار آزادی معلم زندانی **اسماعیل عبدی** شوند (ادامه مطلب را ببینید). این تجمع با برخورد نیروهای امنیتی روبه‌رو شد و گروهی از معلمان بازداشت شدند. بنا بر نقل قولی از وزیر آموزش و پرورش در روز پنج مرداد همان سال، معلمان بازداشت شده کمی بعدتر آزاد شدند.^{۷۴}

^{۷۰} کانون صنفی معلمان ایران اتحادیه‌ای است که در استان‌های سراسر کشور شعبه دارد. بزرگترین شعبه کانون شعبه تهران است که اسماعیل عبدی نیز عضو آن است.

^{۷۱} خبرگزاری کار ایران، «دلایل اعتراض صنفی معلمان طی دو روز گذشته»، ۲ بهمن ۱۳۹۳، bit.ly/2r0dbDD

^{۷۲} خبرگزاری کار ایران، «درخواست نمایندگان فرهنگیان برای دیدار فوری با رئیس جمهور»، ۸ بهمن ۱۳۹۳، bit.ly/2sk5Z9g

^{۷۳} خبرگزاری کار ایران، «هزاران معلم در سراسر ایران تجمع سکوت برگزار کردند»، ۲۷ فروردین ۱۳۹۴، bit.ly/10jiu4U

^{۷۴} عصر ایران، «وزیر آموزش و پرورش: معلمان بازداشتی، آزاد شدند»، ۵ مرداد ۱۳۹۴، <http://bit.ly/2uQfe2h>

اسماعیل عبدی، فعال صنفی، معلم ریاضی و دبیرکل سابق شعبه تهران کانون صنفی معلمان ایران و عضو فعلی هیأت مدیره شعبه کانون در تهران، در حال گذراندن محکومیت ۶ ساله‌اش است.

شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب در تهران او را در بهمن ۱۳۹۴ به اتهامات امنیتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» محکوم کرد. این اتهامات به فعالیت‌های صنفی او برمی‌گردد، از جمله برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز معلمان و اعضای کانون صنفی معلمان ایران در بیرون ساختمان مجلس در فروردین ۱۳۹۴ در اعتراض به حقوق‌های پایین، بودجه ناکافی آموزش و پرورش و زندانی کردن فعالان اتحادیه‌های معلمان و نیز همکاری با سازمان جهانی آموزش.



اسماعیل عبدی، فعال حقوق معلمان

روند محاکمه اسماعیل عبدی به شدت نامنصفانه بود: در تمام دوران بازپرسی، از حق دسترسی به وکیل انتخابی خود بی‌بهره بود و حتی به وکیل او اجازه داد نشد که پیش از دادگاه پرونده او را مطالعه کند. در مهر ۱۳۹۵، شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران حکم ۶ سال حبس او را تأیید کرد. اسماعیل عبدی در ۱۹ آبان ۱۳۹۵ برای اجرای حکم به زندان منتقل شد.

در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، اسماعیل عبدی در اعتراض به صدور احکام امنیتی برای فعالان تشکل‌های صنفی دست به اعتصاب غذا زد. در نامه‌ای سرگشاده به تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۹۶، اسماعیل عبدی می‌پرسد: «آیا عضویت در تشکل صنفی و برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز بر اساس اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی جرم است؟ آیا اعتراض به دزدی و غارت اموال عمومی به‌ویژه صندوق ذخیره فرهنگیان جرم است؟ آیا جمع‌آوری امضا برای مکلف کردن دولت به اجرای قانون جرم است؟»^{۷۵}

اسماعیل عبدی در ۶ تیر ۱۳۹۴ وقتی به دادرسی زندان اوین برای پرس و جو درباره ممنوع‌الخروج شدن خود رفته بود، بازداشت شد. او به بند ۲-الف زندان اوین منتقل و ۴۰ روز در انفرادی، بدون دسترسی به وکیل، نگه داشته می‌شود. در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵، او پس از دو هفته اعتصاب غذا در اعتراض به سرکوب فعالان صنفی به قید وثیقه آزاد شد.

پیش از بازداشت اسماعیل عبدی در تیر ۱۳۹۴، مقامات اطلاعاتی سپاه پاسداران چندباری او را برای بازجویی احضار کرده و تحت فشار قرار داده بودند که از سمت خود در کانون صنفی معلمان تهران استعفا دهد و از برگزاری تظاهرات سراسری در سطح کشور اجتناب کند. یک بار در روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ مأموران اطلاعاتی او را احضار و تهدید کردند که حکم ۱۰ سال حبس تعلیقی او را که در سال ۱۳۹۰ صادر شده بود اجرایی می‌کنند مگر آن‌که در فیسبوک خود اعلام کند که از سمت خود در کانون صنفی معلمان تهران کانون صنفی معلمان تهران استعفا می‌دهد و برنامه تظاهرات سراسری که کانون صنفی معلمان ایران تدارک دیده بود را

^{۷۵} خبرگزاری هرانا، «نامه سرگشاده اسماعیل عبدی: از دهم اردیبهشت اعتصاب غذا می‌کنم»، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۶، <https://www.hra-news.org/?p=119670>

متوقف می‌کند. اسماعیل عبدی این بیانیه را می‌نویسد ولی کانون صنفی معلمان تهران استعفای او را نمی‌پذیرد. تظاهرات اعتراضی طبق برنامه پیش رفت و هزاران معلم به طور مسالمت‌آمیز مقابل ساختمان مجلس در تهران و شعب وزارت آموزش و پرورش در شهرهای مختلف تجمع کردند.

در بازجویی‌ها، مأموران اطلاعاتی به اسماعیل عبدی درباره همکاری او با سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان جهانی آموزش هشدار داده بودند و گفته بودند شرکت او در تجمع‌ها و نشست‌های آنان «خط قرمز» است. این اخطار درباره همکاری با سازمان‌های بین‌المللی نقض آشکار تعهدات ایران تحت قوانین بین‌المللی، از جمله ماده بند ب ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که حق اتحادیه‌ها را برای پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد.^{۷۶}

خطر حبس ناعادلانه بر سر چند فعال دیگر در حوزه حقوق معلمان نیز سایه افکنده است، از جمله **محمدرضا نیکنژاد**، عضو سابق هیأت مدیران کانون صنفی معلمان تهران و **مهدی بهلولی**، عضو کانون صنفی معلمان تهران، که هر یک به پنج سال حبس محکوم شده‌اند؛ و **محمود بهشتی لنگرودی**، سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران که در مجموع به ۱۴ سال زندان پس از سه محکومیت جداگانه مربوط به فعالیت‌های صنفی‌اش محکوم شده است. او تا کنون پنج بار برای اجرای حکم احضار شده است اما گفته به این احکام تن نخواهد داد.

۳،۷ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اتحادیه‌ای صنفی برای کارگران «شرکت واحد» است که پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ از فعالیت آن جلوگیری شد اما در سال ۱۳۸۴ پس از آن که بسیاری از اتوبوسران‌ها ماه‌ها حقوق خود را نگرفتند، دوباره فعالیت خود را آغاز کرد. مقامات هرگز ثبت رسمی این اتحادیه را نپذیرفته‌اند.

اعضای سندیکای شرکت واحد و به خصوص اعضای هیأت مدیره همواره مورد آزار و اذیت و ارباب قرار گرفته‌اند و به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز خود مانند برگزاری و شرکت در اعتصابات، به اتهاماتی ساختگی محکوم شده‌اند.

بعضی از اعضای این نهاد، از جمله **رضا شهابی**، **داوود رضوی** و **ابراهیم مددی**، به حبس محکوم شده‌اند (به پایین نگاه کنید). رضا شهابی که به دلیل فعالیت‌های صنفی مسالمت‌آمیزش به ۶ سال زندان محکوم شده بود،^{۷۷} در مهر ۱۳۹۴ پس از گذراندن تقریباً چهار سال در زندان به مرخصی درمانی آمد. با این حال، از آبان ۱۳۹۵ او دوباره برای گذراندن بقیه حکم خود که به گفته مقامات سه ماه بود تحت فشار قرار گرفت. در زمان تدوین نهایی این گزارش در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۹۶، رضا شهابی و داوود رضوی ممنوع‌الخروج بوده و به همین دلیل از شرکت در صد و ششمین اجلاس سازمان جهانی کار در شهر ژنو در سوییس بازمانده بودند.

^{۷۶} برای جزئیات بیشتر، رجوع کنید به عفو بین‌الملل، «فعال صنفی ایرانی در خطر ۱۶ سال زندان» (Index: MDE 13/3843/2016)، عفو بین‌الملل، «فعال تشکل صنفی معلمان باید آزاد شود» (Index: MDE 13/5332/2016)، عفو بین‌الملل، «نگرانی‌ها از سلامت فعال تشکل صنفی معلمان» (Index: MDE 13/6260/2017).

^{۷۷} برای جزئیات بیشتر، نگاه کنید به عفو بین‌الملل، «فعال صنفی به شش سال حبس محکوم شد» (Index: MDE 13/027/2012).

ابراهیم مددی

ابراهیم مددی، نائبرئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در مرداد ۱۳۹۵ توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به پنج سال و سه ماه زندان محکوم شد. دادگاه او را به «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» و «برهم زدن نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات غیرقانونی» مجرم شناخته است.



ابراهیم مددی، فعال حقوق کارگران و نائبرئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

مصدق این اتهامات در حکم صادره از سوی دادگاه انقلاب تنها فعالیت‌های مسالمت‌آمیز صنفی ابراهیم مددی از جمله شرکت در تجمعات مسالمت‌آمیز برای حمایت از حقوق کارگران و افزایش دستمزد آنها است.

روند قضایی پرونده ابراهیم مددی پس از بازداشت او توسط مأموران وزارت اطلاعات در ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ در آستانه مراسم روز جهانی کارگر که قصد داشت در آن شرکت کند آغاز شد. او پیش از آن که به قید وثیقه آزاد شود، ۲۲ روز را بدون آن که به وکیل دسترسی داشته باشد در بند ۲۰۹ زندان اوین گذراند. دادگاه او تقریباً یک سال بعد در ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ انجام شد.

ابراهیم مددی پیش از این نیز به خاطر فعالیت‌های صنفی خود متهم به «اقدام علیه امنیت کشور» و به سه سال و نیم حبس محکوم شده و پس از گذراندن دوران محکومیت‌اش در فروردین سال ۱۳۹۱ از زندان آزاد شد.

داوود رضوی

داوود رضوی، یکی دیگر از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ بازداشت و به مدت ۲۲ روز به انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. پس از آن در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ به قید وثیقه آزاد شد.



داوود رضوی، فعال حقوق کارگران و عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

دادگاه او در ۲۳ دی‌ماه ۱۳۹۴ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برگزار شد و در بهمن همان سال به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» محکوم شناخته شد.

از جمله «شواهدی» که دادگاه علیه او اقامه کرده بود می‌توان به این موارد اشاره کرد: «برگزاری تجمعات به بهانه‌های مختلف از جمله روز جهانی کارگر و حداقل دستمزد کارگران».

دادگاه او در ۲۳ دی‌ماه ۱۳۹۴ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برگزار شد و در بهمن همان سال به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» محکوم شناخته شد.

دادگاه نه فقط داوود رضوی را به دلیل شرکت در «تجمعات غیرقانونی» بلکه به دلیل تهیه عکس و انتشار در فضای مجازی، که دادگاه آن را «خوراک تبلیغاتی ضد انقلاب» نامیده، محکوم کرده است. دادگاه همچنین به

دعوت‌نامه‌ای که داوود رضوی برای شرکت در یک اجلاس بین‌المللی وابسته به سازمان جهانی کار دریافت کرده بود اشاره کرده و آن را «مدرکی» دال بر ارتباط او با «عناصر جریان کارگری اپوزوسیون خارج از کشور» محسوب کرده است. در مدارکی که عفو بین‌الملل بررسی کرده، در هیچ‌جا، دادگاه مدرکی دال بر اقدامی مجرمانه ارائه نداده است.^{۷۸}

داود رضوی تقاضای تجدید نظر کرده است و در زمان تدوین نهایی این گزارش در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۹۶، نتیجه این دادگاه هنوز مشخص نشده بود.

^{۷۸} ضمیمه مربوطه را برای متن حکم صادرشده ببینید.

۸ وکلای حقوق بشر

«مسئله این است که در بین وکلای افرادی هستند که ممکن است مشکل ساز باشند.»

ذبیح‌الله خداییان، معاون حقوقی قوه قضاییه ایران، تیرماه ۱۳۹۴^{۲۹}

سرکوب مدافعان و فعالان حقوق بشر شامل حال وکلایی که وکالت زندانیان سیاسی از جمله زندانیان عقیدتی را به عهده می‌گیرند و یا نگرانی‌های خود را از شکنجه و دادگاه‌های ناعادلانه به طور عمومی ابراز می‌کنند نیز شده است. وکلا متعلق به حرفه‌ای هستند که کارشان با ترویج و ارتقاء حقوق بشر ارتباط نزدیک دارد. بر اهمیت نقش اساسی وکلا در ترویج و حمایت از حقوق بشر در مقدمه سند بین‌المللی «اصول اساسی درباره نقش وکلا» تأکید شده، که تصریح می‌کند که «حمایت کافی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی یا سیاسی مستلزم دسترسی مؤثر تمامی افراد به خدمات حقوقی وکلای حرفه‌ای مستقل است.»

پس از سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸، شماری از وکلای حقوق بشر به زندان افتادند. همه وکلایی که عفو بین‌الملل از پرونده آن‌ها مطلع بوده، به جز **عبدالفتاح سلطانی** (به پایین رجوع کنید)، پس از طی کردن دوران محکومیت خود از زندان آزاد شدند.

با این حال، فضای ترس و ارباب به قوت خود باقی مانده چراکه مقامات، وکلای حقوق بشر از جمله وکلایی را که اخیراً از زندان آزاد شده‌اند مدام مورد بازجویی و آماج حملات و فشارهای خود قرار داده و در مواردی پرونده وکالت آن‌ها را باطل کرده‌اند. وکلایی که در سال ۱۳۸۸ مجبور به ترک وطن شدند نمی‌توانند با امنیت خاطر به کشور بازگردند چرا که تحقیقات قضایی علیه آن‌ها همچنان در جریان است.

به این ترتیب، تنها تعداد معدودی وکیل حقوق بشر هستند که بار عظیم ارائه خدمات حقوقی مستقل و مؤثر به زندانیان عقیدتی را به دوش می‌کشند. همین وکلا نیز غالباً با اقدامات سرکوب‌گرانه مختلف رو به رو می‌شوند از قبیل: مداخله‌های خودسرانه مقامات به منظور منع یا ایجاد محدودیت در ملاقات با موکلان؛ دسترسی دیر هنگام به پرونده‌ی موکلان؛ در اختیار نداشتن تسهیلات مناسب برای مشاوره و گفت‌وگوی خصوصی با موکلان؛ حضور مأمورین امنیتی و مسؤولین زندان در طی ملاقات با موکلان؛ و منع خروج از کشور.

از سال ۱۳۹۴، عفو بین‌الملل همچنین شاهد روند تازه‌ای بوده که در آن مقامات دادستانی و دادگاه‌های انقلاب به زندانیان سیاسی، از جمله زندانیان عقیدتی، اجازه نمی‌دهند که وکلایی را برای خود انتخاب کنند که از نظر تعهد به

^{۲۹} ایرنا، «پاسخ قوه قضاییه به انتقادات از برخی اصلاحیه‌های قانون آیین دادرسی کیفری»، ۹ تیر ۱۳۹۴، <http://www.irna.ir/fa/News/81665750>

عدالت و حقوق بشر شناخته شده هستند. مقامات برای توجیه این اقدام خود به ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، مصوب سال ۱۳۹۴، اشاره می‌کنند که متهمان جرایم امنیتی را مجبور می‌کند تا وکیل خود را تنها از میان فهرستی از وکلا انتخاب کنند که به تأیید ریاست قوه قضاییه رسیده باشند.^{۸۰} با وجود این که تاکنون هنوز هیچ فهرست رسمی از نام این وکلا منتشر نشده، به وکلای حقوق بشری دائماً گفته می‌شود که نام آن‌ها در این فهرست وجود ندارد.

عبدالفتاح سلطانی

عبدالفتاح سلطانی، وکیل حقوق بشر، از ۱۹ شهریور ۱۳۹۰ به دلیل انجام حرفه خود و دفاع از حقوق بشر در زندان اوین است و دوران محکومیت ۱۳ ساله خود را می‌گذراند. او جایزه حقوق بشر کانون بین‌المللی وکلارا در سال ۱۳۹۳ و جایزه بین‌المللی حقوق بشر نورنبرگ را در سال ۱۳۸۸ دریافت کرده است.



عبدالفتاح سلطانی، وکیل حقوق بشر زندانی

عبدالفتاح سلطانی یکی از مؤسسان کانون مدافعان حقوق بشر در ایران است که مقامات در سال ۱۳۸۷ آن را غیر قانونی اعلام کرده و از ادامه فعالیت آن جلوگیری کردند.

عبدالفتاح سلطانی اولین بار در ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ در یکی از ناآرامی‌های پس از انتخابات بازداشت شد و تا چهار شهریور ۱۳۸۸ در زندان اوین بود و سپس با قید وثیقه آزاد شد.

او دوباره در ۱۹ شهریور ۱۳۹۰ بازداشت شد و با اتهامات امنیتی بی‌اساس از جمله «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «ایجاد تشکل غیرقانونی با هدف برهم زدن امنیت کشور» رو به رو شد. این اتهامات به همکاری او با کانون مدافعان حقوق بشر مربوط می‌شد. او در عین حال به «گرفتن جایزه نامشروع و تحصیل مال حرام» نیز متهم شد که به پذیرفتن «جایزه بین‌المللی حقوق بشر نورنبرگ» از طریق همسرش، معصومه دهقان، اشاره دارد.

عبدالفتاح سلطانی در اسفند ۱۳۹۰ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در تهران به ۱۸ سال زندان محکوم کرده است. این حکم صرفاً بر اساس فعالیت‌های حقوق بشری او صادر شد. دادگاه همچنین او را به ۲۰ سال ممنوعیت از وکالت محکوم کرد. این حکم بعدتر در خرداد ۱۳۹۱ توسط دادگاه تجدیدنظر به ۱۳ سال حبس و دو سال ممنوعیت از وکالت کاهش یافت.

عبدالفتاح سلطانی از شهریور ۱۳۹۰ که در زندان به سر می‌برد، در شرایط نامساعدی قرار دارد و به خدمات درمانی و پزشکی مناسب دسترسی ندارد. در چند سال اخیر، چندین بار به دلیل تپش قلبی شدید و درد قفسه سینه به بهداری زندان منتقل شده است. ولی هر بار او را به بند برگردانده‌اند یا بدون آن که هیچ درمانی صورت

^{۸۰} برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، اصلاحات معیوب: قانون آیین دادرسی کیفری جدید ایران (Index: MDE 13/2708/2016).

گرفته باشد و یا این که صرفاً قرص‌هایی مثل آسپیرین و پروپرانولول برای تنظیم ضربان قلبش برایش تجویز کرده‌اند.

مقامات دادستانی، علی‌رغم توصیه پزشکان، بارها با مرخصی پزشکی عبدالفتاح سلطانی و یا انتقال او به بیمارستانی بیرون از زندان برای درمان‌های تخصصی مخالفت کرده‌اند. در یک مورد، مقامات زندان به خانواده عبدالفتاح سلطانی گفته بودند که دادستانی با مرخصی پزشکی او مخالف است چون هنوز «سر موضعش» است.^{۸۱}

از میان وکلای حقوق بشری که محکومیت حبس خود را سپری کردند و از سال ۱۳۹۲ به این سو از زندان آزاد شده اند می‌توان از افراد زیر نام برد:

- **نسرين ستوده**، برنده جایزه ساخاروف در سال ۱۳۹۱، که در سال ۱۳۹۲ پس از تحمل سه سال از ۶ سال محکومیت خود از زندان آزاد شد. محکومیت نسرين ستوده به فعالیت‌های حرفه‌ای او مربوط می‌شد از جمله دفاع از پرونده زندانیان عقیدتی و افرادی که زیر سن ۱۸ سال به اعدام محکوم شده‌اند.
- **محمد سیف‌زاده**، یکی از مؤسسان کانون مدافعان حقوق بشر، که پس از تحمل پنج سال حبس به دلیل نقشش در کانون در سال ۱۳۹۴ از زندان آزاد شد. او در کانون از حقوق زندان سیاسی و زندانیان محکوم به اعدام دفاع می‌کرد.
- **محمدعلی دادخواه**، یکی دیگر از اعضای کانون مدافعان حقوق بشر، که در سال ۱۳۹۲ پس از کمتر از یک سال حبس به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری از جمله دفاع از زندانیان اعدامی، از زندان آزاد شد.
- **حمیدرضا مرادی**، **مصطفی دانشجو**، **امیر اسلامی**، **رضا انصاری**، **افشین کرم‌پور**، **فرشید یداللهی** و **امید بهروزی** وکلای دراویش گنابادی که پس از تحمل بیش از چهار سال حبس در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ از زندان آزاد شدند.
- **جاوید هوتن‌کیا**، که در سال ۱۳۹۲ پس از نزدیک به سه سال حبس از زندان آزاد شد. بنا بر گزارش‌های رسیده، او در این مدت مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار گرفته است. هوتن‌کیا پس از مصاحبه با دو خبرنگار آلمانی درباره پرونده جنجالی موکلش، سکینه محمدی آشتیانی، که به اتهام «زنای محصنه» به سنگسار محکوم شده بود، بازداشت شد.

^{۸۱} برای اطلاعات بیشتر در این باره رجوع کنید به عفو بین الملل، به گروگان‌گرفتن سلامتی: ممانعت بی‌رحمانه از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی در زندان‌های ایران (Index: MDE 13/4196/2016).

بعضی از این وکلا از جمله نسرين ستوده، محمد سيفزاده و جاويد هوتن کيا پس از آزادی از زندان با ممنوعیت از وکالت و نیز محدودیت درباره موکلان و نوع پرونده‌هایی که می‌توانند بپذیرند رو به رو شدند. بعضی مانند مصطفی دانشجو از حق تحصیلات عالی محروم شده‌اند.

نسرين ستوده



تحصن نسرين ستوده، وکیل حقوق بشر، در مقابل کانون وکلای دادگستری

نسرين ستوده، وکیل حقوق بشر، هم با ممنوعیت از وکالت رو به رو شده و هم با محدودیت درباره نوع پرونده‌هایی که می‌تواند به عهده بگیرد. محکومیت او شامل ۱۰ سال انفصال از کار حقوقی (کاهش از ۲۰ سال در دادگاه تجدیدنظر) و ممنوعیت خروج از کشور می‌شود.^{۸۲}

در شهریور ۱۳۹۳، همسر او، رضا خندان، گزارش داد که پروانه وکالت نسرين ستوده در شعبه یک دادگاه انتظامی وکلای در محل کانون وکلا برگزار می‌شود از حالت تعلیق درآمده است.^{۸۳} اما دو ماه بعد، شعبه دوم همین دادگاه این حکم را ملغی و نسرين ستوده را به مدت سه سال از وکالت ممنوع کرد.^{۸۴}

نسرين ستوده بلافاصله در مقابل کانون وکلا به نشانه اعتراض تحصن کرد.^{۸۵} او به مدت یک سال هر روز دست به اعتراض زد و پس از آن بود که توانست پروانه وکالت خود را تمدید کند. با این حال، طبق اطلاعات عفو

^{۸۲} برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، *ایران وکیل برجسته حقوق بشری را آزاد کرد*، (بیانیه مطبوعاتی، ۲۷ شهریور ۱۳۹۲).

^{۸۳} رضا خندان گزارش خود را در صفحه فیسبوک شخصی‌اش منتشر می‌کند: www.facebook.com/reza.khandan.5/posts/838633279480355.

^{۸۴} خبرگزاری دانشجویان ایران، «نسرين ستوده: ۳ سال از انجام وکالت محروم شدم»، ۲۷ مهر ۱۳۹۳، bit.ly/2sL9Nxr.

^{۸۵} رضا خندان در صفحه فیسبوک شخصی‌اش، اعتراض و تحصن نسرين ستوده را گزارش داد و عکسی از او در بیرون ساختمان کانون وکلا منتشر کرد:

www.facebook.com/photo.php?fbid=866924213317928&set=a.188200697856953.48071.100000010721965&type=3&theater

بین‌الملل، مقامات عملاً به نسرین ستوده اجازه دفاع از پرونده‌ی زندانیان عقیدتی و دیگر کسانی را که به دلایل سیاسی در زندان‌اند نمی‌دهند.^{۸۶}

علاوه بر ممنوعیت از وکالت و ایجاد محدودیت، مقامات به آزار و اذیت و ارباب نیز متوسل می‌شوند تا نگذارند وکلای حقوق بشر پرونده زندانیان سیاسی را در دست بگیرند. گیتی پورفاضل، در طی سال‌های طولانی فعالیت حرفه‌ای خود، پرونده موکلان مختلفی از جمله زندانیان عقیدتی و مدافعان حقوق بشر را به عهده گرفته است. او در تیر ۱۳۹۵، اعلام کرد که به دلیل فشارها و تهدیدهای مدامی که نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به او وارد کرده‌اند از کار وکالت دست کشیده است:

«بیشتر پرونده‌های من، پرونده‌های سیاسی بودند. کسانی که به خاطر عقاید سیاسی خودشان تحت فشار بودند و برایشان پرونده درست کرده بودند. من راجع به این پرونده‌ها مصاحبه می‌کردم و برایم مشکلاتی ایجاد کرده بودند که هنوز هم این مشکلات ادامه دارد. به خاطر فشارهایی که روی من بود متأسفانه من دیدم که دیگر نمی‌توانم همچنان این راه را ادامه بدهم. خیلی اذیت می‌شدم، واقعا خیلی اذیت می‌شدم ... [مأموران وزارت اطلاعات] تلفن می‌کردند، احضار می‌کردند، از من تعهد گرفتند، البته من در تعهد نوشتم که این تعهدی که از من گرفته می‌شود غیرقانونی است.»

مصاحبه گیتی پورفاضل درباره آزارهایی که به خاطر فعالیت‌هایش متحمل شده، تیر ۱۳۹۵.^{۸۷}

مسعود شفیعی تاکنون پرونده بسیاری از زندانیان عقیدتی و دیگر زندانیان سیاسی، از جمله شین باور و جاش فتال، را که در مرداد سال ۱۳۸۸ در حال کوهنوردی در مرز ایران و عراق بازداشت شدند، به عهده گرفته است.^{۸۸} پس از آن که این دو کوهنورد در سال ۱۳۹۰ از زندان آزاد شدند، مسعود شفیعی از سوی مسؤولین مورد آزار و اذیت قرار گرفت. در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۳ او گفت وزارت اطلاعات از او بازجویی کرده، پاسپورتش را ضبط کرده و سه سال است که نمی‌گذارد کار کند. او اضافه کرد که مسؤولین هیچ دستوری درباره توقف کار وکالتش صادر نکرده‌اند منتها هر وقت پرونده‌ای را در دست می‌گیرد، فردایش با او تماس می‌گیرند و از او می‌خواهند قرارداد وکالت را فسخ کند.^{۸۹}

در خرداد ۱۳۹۴، آتنا فرقدانی، هنرمندی که به دلیل دفاع از حقوق بشر از طریق کاریکاتورهایش در زندان بود و وکیلش، محمد مقیمی، پس از آن که در زندان با یکدیگر دست می‌دهند به «رابطه نامشروع دون زنا» و «عمل منافی عفت» متهم می‌شوند.^{۹۰} پس از بازداشت محمد مقیمی، آتنا فرقدانی برای مدتی به وکیل دیگری دسترسی نداشت چراکه به محمد مقیمی اجازه ملاقات با او را نمی‌دادند. در مهر ۱۳۹۴ دادگاهی کیفری در تهران هر دو را تبرئه کرد.

^{۸۶} کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر در ایران، «ادامه سرکوب وکلای حقوق بشر»، ۷ مرداد ۱۳۹۵.

persian.iranhumanrights.org/1395/05/lawyers-prisoners

^{۸۷} کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر در ایران، «پس از احضارهای متعدد و اعمال محدودیت از سوی نهادهای امنیتی؛ وکیل ستار بهشتی خود را بازنشسته کرد»، ۲۳ تیر ۱۳۹۵، <https://persian.iranhumanrights.org/1395/04/sattar-beheshti-giti-pourfazel>

^{۸۸} برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، *ایران باید کوهنوردهای آمریکایی را که دادگاهی «عمیقاً ناعادلانه» داشته‌اند آزاد کند* (بیانیه مطبوعاتی، ۳۰ مرداد ۱۳۹۰).

^{۸۹} کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر در ایران، «مسعود شفیعی: سه سال پس از وکالت سه آمریکایی هنوز نمی‌توانم کار کنم و ممنوع‌الخروجم»، ۱۳ مرداد ۱۳۹۳، <https://persian.iranhumanrights.org/1393/05/massoud-shafiee>

^{۹۰} برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، *محاکمه کاریکاتوریست زندانی و وکیلش به دلیل دست دادن با یکدیگر ابلهانه است* (بیانیه مطبوعاتی، ۱۰ مهر ۱۳۹۴).

در حکم صادره دادگاه نوشت هر چند عمل ارتكابی یعنی دست دادن آن دو «حرام مسلم» بوده ولیکن در این مورد جرم محسوب نمی‌شود چون آن طور که در قانون مجازات اسلامی آمده، «قصد لذت جنسی» در کار نبوده است.^{۹۱}

^{۹۱} ضمیمه مربوطه را برای متن حکم صادر شده ببینید. برای جزئیات بیشتر همچنین رجوع کنید به عفو بین الملل، «ایران گرفتن "آزمایش بکارت" از هنرمند را تأیید کرد» (Index: MDE 13/3878/2016).

۹ فعالان حقوق اقلیت‌ها

اعضای اقلیت‌های دینی از جمله بهائیان، صوفیان، یارسان (اهل حق)، نوکیشان مسیحی، دراویش گنابادی و مسلمانان سنی، با تبعیض در قانون و در عمل از جمله در زمینه تحصیل، اشتغال و ارث رو به رو هستند و به دلیل پایبندی به دین و مذهب خود مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. اقلیت‌های قومی از جمله اعراب اهوازی، ترک‌های آذربایجانی، کردها و ترکمن‌ها، نیز متحمل تبعیض‌های نهادینه شده هستند که دسترسی آنها به اشتغال، مسکن مناسب و بهره‌مندی از حقوق فرهنگی، مدنی و سیاسی‌شان را محدود می‌سازد. در حیطه سیاست، اقلیت‌های قومی یا ملی که در استان‌های مرزی متمرکز هستند دائماً از مرکزگرایی در حیات سیاسی و عدم وجود هر نوع ابزار برای تضمین خودمختاری در مناطق اقلیت‌نشین انتقاد کرده‌اند.

ایران عضوی از کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی است که التزامات خاصی را برای پیش‌گیری، ممنوعیت و حذف هرگونه تمایز، انحصار، محدودیت و یا ترجیح بر مبنای عواملی از جمله ریشه‌های نژادی، ملی یا قومیتی که هدف یا تأثیر آن خدشه بر شناسایی، بهره‌وری یا اجرای حقوق بشر به طور متساوی است اعمال می‌دارد. بند ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران نیز عضو آن هست مقرر می‌دارد که اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی نباید از حق بهره‌مندی از فرهنگ خود، اظهار و عمل به دین خود و یا استفاده از زبان خود محروم شوند.

در ایران، اعضای جوامع اقلیتی که به نقض حقوق بشری‌شان اعتراض کنند با دستگیری‌های خودسرانه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، محاکمات شدیداً ناعادلانه، حبس و در برخی موارد مجازات اعدام روبه‌رو می‌شوند. مدافعان حقوق بشری که به دفاع از حقوق جوامع اقلیت ایران برمی‌خیزند نیز تحت سرکوب و فشار مداوم قرار دارند. این فصل به دو موضوع که برای سال‌های متمادی دغدغه مدافعان حقوق اقلیت‌ها بوده است می‌پردازد.

۱,۹ دسترسی بهائیان به آموزش عالی

اقلیت بهائی که اعضای آن بین ۳۰۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰۰ نفر می‌باشد با آزار و اذیت سازمان یافته در قانون و در عمل روبرو هستند.^{۹۲} مقامات به طور مرتب با توصیف بهائیان با عنوان اعضای «فرقه ضاله»، «منحرف»، «نجس» و «ضدانقلاب» به نفرت و خشونت بر علیه آنان دامن می‌زنند.^{۹۳}

به بهائیان از پس از انقلاب ۱۳۵۷ تا کنون اجازه دسترسی به آموزش عالی داده نشده‌است. در واکنش به این محرومیت، برخی بهائیان در سال ۱۳۶۶ موسسه آموزش عالی بهائیان را برپا کردند. به دنبال مزاحمت و آزارهای مکرر توسط مقامات به خاطر عرضه آموزش عالی جایگزین، مقامات رؤسای این مؤسسه را در اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ دستگیر کردند. ده‌ها نفر مرتبط با این مؤسسه، از جمله معلمان آن، به حبس‌های طولانی محکوم شدند.^{۹۴}

مقامات همچنین برای خاموش کردن دانشجویان بهائی که خواستار احقاق حق خود برای بهره‌مندی از آموزش عالی بوده‌اند و نیز فعالان حقوق بشری که مقامات را به خاطر اعمال تبعیض بر علیه دانشجویان بهائی محکوم کرده‌اند، به بازداشت‌های خودسرانه و استفاده سوء از دستگاه کیفری متوسل شده‌اند. دانشجویان بهائی به رغم تهدیدها و حملاتی که متوجه آنان است به طور فزاینده‌ای هنگامی که مؤسسات آموزش عالی آنان را اخراج می‌کنند و یا حتی پس از قبولی در آزمون ورودی اجازه ثبت‌نام به آنان نمی‌دهند، اعتراض خود را بیان می‌دارند.

^{۹۲} بیانیه اسما جهانگیر، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ اسفند ۱۳۹۴، www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=21376&LangID=E همچنین رجوع کنید به گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سازمان ملل، سند سازمان ملل، A/HRC/25/61، www.refworld.org/docid/534e4d0d4.html

^{۹۳} گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، «حملات اخیر به بهائیان نارواداری متعصبانه مقامات را آشکار می‌کند»، ۱۹ خرداد ۱۳۹۵، www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=20073؛ جامعه جهانی بهائی، *برانگیختن نفرت: کمپین رسانه‌های ایران برای پلید جلوه دادن بهائیان*، مهر ۱۳۹۰، <http://www.bic.org/sites/default/files/pdf/Semnan%20Report-Persian-website.pdf>

^{۹۴} برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، خاموش شده، اخراج شده، زندانی شده: اعمال فشار بر دانشجویان و دانشگاهیان در ایران، (Index: MDE 13/015/2014).



روحیه صفاجو، دانشجوی بهائی

«می گویند سکوت کن

حرف زن، ساکت...»

ولی نمی شود، یعنی نمی خواهیم که بشود

من اگر حرف زنم، خواهیم مرد. از زمانی که به

یاد دارم قلم به دست بوده ام ... بخشی از

وجودم است، نمی شود ساکت باشم.»

نوشته روحیه صفاجو برای یک پسر پنج ساله بهائی که والدینش به خاطر تدریس در موسسه آموزش عالی بهائیان دستگیر شده اند، اسفند ۱۳۹۴^{۹۵}

دانشجوی بیست ساله‌ی بهائی روحیه صفاجو، در ۱۸ اسفند ۱۳۹۴ در خانه خود در شهر کرج در شمال غرب تهران توسط هشت مأمور سپاه پاسداران که پیش از ورود به منزل خود را کارکنان شرکت گاز معرفی کردند دستگیر شد. مقامات گفتند که او «در ارتباط با فعالیت های فیس بوکی اش» دستگیر شد. آنان خانه را جستجو کردند و از او خواستند که رمز عبور حساب های شخصی اش، از جمله ایمیل اش را به آنها بدهد.

در ماه های منتهی به دستگیری اش، روحیه صفاجو چندین پست بر روی صفحه فیس بوکش در مورد زیرپا گذاشته شدن حق او برای آموزش عالی و تبعیضی که او به عنوان یک بهائی متحمل شده است نوشته بود. با وجود قبولی در آزمون کنکور سراسری در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، به او اجازه ثبت نام داده نشد. او شکایتی را تسلیم چندین مقام دولتی کرده و همراه با بقیه دانشجویان بهائی نامه سرگشاده ای را به رئیس جمهور روحانی نوشته بود که در آن سرخوردگی شان را از این که دولت او نتوانسته بود به وعده های خود در مورد رعایت حقوق بهائیان برای آموزش عالی و رفع تبعیض عمل کند بیان کرده بودند.

متعاقب دستگیری، روحیه صفاجو به بخش ۲-الف زندان اوین منتقل و در آن جا به مدت هشت روز در سلول انفرادی نگه داشته شد. در طی این مدت، با وجود این که او هر روز به مدت چهار ساعت بازجویی می شد، به وکیل دسترسی نداشت. تا پنج روز پس از دستگیری اش، به او اجازه داده نشد تا با خانواده اش تماس تلفنی برقرار کند.

در طی بازجویی ها به او چشم بند زده می شد و او وادار می شد که رو به دیوار بنشیند. بازجویانش از او در مورد پست های فیس بوکش پرسش می کردند و به طور مکرر به عقاید دینی اش توهین و او را «روانی»، «وقیح» و «کله شق» می خواندند. روحیه صفاجو در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۹۵ پس از تودیع وثیقه آزاد شد. به دنبال آن او به دفتر دادستانی احضار و در آن جا بر اساس ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه ای به «نشر اکاذیب» متهم شد. در زمان تدوین نهایی گزارش در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۹۶ او آزاد و منتظر اعلام تاریخ محاکمه خود بوده است.

^{۹۵} متن کامل شعر روحیه صفاجو بر روی صفحه فیس بوک او قابل دسترسی است:

www.facebook.com/photo.php?fbid=1023644417721505&set=a.548757438543541.1073741832.100002278700376&type=3&theater

نوید خانجانی، عضو مؤسس کمیته گزارشگران حقوق بشر، کمیته پی‌جویی حق تحصیل برای دانشجویان بهائی و جمعیت مبارزه با تبعیض‌های تحصیلی^{۹۶} از مرداد ۱۳۹۱ در زندان رجائی‌شهر زندانی است. او در حال گذراندن دوران محکومیت دوازده سال و پنج ماه حبس به خاطر فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری‌اش است.

نوید خانجانی برای نخستین بار در اصفهان در ۱۱ اسفند ۱۳۸۸ دستگیر و به زندان اوین منتقل گردید و در آنجا به مدت ۶۵ روز در بازداشت به سر برد که ۲۵ روز آن در سلول انفرادی بود. در مدت بازداشت به او اجازه دسترسی به وکیل داده نشد.



مدافع حقوق بشر نوید خانجانی

او گفت که در طول این مدت به هنگام بازجویی در حالی که چشم‌بند به او زده شده بود، مورد شکنجه‌هایی از قبیل ضرب و شتم و چندین نوبت فشردن گلویش قرار گرفته است.

نوید خانجانی در بهمن ۱۳۸۹ پس از محاکمه‌ای ناعادلانه در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در تهران به اتهام «تشکیل گروهی با هدف برهم زدن امنیت کشور» با ارجاع به جمعیت مبارزه با تبعیض‌های اجتماعی و نیز «تشویش در اذهان عمومی» و «تبلیغ علیه نظام» به ۱۲ سال زندان محکوم شد.

حکم او پس از اعتراض در مرداد ۱۳۹۰ تأیید شد.

۲,۹ حقوق زبانی اقلیت‌ها

یکی از شکایات به کرات مطرح شده توسط اقلیت‌های ملی یا قومی، فقدان فرصت‌های کافی برای یادگیری، ترویج و استفاده آزاد از زبان‌هایشان در محیط‌های خصوصی و عمومی بدون هر نوع مزاحمت یا تبعیض است.

در اسناد بین‌المللی حمایت از حقوق زبانی افراد متعلق به اقلیت‌ها بر دو رکن اصلی مبتنی است: حق بهره‌مندی از تمام حقوق بشر به دور از تبعیض^{۹۷} و حق صیانت و توسعه هویت از طریق آزادی استعمال یا استفاده از ابعاد ویژه و منحصر به فرد زندگی جوامع اقلیت که به طور معمول شامل فرهنگ، مذهب و زبان آنها می‌شود.^{۹۸} اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی دولت‌ها را فرامی‌خواند تا اقدام‌های مثبتی را برای خلق

^{۹۶} این جمعیت یک سازمان مستقل است که حوالی مهر ۱۳۸۸ به وجود آمد. گفته می‌شود اکثر اعضای آن دانشجویان بهائی هستند. این سازمان برای حق تحصیل کسانی که به دلیل هویت دینی یا قومی خود یا بر اساس تبعیضات جنسیتی از تحصیل محروم شده‌اند فعالیت می‌کند.

^{۹۷} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده (۱)۲ و ۲۶.

^{۹۸} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۷.

موقعیت‌های مطلوب برای اقلیت‌ها به منظور توسعه زبان‌شان اتخاذکنند. موقعیت اقلیت‌های قومی و زبانی در ایران با این معیارها بسیار فاصله دارد.

اقلیت‌های غیرفارس که شامل ترک‌های آذربایجان، کردها، گیلک‌ها و مازندرانی‌ها، لرها و عرب‌ها می‌شوند تقریباً نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند.^{۹۹} اصل ۱۹ قانون اساسی ایران اظهار می‌دارد، «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.» اما به گفته کارشناسان، روند غالب در دولت‌های متوالی ایران تأکید بر تفوق گروه قومی فارس و بدل شدن فارسی به تنها زبان رسمی برای ارائه خدمات اداری و دسترسی به سیستم قضایی و تحصیل همگانی بوده است.^{۱۰۰}

در خرداد ۱۳۹۵ دولت اعلام کرد که درس‌های اختیاری زبان ترکی و کردی در مدارس دو استان کردستان و آذربایجان غربی ارائه خواهد شد. جزییات روند اجرایی شدن این برنامه هنوز نامشخص است. اعضای اقلیت ترکمن متعاقباً تمهید برنامه‌ی مشابهی را از رئیس‌جمهور تقاضا کردند. با این همه، اقدامات اخیر دولت برای پاسخ‌گویی به شکایات اقلیت‌های ایران ناکافی است. آنها به طور تاریخی در مورد سیاست استفاده از فارسی به عنوان تنها زبان تعلیم در تمام سطوح آموزش ابتدایی و دبیرستان، شکایت داشته‌اند. باور می‌رود که این سیاست منجر به پایین آمدن میزان یادگیری و بالا رفتن میزان ترک تحصیل در استان‌های محل سکونت اقلیت‌های غیرفارس شده باشد.

سایر شکایات مربوطه عبارتند از اعمال فشار بر علیه تلاش‌های آموزشی در جهت تدریس و ترویج زبان‌های اقلیت، کمبود مطبوعات به زبان‌های اقلیت و فقدان برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی که دربرگیرنده‌ی فرهنگ و زبان اقلیت‌ها باشد.

مدافعان حقوق بشری در ایران که به چشم‌انداز تک‌زبانی و تک‌فرهنگی حکومت و حذف یا به حاشیه‌راندن جوامع اقلیت معترض‌اند، با خطر آزار و اذیت و دستگیری و بازداشت خودسرانه روبه‌رو هستند. فعالانی که فعالیت حقوق بشری خود را به هویت ملی یا قومی خود مرتبط می‌سازند با نقض بیشتر حقوق خود از جمله محاکمه‌های ناعادلانه و احکام زندان طولانی مدت مواجه می‌شوند.

همان‌طور که موارد فعالان توصیف شده زیر مجسم می‌سازد، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی غالباً مدافعان حقوق اقلیت‌ها را به «جریان‌های تجزیه‌طلب» ربط داده و آنان را به تنش‌زایی به منظور تفرقه در میان ملت و تضعیف تمامیت ارضی ایران متهم می‌سازند.

^{۹۹} نازیلا قانعی هرکاک، گروه‌های قومی و مذهبی در جمهوری اسلامی ایران: سیاست‌های پیشنهادی برای جذب اقلیت‌ها از طریق مشارکت در زندگی عمومی، ۱۳۸۳.
^{۱۰۰} برای مثال رجوع کنید به نازیلا قانعی هرکاک، گروه‌های قومی و مذهبی در جمهوری اسلامی ایران: سیاست‌های پیشنهادی برای جذب اقلیت‌ها از طریق مشارکت در زندگی عمومی، ۱۳۸۳.

«جناب آقای قاضی، منظور جنابعالی از «زبان به اصطلاح مادری» چیست؟ آیا شک دارید که ما هم زبان مادری خودمان را داریم؟ ... من صرفاً برای کسب مجوز برای بزرگداشت روز زبان مادری به دنبال جمع آوری امضا بودم. در هیچ کجای قانون نظام جمهوری اسلامی جمع آوری امضا برای کسب مجوز از نهادهای قانونی به معنی اجتماع و تبانی علیه جمهوری اسلامی نیست.»

علیرضا فرشی، متن دفاعیه، فروردین ۱۳۹۶



علیرضا فرشی، فعال حقوق اقلیت‌ها از اقلیت ترک آذربایجانی ایران

علیرضا فرشی، عضو اقلیت ترک آذربایجانی و مؤسس یک کارزار آنلاین برای بزرگداشت روز بین‌المللی زبان مادری، به دلیل کنش‌گری مسالمت‌آمیزش با حبس طولانی مواجه است. او در بهمن ۱۳۹۵ توسط شعبه شهرستان بهارستان دادگاه انقلاب در استان تهران به دلیل «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» و «تشکیل جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور» به ۱۵ سال زندان محکوم شد. دادگاه همچنین او را به دو سال تبعید به شهرستان باغملک در استان خوزستان محکوم کرد.

حکم دادگاه فهرست طوبیلی از فعالیت‌های مسالمت‌آمیز را به عنوان «مدرک» بر علیه او ذکر می‌کند. این فعالیت‌ها عبارتند از شرکت در تجمع خصوصی برای بزرگداشت روز بین‌المللی زبان مادری در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، راه‌اندازی یک طومار در سایت change.org در بهمن ۱۳۹۳ برای درخواست از مقامات ایرانی برای اجازه دادن به تجمعات بزرگداشت روز بین‌المللی زبان مادری و برقراری ارتباط با فعالان در دیگر شهرها در ارتباط با سازمان‌دهی برنامه‌های روز بین‌المللی زبان مادری. دادگاه در حکم صادره به طور مکرر روز بین‌المللی زبان مادری را با استفاده از عبارت «روز به اصطلاح زبان مادری» بی‌اهمیت می‌شمارد و ادعا می‌دارد که علیرضا فرشی با جلب توجه به این مناسبت «در پوشش اقدامی به اصطلاح فرهنگی و در واقع با اهداف ضدامنیتی تلاش نموده است با فعالیت عناصر پان‌ترکیست و تجزیه‌طلب [...] برای ایجاد هیجان‌ات قومی» تلاش کند.^{۱۰۲}

دادگاه همچنین نقش محوری علیرضا فرشی در تسلیم نامه‌ای به دبیرکل سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در تهران در ۱۳۹۵ که در آن خواستار یاری این سازمان در کسب اجازه رسمی به منظور برگزاری مراسم بزرگداشت روز بین‌المللی زبان مادری در تهران شده بود را جرم تلقی می‌کند. دادگاه این ارتباط را به عنوان «تلاشی برای اعمال فشار حقوق بشری بر علیه نظام» توصیف می‌کند.

دادگاه همین‌طور به‌عنوان «مدرکی» بر مشارکت علیرضا فرشی در فعالیت‌های «مجرمانه» به حضور او در ملاقات‌هایی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ استناد می‌کند که در طی آن‌ها فعالان مدنی جامعه راهبردهایی را برای برگزاری کارزارهایی در مورد موضوعات مرتبط با زبان مادری‌شان، ناپدید شدن دریاچه ارومیه (دریاچه آب شور عظیمی در شمال غربی ایران که در سال‌های اخیر در معرض خشکسالی شدیدی قرار گرفته) و به راه‌انداختن یک فرهنگستان

^{۱۰۱} علیرضا فرشی، «اعتراضات و دفاعیات»، ۲۸ فروردین ۱۳۹۶.

<https://www.facebook.com/photo.php?fbid=1838635286162140&set=a.604570552901959.158356.100000470582517&type=3&theater>

^{۱۰۲} برای متن کامل حکم ضمیمه را ببینید.

برای زبان ترکی آذری به بحث گذاشتند. دادگاه فعالان حاضر در این ملاقات‌ها را بدون ارائه هرگونه توضیح بیشتر «عناصر تجزیه‌طلب سابقه‌دار» توصیف می‌کند.

پست‌های علیرضا فرشی بر روی فیس‌بوک و تلگرام نیز به عنوان «مدارک مجرمانه» ذکر شده‌است. به گفته دادگاه این پست‌ها «افکار ضد تمامیت ارضی» علیرضا فرشی را بازتاب می‌دهند و «به ترویج افکار تجزیه‌طلبانه» می‌پردازند. در واقعیت، این پست‌ها دامنه وسیعی از موضوعات، از وضعیت زندانیان عقیدتی متعلق به اقلیت ترک آذری ایران تا پرسش‌های گسترده‌تری در مورد تاریخ، زبان، ملیت و هویت را پوشش می‌دهند. علیرضا فرشی همواره بیان داشته که او در نوشته‌هایش از اهداف جدایی‌طلبانه حمایت نمی‌کند.

علیرضا فرشی در تاریخ ۲ اسفند ۱۳۹۳ در هنگام برگزاری یک مراسم خصوصی به مناسبت روز بین‌المللی زبان مادری در خانه‌ی یکی از دوستانش در بهارستان دستگیر شد. او تا تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۹۴ در سلول انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین که توسط وزارت اطلاعات اداره می‌شود نگهداری و پس از آن به قید وثیقه آزاد شد. در طی این مدت به رغم بازجویی‌های مکرر به او اجازه دسترسی به وکیل داده نشد. یک ماه پس از بازداشت، او اجازه پیدا کرد تا به مناسبت نوروز با مادرش تماس تلفنی کوتاهی داشته باشد. در زمان تدوین نهایی این گزارش در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۹۶، او آزاد و در انتظار نتیجه اعتراض به حکم صادره بوده است.

پرونده علیرضا فرشی با پرونده سه نفر دیگر از فعالین حقوق اقلیت‌ها، اکبر آزاد، بهنام شیخی و حمید منافی که آنان نیز به طور مشابه به خاطر فعالیت‌های مسالمت‌آمیزشان هدف قرار گرفتند مشترک است. هر کدام از سه نفر مذکور به ۱۰ سال زندان و دو سال تبعید به شهرهای جنوبی کشور و دور از محل اقامت خانواده‌هایشان محکوم شده‌اند.

محمد علی عموری و رحمان عساکره



محمد علی عموری، فعال حقوق اقلیت‌ها از اقلیت عرب اهوازی ایران



رحمان عساکره، فعال حقوق اقلیت‌ها از اقلیت عرب اهوازی ایران

محمد علی عموری، ۴۰ ساله، فعال حقوق اقلیت‌ها، متعلق به اقلیت عرب اهوازی و عضو مؤسس یک گروه حقوق فرهنگی با نام الحوار (در عربی به معنی گفتگو) که اکنون منحل شده، از سال ۱۳۹۱ تا کنون در انتظار اجرای حکم اعدام است. رحمان عساکره، دیگر عضو بنیان‌گذار الحوار، ۳۸ ساله، از سال ۱۳۸۹ در حال گذراندن یک حکم زندان بیست ساله است. هر دوی این افراد به دلیل فعالیت مسالمت‌آمیز خود در الحوار مجازات شدند. این فعالیت‌ها شامل ترویج فرهنگ و هویت عربی از طریق برگزاری شب‌های شعر، کلاس‌های زبان و جلسات کتاب‌خوانی، اظهار مطالبات

گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

سازمان عفو بین‌الملل

در مورد نشر روزنامه‌های عرب زبان و ارائه آموزش‌های مردمی برای اصلاح رسوم سنتی در میان قبایل عرب که زبان آن‌ها متوجه زنان و دختران است می‌شدند.

محمدعلی عموری در دی ماه ۱۳۸۹ پس از این که به رگم شناخته‌شدن به عنوان یک پناهنده تحت حمایت کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد از عراق به ایران عودت داده شد، دستگیر شد. او ایران را در سال ۱۳۸۷ به‌دنبال بازجویی‌های مکرر و اخراج از شغل آموزگاری ترک کرده بود.

رحمان عساکره همراه با تعدادی دیگر از اعضای مؤسس الحوار اندکی بعد در بهمن ۱۳۸۹ دستگیر شد. در زمان دستگیری، او در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم اجتماعی در دانشگاه اهواز بود و روی پایان‌نامه‌ای در مورد چالش‌های برسر راه دانشجویان دوزبانه در ساختار آموزش ایران کار می‌کرد. او کتابخانه خصوصی‌ای در خانه خود در رامشیر (خلف‌آباد) برپا کرده بود که جوانان می‌توانستند کتاب‌هایی در مورد تاریخ و فرهنگ عرب از آن قرض بگیرند.

بازداشت اعضای الحوار به دنبال سال‌ها مزاحمت توسط مسؤولین اطلاعاتی و امنیتی صورت‌گرفت که مرتباً فعالان را برای بازجویی احضار کرده و آنان را به «جاسوسی»، «تبانی با جریان‌های بعثی» و «حمایت از تنش‌های قومی» متهم می‌ساختند.

به دنبال دستگیری، محمدعلی عموری و رحمان عساکره به مدت چندین ماه در یک بازداشتگاه مخفی در اهواز که تحت کنترل وزارت اطلاعات بود در حبس انفرادی نگه داشته شدند. آنان گفته‌اند که در طول این مدت به طور مرتب تحت شکنجه‌هایی از قبیل محرومیت از خواب و غذا، لگد خوردن، ضرب و شتم با کابل برق و شلنگ گاز و آویزان شدن از سقف قرار گرفتند. هدف از این شکنجه‌ها اخذ «اعترافات» دروغ در مورد شرکت داشتن آنان در یک گروه مسلحانه با هدف براندازی جمهوری اسلامی بود. نام و مشخصات دقیق این گروه مسلحانه هیچ‌گاه از سوی مقامات روشن نشده است.

در خرداد ۱۳۹۱، محمدعلی عموری و رحمان عساکره در شعبه دو دادگاه انقلاب در اهواز محاکمه شدند. دادگاه ادعاهای آنان را در مورد شکنجه شدن وارد ندانست و با تکیه بر «اعترافات» به زورگرفته شده آنان را به «مبارزه با خدا» محکوم کرد. شعبه ۳۲ دیوان عالی رأی صادرها را در آذر ۱۳۹۲ تأیید کرد.

در اواخر سال ۱۳۹۲ رحمان عساکره به زندان وکیل‌آباد مشهد در شمال شرق ایران که بسیار دور از محل سکونت خانواده‌اش در استان جنوبی خوزستان بود منتقل شد. این موضوع خود درد و مشقت بیشتری بر رحمان عساکره و همسر و چهار فرزندش که هزینه سفر برای ملاقات او را ندارند، وارد آورده است.

۱۰ کنشگران کارزارهای مربوط به جنایات

گذشته

«این چگونه کشوری است که وقتی چند خانواده... برای گورهای بی‌نشان عزیزان‌شان در خاوران گل تهیه کنند، مصداق اجتماع و تبانی علیه نظام می‌شود؟»

مدافع حقوق بشر، منصوره بهکیش در نامه‌ای که به طور نمادین خطاب به مادر درگذشته‌اش نوشته شده، آبان ۱۳۹۵^{۱۰۳}

مدافعان حقوق بشری که در جستجوی حقیقت، عدالت و جبران خسارت برای هزاران زندانی که در دهه ۶۰ به صورت سریع اعدام و یا قربانی ناپدیدشدگی اجباری شدند، هستند با درجات تازه‌ای از فشار از سوی مقامات روبه‌رو شده‌اند. این افراد شامل خانواده‌های قربانیان که از سر ضرورت به مدافعان حقوق بشر بدل شده‌اند و مدافعان جوان‌تر حقوق بشر که برای بحث در مورد جنایات گذشته به شبکه‌های اجتماعی و سایر مجاری روی آورده‌اند می‌شوند.

این تجدید سرکوب در پی فراخوان‌های تازه برای رسیدگی به کشتار فراقضایی چندین هزار زندانی سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ رخ داده است. آن چه در مرداد ماه ۱۳۹۵ به این امر دامن زد انتشار صدای ضبط شده جلسه‌ای از سال ۱۳۶۷ بود که در آن می‌توان شنید که مقامات ارشد در مورد جزئیات نقشه‌های خود برای اجرای اعدام‌های دسته‌جمعی بحث و از آن دفاع می‌کنند.^{۱۰۴}

انتشار این نوار صوتی زنجیره‌ای از واکنش‌های بی‌سابقه را از مقامات رده بالا به همراه داشت و به این انجامید که آنان برای نخستین بار بپذیرند که کشتارهای دسته‌جمعی سال ۱۳۶۷ در بالاترین سطوح حکومت برنامه‌ریزی شده بود.^{۱۰۵}

از آن هنگام تا کنون، چندین مدافع حقوق بشر به دلیل تلاش‌های مسالمت‌آمیزشان برای اطلاع از سرنوشت و محل عزیزانشان تحت اعمال تلافی‌جویانه و یا محاکمه بر اساس اتهامات مبهم امنیتی قرار گرفتند. این اذیت و آزار نشان‌گر تلاش‌های تجدید یافته مقامات برای خاموش کردن هر نوع بحث عمومی در مورد نقض فاحش حقوق بشر در طی دهه ۶۰، به قصد پاک کردن خاطره آنها از خودآگاهی جمعی است. احمد منتظری، پسر آیت‌الله حسینعلی منتظری (قائم

^{۱۰۳} متن کامل نامه را این‌جا بخوانید:

<http://www.kanoonjb.co/index.php/window/item/4144-bio-m-behkish-pain-of-my-heart-i-did-not-understand-soundcloud.com/radiozamaneh/yakydru8jded>: این فایل صوتی بر روی صفحه ساوندکلاود رادیو زمانه قابل دسترسی است.

^{۱۰۴} دویچه وله فارسی، «واکنش مقامات و شخصیت‌ها در ایران به انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری»، ۲۴ مرداد ۱۳۹۵، bit.ly/2tfxqSI.

مقام رهبری در زمان اعدام‌ها)، در آبان ۱۳۹۵ به دلیل انتشار فایل صوتی مذکور بر روی وبسایت پدرش به ۲۱ سال زندان محکوم شد، گرچه این حکم بعدتر به ۶ سال زندان تعلیقی کاهش یافت.^{۱۰۶}

منصوره بهکیش

«مادر عزیزم، دنیای وارونه‌ای است و جای شاک و متهم عوض شده است. به جای پاسخویی به بلاهایی که در طی این سال‌ها به سرمان آورده‌اند، [مقامات] باز هم به آزار و اذیت ما ادامه می‌دهند.»

منصوره بهکیش در یک نامه سرگشاده که به طور نمادین برای مادر درگذشته‌اش نوشته، آبان ۱۳۹۵^{۱۰۷}



مدافع حقوق بشر منصوره بهکیش

فعال حقوق بشر منصوره بهکیش که ۶ نفر از اعضای خانواده‌اش را طی اعدام‌های دسته‌جمعی دهه ۶۰ از دست داد، در دی ۱۳۹۵ توسط دادگاه انقلاب در تهران به اتهام «اجتماع و تبانی به منظور ارتکاب جرم بر علیه امنیت کشور» و «تبلیغ بر علیه نظام» به هفت و نیم سال زندان محکوم شد.

مبنای این محکومیت تنها فعالیت‌های مسالمت‌آمیز او برای جستجوی حقیقت و عدالت، از جمله برگزاری مجلس یادبود در خانه‌اش، بازدید از خانواده‌های قربانیان، بردن گل به خاوران (محل گورهای جمعی در جنوب تهران) جایی که باور می‌رود دو نفر از برادرانش در گورهای جمعی بی‌نام دفن شده باشند و انتشار مطلب در مورد نقض حقوق بشر بر روی فیس‌بوک و سایر مجاری آنلاین است. محکومیت و حکم صادره برای او به دنبال دو جلسه بازجویی توسط مسؤولین وزارت اطلاعات که در طی آن اجازه حضور وکیل داده نشد و یک جلسه محاکمه در نیمه دوم ۱۳۹۵ که کمتر از یک ساعت به طول انجامید، صورت گرفت.^{۱۰۸}

از سال‌های دهه ۶۰ تا به امروز، منصوره بهکیش مورد مزاحمت‌های مکرر، دستگیری‌های خودسرانه و بازداشت توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی قرار گرفته است. این اقدامات با انگیزه ساکت کردن او و بازداشتن از رفتن با گل و عکس به خاوران بوده است. منصوره بهکیش در سال ۱۳۹۰ یک حکم حبس تعلیقی چهار سال و ۶ ماهه به خاطر کارهای حقوق بشری‌اش، به خصوص در ارتباط با گروه مادران و خانواده‌های خاوران و گروه مادران پارک لاله دریافت کرد. گروه مادران و خانواده‌های خاوران از مادران و دیگر اعضای خانواده زندانیان سیاسی اعدام شده دهه ۶۰ در ایران تشکیل شده و گروه مادران پارک لاله عمدتاً از زنانی که فرزندان‌شان در طی خشونت‌های پس از انتخابات ۱۳۸۸ کشته، زندانی و یا سر به نیست شدند.^{۱۰۹} اگر آخرین حکم او در مرحله تجدیدنظر تأیید شود، حکم تعلیقی می‌تواند به اجرا دربیاید و او با محکومیت زندانی که می‌تواند تا ۱۲ سال باشد روبه‌رو خواهد شد.

^{۱۰۶} عفو بین‌الملل، ایران: فشار بر کسانی که در جستجوی حقیقت و عدالت در مورد قتل‌های دهه شصت هستند باید متوقف شود (Index: MDE 13/5840/2017).

^{۱۰۷} متن کامل نامه را این‌جا بخوانید:

^{۱۰۸} برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، «اتهامات ساختگی به مدافع حقوق بشر» (Index: MDE 13/5207/2016). <http://www.kanoonjb.co/index.php/window/item/4144-bio-m-behkish-pain-of-my-heart-i-did-not-understand>

^{۱۰۹} برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، درخواست از ایران تا حکم زندان در مورد مادران عزادار را ملغی سازد (اعلامیه مطبوعاتی، ۲۵ فروردین ۱۳۹۱).

اعدام‌های فراقضایی دسته‌جمعی ۱۳۶۷ اندکی پس از حمله ناموفق سازمان مجاهدین خلق از پایگاهش در عراق به ایران در تیر ماه همان سال آغاز شد. ارتباط زندانیان سیاسی از سراسر کشور با دنیای بیرون قطع شد و تا ماه‌ها بعد هیچ خبری از آنان به گوش نرسید. گزارش‌هایی در میان بستگان آنان جریان یافت که زندانیان به صورت گروه‌گروه اعدام و در گورهای دسته‌جمعی بی‌نشان دفن می‌شوند. خانواده‌های پریشان گورستان‌ها را برای نشانه‌هایی از گودال‌های تازه حفر شده جستجو کردند.

از نیمه دوم سال ۱۳۶۷ به بعد، مقامات به صورت شفاهی به خانواده‌ها گفتند که بستگانشان کشته شده‌اند، اما جسد زندانیان تحویل داده نشد و اکثر مکان‌های دفن نیز فاش نشد.

بیشتر این اعدامیان تا آن زمان به دلیل استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق خود، از جمله انجام فعالیت‌هایی همچون پخش روزنامه‌ها و نشریه‌ها، شرکت در تظاهرات مسالمت‌آمیز ضد دولتی و ارتباط واقعی یا متصور با گروه‌های مخالف مختلف، سال‌ها در زندان بودند. برخی از آنان دوران محکومیت خود را سپری کرده بودند، اما به دلیل خودداری از نوشتن «توبه‌نامه» آزاد نشده بودند.

تا به امروز، هنوز تعداد قربانیان این اعدام‌های فراقضایی مشخص نشده و از محل دفن قربانیان هم اطلاعات دقیقی در دست نیست. هیچ مقام ایرانی به خاطر این اعدام‌های فراقضایی مورد تحقیق و محاکمه قرار نگرفته است. مقامات تمهیدات گوناگونی را برای تخریب گورهای دسته‌جمعی که مدرک جرم به حساب می‌آیند به کار برده‌اند، از جمله تخریب با بولدوزر، تبدیل مکان گورها به محل بدمنظر تخلیه زباله، مخفی کردن گورهای دسته‌جمعی در زیر نقاط دفن فردی جدید و ریختن سیمان بر روی گورهای دسته‌جمعی.^{۱۱۰}

آنان همچنین به طور منظم خانواده‌های قربانیان را با اطلاق واژه «لعنت‌آباد» به گورهای دسته‌جمعی و توصیف عزیزان آن‌ها به عنوان کسانی که لایق کفن و دفن یا سنگ مزار مناسب نبوده‌اند عذاب داده‌اند. خانواده‌های قربانیان از برگزاری مجالس یادبود یا تزئین مزارهای دسته‌جمعی با پیام‌های یادبود منع شده‌اند.

^{۱۱۰} برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به عفو بین‌الملل، ایران: تخریب گورهای دسته‌جمعی مربوط به اعدام‌های تابستان ۶۷ موجب نابودی آثار جرم خواهد شد (اعلامیه مطبوعاتی، ۱۱ خرداد ۱۳۹۶).



مدافع حقوق بشر مریم اکبری منفرد

«گمان می کنید برای کسی مانند من چه چیزی می تواند باعث وحشت شود؟ شماها چه چیزی برایم باقی گذاشته اید که مرا از محروم کردنش می ترسانید؟ واقعاً شرم نمی کنید که یک مادر را دارید تهدید به قطع ملاقات می کنید؟»

مریم اکبری منفرد، در یک نامه سرگشاده از داخل زندان اوین، آبان ۱۳۹۵^{۱۱۱}

زندانی عقیدتی مریم اکبری منفرد در مهر ماه ۱۳۹۵ از درون زندانی شکوائیه ای را تسلیم دفتر دادستانی کرد که در آن خواستار تحقیقات رسمی در مورد اعدام دسته جمعی هزاران زندانی سیاسی، از جمله دو برادرش، در سال ۱۳۶۷، اعلام محل گورهای دسته جمعی که در آن دفن شده اند و هویت مرتکبان به این امر شده بود.

تا به امروز، مقامات به این شکوائیه ترتیب اثر نداده اند. در عوض، آنان به روش های تنبیهی متعدد علیه مریم اکبری منفرد توسل جسته اند. از مهرماه ۱۳۹۵ آنان از بردن مریم اکبری منفرد به جلسات پزشکی خارج از زندان برای درمان مناسب رماتیسم و مشکل تیروئیدش سر باز زده اند. در نتیجه، او درد شدیدی را در پاهای خود تحمل می کند. آنان همچنین مرتباً تهدید کرده اند که ملاقات های خانواده اش با او را متوقف خواهند کرد. در اردیبهشت ۱۳۹۶ او به دریافت سه سال حکم زندان اضافه و تبعید به یک زندان دورافتاده تهدید شد.^{۱۱۲}

مریم اکبری منفرد در ۱۰ دی ۱۳۸۸ دستگیر و برای ۵ ماه قهراً ناپدید شده بود. بعداً مشخص شد که او در ۴۳ روز اول پس از دستگیری در سلول انفرادی محبوس شده بود و در طی این مدت بدون دسترسی به وکیل تحت بازجویی های شدید قرار داشت. او وکیل تسخیری که برایش تعیین شده بود را برای نخستین بار در دادگاهش که منحصر به یک جلسه رسیدگی کوتاه کمتر از یک ساعت بود ملاقات کرد.

او در اردیبهشت ۱۳۸۹ توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به اتهام محاربه مجرم شناخته و به ۱۵ سال حبس محکوم شد. این محکومیت صرفاً بر مبنای این موضوع بود که او تماس های تلفنی با خویشاوندانش که اعضای سازمان مجاهدین خلق هستند برقرار کرده و یک بار با آنان در عراق دیدار کرده بود. همسر او گفته است که در طی جلسه دادگاه، قاضی به مریم اکبری منفرد گفته که او بهای فعالیت های خویشاوندانش را برای سازمان مجاهدین خلق می پردازد. شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور این حکم را در مرداد ماه ۱۳۸۹ تأیید کرد.

^{۱۱۱} متن کامل نامه اینجاست: <https://www.hra-news.org/2016/hranews/a-8510>

^{۱۱۲} برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به عفو بین الملل، «انتقام گیری مقامات از مریم اکبری منفرد به خاطر دادخواهی قتل عام ۱۳۶۷» (Index: MDE 13/5090/2016) و عفو بین الملل، «زندانی به خاطر تنظیم شکوایه از خدمات درمانی محروم شد» (Index: MDE 13/6267/2017).

۱۰۱ اقدامات تلافی جویانه به خاطر پیگیری سازوکارهای سازمان

ملل

در مواجهه با مصونیت گسترده دست‌اندرکاران اعدام‌های فراقضایی برخی مدافعان حقوق بشر به سازوکارهای حقوق بشری از جمله گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد اعدام‌های فراقضایی، سریع و خودسرانه و کار گروه سازمان ملل در مورد ناپدیدشدگی اجباری و غیرارادی روی آوردند تا بر تلاش‌های خود به منظور آشکارسازی سرنوشت و محل قربانیان و تأمین مسؤولیت‌پذیری در قبال این اعمال بیفزایند.^{۱۱۳} این امر مقامات را برانگیخته تا به سرکوب خانواده‌های قربانیان شدت ببخشند.

راحله راحمی‌پور

راحله راحمی‌پور در بهمن ماه ۱۳۹۵ از طرف شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب استان تهران به خاطر انجام مصاحبه‌های مطبوعاتی، شرکت در تجمعات مادران پارک لاله و امضای طومارها به «تبلیغ علیه نظام» مجرم‌شناخته شده و به یک سال زندان محکوم شد.

این فعالیت‌ها بخشی از تلاش‌های او بوده برای آگاهی از سرنوشت برادرزاده‌اش گلرو راحمی‌پور که در فروردین ۱۳۶۳ در زندان اوین به دنیا آمد. گلرو زمانی که تنها پانزده روزه بوده ظاهراً برای انجام آزمایشات پزشکی از مادرش جدا شد. به دنبال این امر به خانواده او گفته شد که گلرو فوت کرده است. به رغم درخواست خانواده، مقامات هرگز گواهی فوت، اطلاعاتی در مورد مرگ او و حتی این که او کجا دفن شده را ارائه ندادند.



راحله راحمی‌پور در حال اعتراض به اعدام برادرش و ناپدیدکردن برادرزاده‌اش

برادر راحله راحمی‌پور و پدر گلرو، حسین در مرداد ۱۳۶۲ همراه با زن باردارش به دلیل وابستگی به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) دستگیر شدند.

در شهریور ۱۳۶۳، خانواده حسین راحمی‌پور یک تماس تلفنی دریافت کردند که از آنان می‌خواست برای گرفتن وسایل شخصی او مراجعه کنند و در آن تماس گفته شد که او «به درک واصل شده» و آنان دریافتند که منظور این بوده که او اعدام شده است.^{۱۱۴}

در تیر ۱۳۹۵ کار گروه سازمان ملل در مورد ناپدیدشدگی اجباری و غیرارادی اظهار داشت که این کار گروه پرونده حسین و گلرو راحمی‌پور را مورد بررسی قرار داده و از مقامات تقاضای دریافت اطلاعات کرده است.^{۱۱۵}

^{۱۱۳} به عنوان مثال رجوع کنید به عدالت در ایران، «شکایت مریم اکبری منفرد از اعدام‌های سال ۱۳۶۷ به سازمان ملل متحد»، ۲۹ بهمن ۱۳۹۵، justice4iran.org/persian/news/maryam-akbari-un/

^{۱۱۴} برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به عدالت برای ایران، «دادگاه انقلاب: گلرو، نوزاد ناپدید شده در اوین، یک پرونده خیالی است»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵، justice4iran.org/persian/news/baby-golrou-2/

^{۱۱۵} شورای حقوق بشر سازمان ملل، مرادفات، پرونده بررسی شده، مشاهدات و سایر فعالیت‌های انجام شده توسط کار گروه در مورد ناپدیدشدگی اجباری و غیرارادی، سند سازمان ملل، A/HRC/WGEID/109/1.

اندکی بعد، تماس‌های تلفنی مسؤولین وزارت اطلاعات با راحله راحمی‌پور آغاز شد. در ۲۶ مرداد ۱۳۹۵ او یک احضاریه کتبی از دفتر دادستانی در زندان اوین دریافت کرد که از او می‌خواست خود را ظرف پنج روز برای بازپرسی معرفی کند.^{۱۱۶} این امر در نهایت به محاکمه او انجامید.

در ۴ آذر ۱۳۹۵ تعدادی از کارشناسان سازمان ملل از مقامات ایران خواستار شدند که به آزار راحله راحمی‌پور به خاطر «تلاش برای اطلاع‌یابی از سرنوشت برادرش و دختر نوزادش» پایان دهند.^{۱۱۷}

در زمان تدوین نهایی گزارش در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۹۶، راحله راحمی‌پور آزاد و منتظر نتیجه دادگاه تجدیدنظر بوده است. در فروردین ۱۳۹۶ او دو شکایت هم در دفتر دادستانی و کمیسیون اصل نود مجلس، که نام خود را از ماده‌ای از قانون اساسی گرفته که مجلس را قادر می‌سازد شکایات بر علیه هر یک از قوای سه‌گانه حکومت را مورد بررسی قرار دهد، برای آگاهی از سرنوشت برادرزاده‌اش ثبت کرد.

۲،۱۰ جویندگان حقیقت در میان نسل جدید

مدافعان حقوق بشر مورد هدف قرار گرفته به خاطر جستجوی حقیقت و عدالت شامل مدافعان جوان‌تر حقوق بشر هم می‌شوند که پس از انقلاب ۱۳۵۷ متولد شده‌اند. این مدافعان جوان در مراسم یادبود در خاوران شرکت جسته‌اند و به شبکه‌های اجتماعی و سایر مجاری روی آورده‌اند تا جنایات گذشته را مورد بحث قرار دهند.

به عنوان مثال فعال حقوق بشر **امیر امیرقلی** تنها به دلیل فعالیت حقوق بشری مسالمت‌آمیز خود، از جمله تجمع در خاوران برای بزرگداشت کسانی که در سال ۱۳۶۷ اعدام و در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند، از آذر ۱۳۹۳ تا اردیبهشت ۱۳۹۶ زندانی بود.

عفو بین الملل احکام دادگاهی را بررسی کرده است که در آن‌ها مشارکت در بحث‌های اینترنتی در مورد کشتارهای سال به عنوان مدرک فعالیت «مجرمانه» ای که تهدیدکننده امنیت ملی و توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تلقی شده، ذکر گردیده است.

در مورد فعال مخالف اعدام، امید علی‌شناس (به فصل ۵ رجوع کنید)، حکم دادگاه در میان لیست فعالیت‌هایی که امید علی‌شناس براساس آن‌ها به «اجتماع و تبانی به منظور ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» و «توهین به مقام معظم رهبری» مجرم شناخته شده بود، «انتشار مطالب کذب در مورد اعدام شدگان سال ۱۳۶۷ به بهانه یادبود قربانیان» را ذکر می‌کند.

آتنا دائمی، دیگر فعال جوان مخالف اعدام (به فصل ۵ رجوع کنید) در سال ۱۳۹۳ بر روی صفحه فیس‌بوک خود نوشت «ما کشتارهای دهه ۶۰ را فراموش نکرده‌ایم» و به طور طعنه‌آمیزی یکی از بیانات نخستین رهبر ایران را

^{۱۱۶} کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران، «به اتهام جستجو برای نوزاد گم‌شده در اوین؛ راحله راحمی‌پور به دادگاه احضار شد»، ۶ شهریور ۱۳۹۵.

persian.iranhumanrights.org/1395/06/raheleh-rahemipour-summoned/

^{۱۱۷} دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، «کارشناسان سازمان ملل اتهامات وارده علیه زنی که در جستجوی خویشاوندان مفقود خود است را محکوم می‌کنند»، ۴ آذر ۱۳۹۵، www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=20928&LangID=E.

اقتباس کرد تا از کارنامه اعدام مقامات ایران انتقاد نماید. این موضوع مورد استفاده قرار گرفت تا او به دلیل «توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی» مجرم شناخته شود.

تلاش‌های مداوم مقامات برای اعمال فرهنگ سکوت در مورد جنایات دهه ۶۰ ناقض حقوق خانواده‌های قربانیان و نیز حقوق کل جامعه برای دانستن حقیقت درباره موارد نقض حقوق بشر در گذشته می‌باشد.

حق دسترسی به حقیقت یک بعد جمعی دارد که تضمین‌بخش آگاهی کامل جامعه از گذشته خود است و این امری اساسی در مبارزه علیه مصونیت از مجازات است و به عدم تکرار چنین جنایت‌هایی یاری می‌رساند. اصل سوم مجموعه اصول روزآمد شده حمایت و ترویج حقوق بشر از طریق مبارزه علیه مصونیت تصریح می‌دارد:

«آگاهی یک ملت از تاریخچه ستم بر آن بخشی از میراث آنها است و به همین خاطر این وظیفه دولت‌هاست که از طریق اقدامات مناسب در حفظ بایگانی‌ها و سایر مدارک مربوط به نقض حقوق بشر بکوشند و آگاهی عمومی از این موارد نقض حقوق بشر را تسهیل کنند.»

۱۱ حق دفاع از حقوق بشر

قوانین و معیارهای بین‌المللی حقوق بشر ضامن حق دفاع از حقوق بشر به عنوان یک حق مستقل است. اعلامیه جهانی سازمان ملل در مورد حقوق و مسؤولیت افراد، گروه‌ها و نهادهای جامعه برای ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به رسمیت شناخته شده جهانی (اعلامیه مدافعان حقوق بشر) که به اتفاق آرا در سال ۱۳۷۷ توسط مجمع عمومی تصویب شد، حق هرکس را «به طور فردی و یا به همراه دیگران برای ترویج و تلاش در حمایت و تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در سطوح ملی و بین‌المللی» به رسمیت می‌شناسد (ماده ۱). مدافعان حقوق بشر بیش از هویت یا جایگاه و مقام‌شان بر اساس فعالیت‌هایشان تعریف می‌شوند.

اعلامیه مدافعان حقوق بشر حقوق جدیدی تعریف نمی‌کند، بلکه در عوض حقوق موجود را در زمینه‌ای قابل اطلاق به فعالیت مدافعان حقوق بشر تصریح می‌سازد. این حقوق در اسناد حقوقی بین‌المللی الزام‌آور از قبیل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد حمایت قرار گرفته‌اند. ایران عضو هر دوی این میثاق‌هاست. اعلامیه مدافعان حقوق بشر نقش اساسی‌ای را که مدافعان حقوق بشر در پیش‌برد حقوق بشر بازی می‌کنند به رسمیت می‌شناسد، نقشی که آنان را در معرض خطرهای مضاعف و خاص قرار می‌دهد و بنابراین اقدامات ویژه‌ای را برای حفاظت از آنان مقتضی می‌سازد.

مسؤولیت نهایی در حفاظت از مدافعان حقوق بشر، پیش‌گیری و به طور مؤثر ترتیب اثر دادن به اتهامات نقض حقوق بشر علیه آنان و نیز تضمین این که آنان بتوانند فعالیت حقوق بشری خود را در یک محیط ایمن و قادرسازنده انجام دهند بر عهده دولت‌هاست. ماده ۲ اعلامیه مدافعان حقوق بشر به طور خاص از دولت‌ها می‌خواهد تا اقدامات لازم برای تضمین این که حقوق مورد اشاره در اعلامیه به طور مؤثر تضمین شوند اتخاذ کند چرا که این حقوق در هر نوع فعالیت حقوق بشر نقشی ضروری دارند. این حقوق شامل حق آزادی بیان، آزادی تجمع مسالمت‌آمیز و آزادی تشکل می‌شوند.

ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌دارد که «هرکس حق آزادی بیان دارد؛ این حق باید شامل آزادی برای جست‌وجو، دریافت و انتقال هر نوع اطلاعات و افکار، بدون توجه به محدوده‌ها، به صورت نوشتاری یا چاپی، در قالب یک اثر هنری و یا از طریق هر نوع رسانه انتخابی باشد». پاراگراف سوم مقرر می‌دارد که حق آزادی بیان ممکن است مشمول پاره‌ای محدودیت‌ها باشد، اما تنها اگر این محدودیت‌ها توسط قانون ایجاد شده و ضروری و متناسب با یک هدف مشروع باشد (احترام به حقوق یا آبروی دیگران و یا محافظت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت عمومی و یا اخلاق).

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نهاد تصمیم‌گیرنده‌ای که بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نظارت دارد، اظهار داشته است که «در مورد قوانین مربوط به خیانت به کشور و سایر تبصره‌های مربوط به امنیت ملی حداکثر احتیاط توسط کشورهای عضو باید به کار گرفته شود که [این قوانین] به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که با مهم‌ترین مقتضیات پاراگراف ۳ [ماده ۱۹] سازگار باشند». به علاوه این کمیته توضیح داده که «استناد به چنین قوانینی برای سرکوب یا دور از دسترس عموم نگه‌داشتن اطلاعات واجد منفعت عمومی که به امنیت ملی آسیب نمی‌رساند و یا برای آزار و تعقیب قضایی روزنامه‌نگاران، پژوهش‌گران، کنش‌گران محیط زیست، مدافعان حقوق بشر و یا دیگران به خاطر نشر چنین اطلاعاتی با پاراگراف ۳ [ماده ۱۹] مغایرت دارد.»^{۱۱۸}

هر گونه محدودیت آزادی بیان در اینترنت باید سازگار با این معیارها باشد.^{۱۱۹} شورای حقوق بشر سازمان ملل این موضوع را به رسمیت شناخته که افراد همان حقوق آزادی بیانی را که در خارج از جهان مجازی دارند در اینترنت نیز دارا می‌باشند و «اقدامات» دولت‌ها «برای جلوگیری و یا اختلال عمدانه در دسترسی به اطلاعات یا نشر آن به صورت آنلاین که ناقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر است» را محکوم می‌دارد.^{۱۲۰}

حق تجمع مسالمت‌آمیز و حق تشکل، از جمله حق تشکیل و عضویت در اتحادیه‌های صنفی، که به ترتیب در مواد ۲۱ و ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی گنجانده شده هم برای فعالیت مدافعان حقوق بشر ضروری هستند. اعلامیه مدافعان حقوق بشر به طور خاص «مشروعیت شرکت در فعالیت‌های مسالمت‌آمیز به منظور اعتراض به اعمال ناقض حقوق بشر» را تصدیق می‌کند. گردهمایی‌های مردمی ابزاری با سابقه طولانی برای فعالان حقوق بشر بوده‌اند تا تصمیم‌گیرندگان را تحت تأثیر قرار دهند و به‌رغم افزایش فعال‌گری آنلاین، اعتراضات مسالمت‌آمیز کماکان روش مهمی برای انتقال پیام نارضایتی از مقامات می‌باشند.

حق آزادی تشکل‌ها به نوبه خود به افراد اجازه می‌دهد تا گروه‌های رسمی یا غیررسمی شکل داده و یا به آن‌ها ملحق شوند تا به صورت جمعی دست به عمل بزنند و دولت‌ها را ملزم می‌سازد که محیطی ایجاد کنند تا تشکل‌ها در آن بتوانند به طور مؤثر عمل کنند و از اعمال شرایط سخت‌گیرانه برای ثبت که ممکن است به صورت محدودیت‌های ناروا عمل کنند بپرهیزند.^{۱۲۱} دولت‌ها همچنین ملزم هستند که از مسدودسازی ناروای اجرای این حق، از جمله حق جستجو، تأمین و استفاده از منابع، شامل منابع خارجی و بین‌المللی، بپرهیز کنند.^{۱۲۲}

در آذر ۱۳۹۲، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای تصویب کرد در به رسمیت شناختن این موضوع که زنانی از هر سن که به ترویج و حمایت از حقوق بشر مشغول هستند و کسانی که به دفاع از حقوق زنان و برابری جنسیتی مشغول هستند نقش مهمی را بر عهده دارند.^{۱۲۳} این قطع‌نامه نهادها را در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی به این

^{۱۱۸} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظریه عمومی شماره ۳۴، آزادی بیان و عقیده، سند سازمان ملل متحد، CCPR/C/GC/34، پاراگراف ۳۰.

^{۱۱۹} گزارش گزارشگر ویژه در مورد ترویج و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان، سند سازمان ملل متحد، A/66/290، صفحات ۶ و ۷.

^{۱۲۰} شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ترویج، حمایت و بهره‌وری از حقوق بشر در اینترنت، سند سازمان ملل متحد، A/HRC/32/L.20.

^{۱۲۱} گزارش گزارشگر ویژه حقوق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و تشکل‌ها، سند سازمان ملل متحد، A/HRC/20/27، پاراگراف ۶۰.

^{۱۲۲} گزارش گزارشگر ویژه حقوق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و تشکل‌ها، سند سازمان ملل متحد، A/HRC/23/39، پاراگراف ۸.

^{۱۲۳} مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه تصویب شده در مورد ترویج اعلامیه حقوق و مسؤولیت‌های افراد، گروه‌ها و نهادهای جامعه برای ترویج و حمایت از حقوق

بشر و آزادی‌های اساسی به رسمیت شناخته جهانی: حمایت از مدافعان حقوق بشر زنان، سند سازمان ملل متحد، A/RES/68/181.

دعوت می‌کند که حقوق ضروری مدافعان حقوق بشر زن را به رسمیت بشناسند و مطابق با التزامات‌شان آنان را تحت حمایت خود قرار دهند.

این التزامات مشتمل است بر مسؤولیت دولت‌ها در «تضمین این که ترویج و حمایت از حقوق بشر بر خلاف الزامات و تعهدات آنان در قبال قانون بین‌المللی حقوق بشر، جرم‌انگاری نمی‌شود و یا با محدودیت‌ها مواجه نمی‌شود». فعالیت‌های به طور خاص ذکر شده در این قطعنامه عبارتند از فعالیت‌های انجمن‌های صنفی، راه‌پیمایی، تظاهرات و تجمعات مسالمت‌آمیز که هدف از آنها ترویج و حمایت از حقوق بشر است.

۱۲ نتایج و توصیه‌ها

فشار کنونی بر علیه مدافعان حقوق بشر در ایران نشانه‌ای است از عزم دستگاه‌های سرکوب‌گر حکومت برای درهم‌کوبیدن امید به بهبود وضعیت حقوق بشر، که کارزار انتخاباتی آقای حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ وعده آن را داده بود، و همچنین جلوگیری از دوباره جان گرفتن فعالیت‌های حقوق بشری. هرکس که به دفاع از حقوق بشر برخیزد در معرض خطر فزاینده دستگیری و محاکمه قرار دارد و این امر فضای خفقان‌آوری از هراس ایجاد کرده است. در پرونده پس از پرونده، مقامات دادستانی و دادگاه‌های انقلاب که تحت نفوذ نهادهای امنیتی و اطلاعاتی هستند، به فعالیت‌های مسالمت‌آمیز فعالان حقوق بشر به عنوان «مدرک» فعالیت مجرمانه بر علیه امنیت ملی استناد جسته‌اند.

مدافعان حقوق بشر در ایران به رغم حمله فراگیر به حقوق و آزادی‌هایشان در تعهد خود به عدالت ثابت‌قدم مانده‌اند. آنان به تلاش شجاعانه‌شان در عرصه‌های کلیدی کارزارهای حقوق بشری در ایران ادامه می‌دهند، از لغو مجازات اعدام هواداری می‌کنند، برای حقوق زنان کارزار تشکیل می‌دهند، از اتحادیه‌های صنفی مستقل دفاع می‌کنند، خواهان حقوق و فرصت‌های برابر برای اقلیت‌های قومی و مذهبی هستند و حقیقت، عدالت و جبران خسارت را برای نقض‌های فاحش حقوق بشر در دهه ۶۰۶۰ پی می‌جویند.

مقامات ایرانی، از قوه قضائیه گرفته تا قوه مجریه باید به تخریب و هتک حرمت مدافعان حقوق بشر از طریق اطلاق عنوان «مجرمان» خطرناک برای امنیت ملی به آنها خاتمه دهند. در عوض، مقامات باید نقشی را که مدافعان حقوق بشر در ساخت یک جامعه منصفانه‌تر و عادلانه‌تر و در تضمین حقوق بشر برای تمام ساکنین ایران می‌توانند ایفا کنند به رسمیت بشناسند.

۱،۱۲ توصیه‌ها برای ایران

عفو بین‌الملل مقامات ایران را به انجام توصیه‌های ذیل دعوت می‌کند:

به رسمیت شناختن و حمایت از مدافعان حقوق بشر

- تمام مدافعان حقوق بشر را که به صرف استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق آزادی عقیده و بیان، تشکل و تجمع خود از طریق فعالیت‌های حقوق بشری‌شان زندانی شده‌اند، فوراً و بدون قید و شرط آزاد سازند.
- تمام محکومیت‌ها و مجازات‌های کیفری صادره علیه مدافعان حقوق بشر را که ریشه در فعالیت مسالمت‌آمیز حقوق بشری آنان دارد بی‌درنگ لغو کنند.

- این را تضمین کنند که دستگاه عدالت کیفری برای هدف قرار دادن و یا آزار و اذیت مدافعان حقوق بشر مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد و از وارد آوردن اتهامات کیفری یا هر نوع اقدامات تنبیهی دیگر علیه مدافعان حقوق بشر که صرفاً از به کار بستن مسالمت‌آمیز حقوق بشری‌شان نشأت می‌گیرد خودداری کنند.
- مزاحمت، آزار و تعقیب قضایی خانواده‌های قربانیان کشتارهای جمعی دهه ۶۰ را متوقف سازند و حقوق آنان را برای دستیابی به حقیقت، عدالت و جبران خسارت، از جمله از طریق اجرای یک تحقیق کامل، مؤثر و مستقل در مورد اعدام‌های فراقضایی و سریع و ناپدیدشدگی‌های اجباری و آوردن افراد مسوؤل این جنایات‌ها به پیشگاه عدالت در دادرسی‌های عادلانه بدون توسل به مجازات اعدام تضمین سازند.
- تمام اقدامات قانونی و سایر اقدامات را برای پیش‌گیری، بازداری و مجازات اعمال تهدیدی و تلافی‌جویانه علیه مدافعان حقوق بشر به خاطر ارتباط و تعاملات آنان با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به عمل آورند.
- به طور عمومی، چه در قانون و چه در عمل و در هر سه قوه حکومت فعالیت مشروع مدافعان حقوق بشر در ایران را به رسمیت بشناسند.
- از استفاده از ادبیاتی که به مدافعان حقوق بشر ننگ وارد آورد، به آنان توهین کند، آنان را تحقیر و تخریب کند یا علیه آنان تبعیض قائل شود، همچون توصیف آنان به عنوان «تروریست»، «جاسوس»، «خائن» و یا «مجرم امنیتی»، خودداری کنند.
- تضمین کنند که مدافعان حقوق بشر زنان از حمایت‌های ویژه در برابر تهدیدهای مبتنی بر جنسیت و خشونت‌هایی که به دلیل فعالیت‌هایشان ممکن است با آن روبه‌رو باشند، برخوردار باشند.
- اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد مدافعان حقوق بشر را به زبان فارسی و زبان‌های اقلیت مربوطه ترجمه و به طور گسترده در ایران ترویج و توزیع سازند و به طور جامع، قوانینی در سطح ملی را برای به اجرا درآوردن مؤثر آن تصویب کنند. این قوانین باید با مشاوره فعالان حقوق بشر و مطابق خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها وضع گردد.
- مؤسسه‌های ملی حقوق بشر مستقل از قوه قضائیه و حکومت برپا سازند و منابع کافی انسانی و مالی برای اجرای مؤثر وظایف‌شان، از جمله یک حکم اختیار عمل برای رصد کردن وضعیت مدافعان حقوق بشر در اختیار آن‌ها قرار دهند.
- یک کارزار آگاه‌سازی عمومی در مورد فعالیت‌های مدافعان حقوق بشر را به اجرا درآورند.
- دعوت‌نامه‌ای تسلیم گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت مدافعان حقوق بشر نمایند تا آنان بتوانند بازدیدهایی را بدون محدودیت در زمان و حوزه عمل انجام دهند و تضمین سازند که اجازه ملاقات با مدافعان حقوق بشر بدون هیچ مانعی به آنان داده خواهد شد.

نظام عدالت کیفری

- تضمین نمایند که هیچ کس به صرف کاربرد مسالمت‌آمیز حقوق خود برای آزادی عقیده و بیان، تشکل و تجمع، از جمله استفاده از این حقوق از طریق رسانه‌های اجتماعی، مورد دستگیری و بازداشت خودسرانه، محاکمه کیفری و حبس قرار نمی‌گیرد، و فوراً و بدون قید و شرط هر کسی را که این چنین بازداشت شده آزاد کنند.
- نهادهای مستقل و بی‌طرفی پایه‌گذاری کنند که اتهامات در مورد نقض حقوق بشر را به سرعت، به طور کامل و مؤثر بررسی کنند و به قربانیان و خانواده‌های آسیب دیده بر مبنای موازین بین‌المللی حقوق بشر جبران خسارت ارائه نمایند.
- اقدامات مؤثری را به منظور ممنوعیت و جلوگیری از تمامی اشکال شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و یا تحقیرآمیز، از جمله تأخیر در ارائه یا عدم ارائه مراقبت‌های پزشکی به افراد تحت بازداشت، به کار ببندند و تضمین دهند که کسانی که مشکوک به چنین اعمالی هستند مورد تحقیق قرار می‌گیرند و در یک دادرسی منصفانه و بدون توسل به حکم اعدام، عدالت در مورد آنان جاری خواهد شد. قربانیان باید از حق دریافت جبران خسارات بر مبنای قوانین و معیارهای بین‌المللی در قانون و در اجرا برخوردار باشند.
- تضمین نمایند که تمام محاکمه‌ها با معیارهای بین‌المللی محاکمه منصفانه مطابقت دارند، از جمله با تضمین این که تمامی افراد بازداشت شده بلافاصله پس از دستگیری و در طی مرحله بازجویی حق دسترسی به وکیل انتخابی‌شان را داشته باشند.
- تضمین دهند که هیچ کس به شهادت دادن علیه خود یا دیگران و یا «اعتراف» به گناه مجبور نمی‌شود، و نیز این که چنین «اعترافات» به عنوان مدرک در دادگاه قابل قبول نخواهد بود، مگر این که به عنوان مدرکی که نشان دهد «اعتراف» یا دیگر اظهارنامه‌ها ساختگی بوده است بر ضد فرد متهم به انجام شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها به کار رود.
- دادگاه‌های انقلاب را منحل سازند، چرا که این دادگاه‌ها اساساً غیرمنصفانه و فاقد معیارهای شناخته شده جهانی در زمینه بی‌طرفی و استقلال قضایی هستند.
- تمام احکام اعدام را به مجازات‌های جایگزین تبدیل کرده و دستور توقف اعدام‌ها را در راستای قطع‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل در آذر ماه ۱۳۸۶ که خواستار توقف جهانی مجازات اعدام شده بود صادر نمایند.
- تضمین دهند که تمامی افراد تحت بازداشت، تا زمان آزادی، به طور رایگان و بدون تبعیض خدمات درمانی کافی بر مبنای همان استانداردهای موجود در جامعه، از جمله پیشگیری، معاینه و درمان دریافت کنند.
- تضمین دهند که زندانیانی که نیاز به درمان تخصصی دارند در مواردی که امکان چنین درمانی در زندان موجود نباشد به صورت رایگان به مراکز پزشکی یا بیمارستان‌های خارج از زندان منتقل شوند.

اصلاحات قانون گذاری

- مواد مبهم قانون مجازات اسلامی را که محدودیت‌های ناروایی بر حقوق آزادی بیان، آزادی تشکل‌ها و آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز اعمال می‌دارند، همچون مواد ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۴ و ۶۱۰، با هدف سازگار کردن آنان با قوانین بین‌المللی، لغو یا اصلاح نمایند.
- تضمین دهند که تمامی محدودیت‌های وارده بر آزادی بیان به صورت محدود و مشخص توصیف شوند و از آن چه بر اساس قانون بین‌المللی مجاز است فراتر نروند.
- شرایط سخت‌گیرانه در قانون را برای ثبت مؤسسات از قبیل سازمان‌های غیردولتی و اتحادیه‌های صنفی که ممکن است محدودیت‌های ناروایی بر سر راه شکل‌گیری و فعالیت‌شان ایجاد کند، مرتفع سازند.
- قوانینی را وضع کنند که در راستای التزامات ایران به قوانین بین‌الملل به کارگران اجازه استفاده حق خود را برای تشکیل و عضویت در اتحادیه‌های مستقل کارگری و چانه‌زنی‌های گروهی بدهند.
- به عنوان امری با فوریت بالا، تمامی قوانین را با هدف حذف کلیه موادی که بر علیه افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، ملی، دینی و یا زبانی تبعیض قائل می‌شوند یا اثر تبعیض‌آمیزی دارند مورد بازبینی قرار دهند.
- برای مقابله با کاربرد تبعیض‌آمیز قانون، با هدف تضمین این که تمامی جوامع اقلیتی ایران از کلیه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌مند می‌شوند، دستورالعمل‌هایی صادر کنند و اقدامات لازم را به کار گیرند.
- اقداماتی را به کار گیرند تا تمامی اعضای جوامع اقلیت بتوانند به زبان مادری‌شان آموزش ببینند و فرصت‌های کافی برای یادگیری زبان مادری‌شان داشته باشند.
- به عنوان امری با فوریت بالا، تمامی قوانین را مورد بازبینی قرار دهند تا موادی را که به طور مستقیم بر علیه زنان اعمال تبعیض می‌کنند یا اثری تبعیض‌آمیز بر زنان دارند شناسایی و از آن‌ها رفع اشکال کنند.
- برای پیش‌گیری، رسیدگی و مجازات خشونت مبتنی بر جنسیت، به خصوص خشونت خانگی و تجاوز در زندگی زناشویی، قانونی جامع تصویب و آن را به صورت پیوسته و با دقت اجرا نمایند.
- ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در باب حجاب اجباری را ملغی سازند که ناقض حقوق زنان و مغایر با اصول آزادی عقیده و دین، آزادی بیان و اصل برابری و عدم تبعیض است.
- قوانینی که روابط جنسی مبنی بر رضایت دو فرد بالغ، از جمله رابطه خارج از ازدواج و رابطه جنسی بین دو فرد بالغ همجنس را جرم تلقی می‌کند، لغو سازند.
- تمامی قوانینی را که بر اساس آن‌ها شخص محکوم باید توسط حکومت کشته شود با هدف فوری کاهش گستره مجازات اعدام و با نیت نهایی لغو مجازات اعدام مورد بازبینی قرار دهند.

ساز و کارهای بین‌المللی حقوق بشری

- اجرای کامل و سریع توصیه‌های پایانی کمیته حقوق بشر سازمان ملل، کمیته حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سازمان ملل، کمیته حقوق کودک و کمیته حقوق افراد دارای معلولیت را تضمین کنند.
- به سرعت و بدون هیچ پیش شرطی کنوانسیون سازمان ملل در مورد رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان و پروتکل اختیاری آن، کنوانسیون منع شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و یا تحقیرآمیز، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمام اشخاص در برابر ناپدیدشدگی اجباری، پروتکل‌های اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و کنوانسیون‌های سازمان جهانی کار در مورد آزادی تشکل و حمایت از حق سازماندهی (۱۳۲۷) و حق سازماندهی و چانه زنی جمعی (۱۳۲۸) را تصویب کنند.
- حق شرط خود را در مورد کنوانسیون حقوق کودک، با در نظر داشتن این که ماهیت آن بسیار کلی و با هدف و نیت کنوانسیون ناسازگار است پس بگیرند و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کنند.
- اجازه بررسی بین‌المللی و وضعیت حقوق بشر، از جمله اجازه بازدید بدون مانع توسط نهادهای ویژه حقوق بشر سازمان ملل و نیز سازمان‌های مستقل بین‌المللی حقوق بشر مثل عفو بین‌الملل را بدهند

۲,۱۲ توصیه‌ها برای سایر دولت‌ها

در حالی که ایران به برداشتن گام‌هایی برای توسعه و تحکیم روابط اقتصادی و سیاسی با شرکای جهانی‌اش ادامه می‌دهد، سازمان عفو بین‌الملل این توصیه‌ها را برای تمام دولت‌ها دارد:

- از تمام فرصت‌ها در ارتباطشان با ایران، تا بالاترین سطوح و در عرصه عمومی، به منظور فراخواندن مقامات ایران برای رسمیت شناختن و ترویج فعالیت‌های مدافعان حقوق بشر و حمایت از آن‌ها استفاده کنند.
- پرونده‌های مدافعان حقوق بشر زندانی یا در آستانه روبرو شدن با اقدامات تنبیهی دیگر را در گفت‌وگوهای شان با مقامات ایرانی مطرح سازند.

با توجه به از سر گرفته شدن گفت‌وگوهای دوطرفه بین ایران و اتحادیه اروپا بر سر مسائل حقوق بشر، سازمان عفو بین‌الملل توصیه‌های ویژه زیر را به اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن ارائه می‌کند:

- در طی تمام گفت‌وگوهای سیاسی، از جمله گفت‌وگوهای حقوق بشری و سایر گفت‌وگوهای دوجانبه با ایران، آزادی فوری و بدون قید و شرط تمام مدافعان حقوق بشری‌ای را که صرفاً به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری مسالمت‌آمیز شان زندانی شده‌اند، از جمله کسانی که به خاطر صحبت با مقامات رسمی

اتحادیه اروپا و سایر سازمان‌های بین‌المللی مورد پیگرد قرار گرفته‌اند، به طور مصراانه از مقامات خواستار شوند.

- اطمینان حاصل کنند که در دیدارهای رسمی مقامات اتحادیه اروپا و کشورهای عضو اتحادیه از ایران شرایط ملاقات و دیدار با فعالان حقوق بشر فراهم شود. این همچنین باید شامل دیدار با آن دسته فعالانی باشد که در زندان به سر می‌برند و باید این تعهد از مسئولان ایرانی گرفته شود که این دیدارها به اقدامات تلافی‌جویانه و تنبیهی علیه این فعالان منجر نشود.
- تضمین سازند که گفت‌وگو درباره روابط اتحادیه اروپا و اعضایش با ایران منعکس‌کننده تعهدات مربوط به حمایت و محافظت از مدافعان حقوق بشر باشد.

۱۳ ضمیمه: احکام کیفری

در نظام عدالت کیفری در ایران قوانین مشخصی در رابطه با در دسترس عموم گذاشتن احکام دادگاهها وضع نشده است که این خود بر خلاف تعهدات ایران به قوانین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر است.^{۱۲۴} در بعضی موارد، افراد نسخه کتبی حکم دادگاه را دریافت می‌کنند، اما از به اشتراک گذاشتن آن از ترس اقدامات تلافی‌جویانه اکراه دارند. در بسیاری از پرونده‌های مربوط به جرایم امنیتی، به وکلا یک نسخه رسمی از حکم دادگاه بر علیه موکلشان ابلاغ نشده است و به جایش به آن‌ها معمولاً چند ساعت وقت داده شده تا در محل دادگاه از روی حکم به صورت دستی یادداشت برداری کنند. در مواردی که حکم نهایی به صورت مکتوب ابلاغ شده، وکلا و افراد دیگر درگیر در پرونده از این هراس داشته‌اند که با انتشار عمومی حکم مورد مواخذه مقامات قرار بگیرند.

نبود امکان دسترسی عمومی به احکام دادگاهها از طریق یک مرکز عمومی اسناد موجب شده که نظام عدالت کیفری ایران غالباً شکلی محرمانه پیدا کند، به خصوص وقتی که پای جرایم امنیتی در میان باشد.

برای تهیه این گزارش، عفو بین‌الملل موفق شد به احکام صادره علیه هشت مدافع حقوق بشر دسترسی پیدا کند. همه احکام به وضوح نشان می‌دهند چطور دادگاهها دامنه وسیعی از فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری را به عنوان «مدرک» فعالیت‌های مجرمانه لحاظ می‌کنند. با توجه به اهمیت این موضوع، عفو بین‌الملل این احکام را به عنوان ضمیمه به این گزارش الصاق کرده است.

^{۱۲۴} ماده ۱۴ (۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران یکی از اعضای آن است، تصریح می‌کند که «حکم صادره در امور کیفری و یا مدنی باید علنی باشد». تعهد برای اطمینان از این که احکام دادگاهها علنی شوند، برای فراهم آوردن شرایط نظارت عمومی بر عملکرد نظام کیفری ضرورت دارد.

آرش صادقی و گلرخ ابراهیمی ایرایی

متن پیش‌رو رونوشتی از حکم دادگاه است ۱۲۵ که توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی استان تهران در مورد پرونده آرش صادقی (فصل ۴ را ملاحظه کنید) و گلرخ ابراهیمی ایرایی (فصل ۵ را ملاحظه کنید) در تاریخ مرداد ۱۳۹۴ صادر شده است. حکم صادره جرایم آرش صادقی را «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی» و «نشر اکاذیب» برمی‌شمارد و او را به ۱۵ سال حبس محکوم می‌کند. همچنین در آن یک حکم چهار ساله حبس تعلیقی مربوط به سال ۱۳۹۰ را لازم‌الاجرا می‌داند.

در همان حکم، جرایم گلرخ ابراهیمی ایرایی «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقدسات اسلام» ذکر شده‌اند.

^{۱۲۵} این متن به لطف خبرگزاری هرانا به دست عفو بین الملل رسیده است.

اهم فعالیت های متهمین به شرح ذیل می باشد:

- ملاقات و دیدار از حدود هشت زندانی امنیتی آزاد شده
- دیدار با خانواده ستار بهشتی به همراه تعدادی از دوستان هم بندی زندان اوین
- دیدار با خانواده های کشته شده های بعد از انتخابات ۸۸ و دهه شصت
- نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام متهم ردیف اول و دوم در قالب به اشتراک گذاری مطالب و تصاویر پیرامون آزادی و مرخصی زندانیان امنیتی در فضای صفحه شخصی فیسبوک
- ایجاد دو صفحه و مدیریت آنها در فیسبوک با نامهای فری سعید شیرزاد و احمد شاهرضایی توسط متهمین ردیف اول و دوم
- تهیه و امضای نامه ای خطاب به احمد شهید و خانم ناوی پیلای
- ارتباط نوید کامران با برخی متهمان اغتشاشات ۸۸ از جمله پیمان عارف، مهدیه گلرو و فخر السادات محتشمی نامبردگان عضو گروهک رادیکال آرش صادقی می باشند که با هدایت نامبرده در سلسله اقدامات امنیتی در فضای مجازی و حقیقی مشارکت داشته اند.
- در اقدامی تامل برانگیز بلافاصله پس از دستگیری نامبردگان خبر بازداشت آنان در خبرگزاری هرانا و البته گروهک منافقین و دیگر خبرگزاری های فیلتر شده منعکس گردید، با عنایت به گزارشات معاون اطلاعات فرارگاه نارالله تهران و افاریر صریح و ضمنی متهمین و صورت جلسه کشفیات و اسناد و مدارک ابزازی توسط مامورین، اطلاعات موصوف که از حامل های اطلاعات الکترونیکی متهمان و از اطلاعات موجود در فضای مجازی که متعلق به متهمین بوده استخراج شده و ضم پرونده گردیده است و به لحاظ اینکه متهمان در شبکه اجتماعی فیس بوک و فضای مجازی صفحاتی را ویرایش و یا باز نشر و یا در معرض دید سایر اعضا قرار داده و مدیریت می کرده اند و محتوای آن ضد امنیتی بوده و همکاری متهم آرش صادقی و ارتباط و همکاری و مصاحبه ی با انواع و اقسام رسانه ها و تارنماها و خبرگزاریها و شبکه های ماهواره ای (اعم از رادیوی و تلویزیونی) معاند و مخالف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و حضور فعال در تجمعات غیر قانونی حمایت از زندانیان در مقابل زندان اوین و در این بین گروههایی از جمله (فعالین دانشجویی چپ)(فعالین دانشجویی لیبرال)(بهایان)(گروه شورای احیای انجمن اسلامی و دانشجویان اطلاع طلب) و... ضمن ترغیب دیگر دانشجویان نقش غیر قابل انکاری در معرکه
- آرش صادقی در این راستا یکی از افرادی است که نقش مهمی دارد که توسط فرارگاه نارالله سپاه مورد شناسایی قرار گرفت. راه اندازی گروهی دانشجویی با محوریت خود و برگزاری



سلسله جلسات و اقداماتی جهت اخراج در نظم کشور انجام داده است. متهم با همراهی این گروه که اکثراً از فعالین زندانی و افراطی و بعضاً دانشجو و محروم از تحصیل و عده ای از اعضای فرقه ضاله بهائیت به ملاقات خانواده های سیاسی میروند و در تمام تحصن های مربوط به حمایت از زندانیان سیاسی شرکت و صرف نظر از نیت فکری اطلاع رسانی میکنند. به صورت موردی میتوان به موارد ذیل اشاره کرد و این در حالی است که این موارد تنها بخش کوچکی از فعالیت ضد امنیتی این فرد میباشد.

- مشارالیه در حمایت از مریم شفیق پور مطلب حضور در مقابل دادگاه انقلاب را روی صفحه فیسبوک گذاشته و به دنبال آن گروهی جلوی دادگاه انقلاب تظاهرات کردند. با استعلام از پرونده مریم شفیق پور مشخص گردید در زمانی که آرش صادقی در بازداشت به سر میرد مریم شفیق پور بدر نامبرده را ترغیب به مصاحبه با رسانه های ضد انقلاب کرده است
- متهم کردن نظام به حصر و آزار سران فتنه (شکنجه و آزار موسوی و رهنورد) در غالب پست فیسبوکی. نامبرده در این پست ادعا میکند سران فتنه در شرایط غیر انسانی در خانه خود زندانی هستند و حتی اجازه ارتباط با هیچ حیوان خانگی را ندارند. در ادامه ادعا میکند، نامبردگان در ایروانه ترین شرایط قرار دارند (مطلب کامل در صفحه ۸۷)
- حمایت از نرگس محمدی (تجمع در مقابل زندان اوین)
- تجمع اعتراضی در مقابل زندان اوین بعد از اعدام معدوم غلامرضا خسروی
- حمایت از صبا آذربیک (صفحه فیسبوک) انتشار مطالب متعدد در حمایت از وی
- انتشار خبر مظلوم نمایی زندانیان سیاسی، محسن قشقایی، سعید شیرزاد، حسین رونقی و...
- انعکاس اخبار کذب در رسانه های ضد انقلاب از روند قانونی پرونده های امنیتی
- شرکت در مراسم استقبال از مجید درکی (زندانی امنیتی)
- جلسات محفلی با دانشجویان اخراجی، شورای حق تحصیل، احیای انجمن اسلامی
- ارتباط با خانواده های زندانیها و معدوم دهه شصت و ۸۸
- ارتباط با تعدادی از عوامل اغتشاشات ۷۸ متوجه محمدی و رضا محمدی و دیدار با خانواده نامبردگان



- انتشار مطالب موهن و کذب از مقام معظم رهبری و امام خمینی
- ترویج و حمایت از فرقه ضاله بهائیت و حمایت از زندانیان زندانیان سیاسی از طریق ارسال گزارش ها متعدد برای احمد شهید، و ارتباط با تنی چند از نمایندگان پارلمان اروپا و عفو بین

الملل و ارسال گزارشهای متعدد و اختصاصی از نقض حقوق بشر در ایران

- انتشار اخبار کذب در مورد شرایط زندانیان
- متهم کردن نظام به خاک و خون کشیدن مردم
- حمایت از عناصر نفاق با درج تصاویر غلامرضا خسروی و نگارش مطالبی در حمایت سازمان منجوس منافقین
-
- نگارش مطالب متعدد در حمایت از گروهک منافقین و گروههای معاند و غیر انسانی خواندن اعدام های دهه شصت
- متهم کردن امام خمینی به ایجاد فضای بسته و خفقان آلود همراه با اعدام در فضای دهه شصت
- تهیه دیگران برای اعلام حضور در تجمع در اویش
- حضور در تجمع غیرقانونی در اویش
- حضور در مراسم و برنامه های عناصر ضد انقلاب
- ارتباط و همکاری با رسانه های بیگانه:
- مصاحبه با شبکه و سایتهای ضد انقلاب مثل: بی بی سی، جنل وان، وی او ای (صدای آمریکا و وابسته به وزارت امور خارجه آمریکا) رادیو فردا، رادیو زمانه، هرانا، جرس، روز آنلاین و ...
- ارتباط دادن، لینک کردن خانواده های زندانی با شبکه های ماهواره ای و سایتهای ذکر شده
- ارسال اخبار و گزارش کذب از روند قانونی متهمان در دستگاه قضایی و ارسال این گزارشها و خبرها برای رسانه های ذکر شده
- ارتباط با سر بل منافقین (بهروز جاوید تهرانی)
- مصاحبه با فرناز کمالی در مورد وضعیت بهداشت در انفرادی و سیاه نمایی علیه زندانیان در ایران
- مصاحبه با محمد یزدان پناه خبرنگار رادیو فردا در مورد نقض حقوق اقلیت های دینی و در اویش
- تهیه گزارش های متعدد از نقض حقوق شهروندی و ارسال برای فیروزه رمضان زاده خبرنگار سایت جرس
- عضویت در گروه لگام (لغو اعدام) و امضای بیانه های این مجموعه



- ارتباط مستمر با مجید نیکام روزنامه نگار فراری نزدیک به حزب اعتماد ملی و یکی از مسئولین سایت سحام نیوز و ارسال خبر برای نامبرده
- ارتباط با لاله مودن زاده و ارسال گزارش برای نماینده احمد شهید
- ارتباط با بهاره دیویس نماینده سازمان عفو بین الملل و ارسال گزارش برای وی
- مصاحبه با سرپل سازمان منافقین، بهروز جاوید تهرانی و گزارش در مورد نقض حقوق در اوبیش
- همکاری با خبرنگار بی بی سی پناه فرهاد بهمن تهیه یک مستند از زندگی آرش صادقی توسط بی بی سی به پاس خوش خدمتی های نامبرده برای رسانه استعمار پیر بی بی سی
- ارتباط با وی او ای رسانه وزارت امور خارجه امریکا
- ارتباط با سلمان سیما یکی از اعضای دانش اموختگان لیبرال(ارسال گزارشهای حقوق بشری) انتشار گزارشات در نشریات اسرائیلی
- ارتباط با فریبا راد رئیس یک موسسه خبریه در امریکا که منابع مالی آن توسط اسرائیل تحت لوای مسائل حقوق بشری تامین میشود. نامبرده افراد مختلفی از زندانیان امنیتی را با فریبا راد آشنا میکند
- ارتباط با محمد ملکی، و شرکت در جلسات محفلی در منزل نامبرده
- مصاحبه با مجری همجنسباز شبکه کانال یک(آرش بپیش پژوه) با عنوان چگونه انفرادی را تحمل کنیم انجام میدهد در این مصاحبه تصویری نامبرده اقدام به سیاه نمایی علیه زندانیهای ایران میکند و استراتژی هایی در مورد چگونگی مقابله با شرایط انفرادی ارائه میکند
- مصاحبه با رادیو زمانه و ارسال خبر برای سایت زمانه
- ارتباط نزدیک با یکی از رابطین پارلمان اروپا(مرسده محسنی) و ارسال خبر و گزارش نامبرده از خانواده های معدومین دهه شصت نیز میباشد.
- ارتباط با میترا پورشجری از عوامل بنیاد برومند و فرزند محمد رضا پورشجری(سیامک مهر) از زندانیان امنیتی و ارسال خبرهای داخل زندان برای نامبرده.
- مصاحبه با فرشته فاضلی و لینک کردن خانواده های حسین رونقی و سعید شیرزاد و... با خبرنگار روز آنلاین
- ارسال خبر برای مسیح علی نژاد و لینک کردن خانواده ها با خبرنگار خارج نشین
- ادمن پیجهای فری سعید شیرزاد، فری احمد شاهرضایی و سایت فعالین در تبعید



- نامبرده با لینکهایی که در داخل ۲۵۰ و رجایی شهر داشته است از داخل زندان خبرهای غیر واقعی برای رسانه های ضد انقلاب ارسال کرده است.
- متهم در ترویج خبرهای غیر واقعی و ایجاد جنگ روانی از داخل زندان تبحر خاصی دارد. نمونه آن بولد کردن خبرهای دروغ در غالب حوادث فروردین ماه در ۲۵۰ میباشد.
- ایجاد درگیری های متعدد با مسئولین زندان در دو الف و زدن سیلی و مشت به صورت زندانیان
- ضرب و شتم یکی از کارشناسان پرونده در حین بازجویی. نامبرده مدعی است کارشناس نامبرده با همسرش بدرفتاری کرده که در بازبینی دوربین های بند دو الف کذب بوده گفته ها به اثبات رسید که در گزارش صفحه (۲۳۵ و ۲۳۶) ذکر شده است
- نامبرده چه در مرحله بازجویی و چه بعد از آن از عملکرد های ضد امنیتی خود دفاع و حاضر به برائت جستن از گذشته خود نشد.
- متهم ردیف دو گلرخ ابرایی :
- بخشی از فعالیت های نامبرده به شرح زیر میباشد:
- تفسیر ارزشها و مقدسات و تهیه خوراک برای رسانه های ضد انقلاب و حمایت از عناصر سازمان تروریستی منافقین و فعالیت تبلیغی علیه نظام
- اقدام به فعالیت های افراطی و مخل امنیت کشور در قالب ترویج و حمایت فرقه ضاله بهائیت، حمایت از زندانیان امنیتی در قالب تهیه گزارش و ارسال برای احمد شهید میباشد. نامبرده در گزارشات متعدد و کذب (از طریق لاله مودن زاده) که برای نماینده احمد شهید ارسال کرده، اقدام به سیاه نمایی علیه نظام نموده است که در صفحه های ۲۳۶ و ۲۳۷ به آن اشاره شده است
- حمایت از شاهین نجفی خواننده مرتد و نشر مطالب متعدد در دفاع از نامبرده
- توهین به مقدسات در دفترچه شخصی
- مخالفت با حکم فصاص از طریق نگارش مطالب متعدد
- آتش زدن فرآن، که در بازجویی ها پذیرفته و آن را صرفا یک داستان عنوان کرده که شنیده
- داستانی فردی است که مرتکب گناه میشود و در پایان توبه میکند
- فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق تهیه خوراک برای رسانه های ضد انقلاب
- سیاه نمایی کشور و متهم کردن نظام به شکنجه (اشاره به کهریزک)



- باز نشر خبرهای هراسنا، ارتباط رسانه ای با سر بل منافقین (بهروز جاوید تهرانی)
- عضویت در گروه نگام (لغو اعدام) و امضای بیانیه های این مجموعه
- آشنایی و ارتباط با خبرنگاران و رسانه های ضد انقلاب از طریق همسرش و ارسال خبرهای کذب از وضعیت زندانیها
- فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق تهیه خوراکی برای رسانه ها از طریق بر رنگ کردن موضوعات حقوق بشری
- انتشار اخبار در حمایت از عناصر مسئله دار (آرش صادقی): گلرخ ابراهیمی ایرانی از سال ۸۹ تا ۹۲ در حالی که هیچ نسبتی با آرش صادقی نداشته است اقدام به انتشار اخبارها و کلیپی با عنوان آرش صادقی را آزاد کنید نموده است. انتشار اخبار افرادی مانند سعید شیرزاد، زینب جلالیان و زندانیان امنیتی دیگر که به طور کامل در صفحه ۹۱ ذکر شده است
- متهم کردن نظام به شکنجه، نقص عضو و مفقود کردن آرش صادقی، در حالی که نامبرده اواسط سال ۹۳ بدون هیچ آسیبی از زندان آزاد میشود
- زیر سوال بردن طرح حجاب
- کشف حجاب، و ترویج بی حجابی از طریق گذاشتن عکسهای بدون روسری در کنار همسر در فضای مجازی
- درج تصاویر عناصر نفاق در صفحه فیسبوک
- حمایت از منافق معدوم، غلامرضا خسروی
- نگهداری پوستر منافقین (معدومین بهکیش)
- درج تصاویر عناصر تجزیه طلب (زینب جلالیان) در صفحه فیسبوک و حمایت از این عنصر تجزیه طلب
- متهم کردن نظام به حصر و آزار سران فتنه (شکنجه و آزار موسوی و رهنورد) با حمایت از نوشته های همسرش. در این رابطه (صفحه 236)
- شرکت در تجمع دراویش مقابل دادگاه انقلاب به همراه همسرش
- شرکت در تجمع روز دادگاه مریم شفیق پور به همراه همسرش
- شرکت در مراسم استقبال از مجید دری از زندانیان امنیتی
- شرکت در تجمع غیرفانونی بدرقه نرگس محمدی



- شرکت در تجمع غیر قانونی معدوم غلامرضا خسروی
- برگزار جلساتی محفلی در خانه و کافی شاپ با عنوان حقوق زنان در جامعه
- شرکت در کلیه تجمعات سال ۸۸، منزل نامبرده در روزهای اغتشاشات در حوالی میدان انقلاب بوده است. از همین رو در تمام تجمع حضور فعال داشته است
- دیدار با خانواده زندانیها و معدومین ۸۸ و دهه شصت به همراه همسرش آرش صادقی
- ارتباط با تعدادی از عوامل اغتشاشات ۷۸ منوچهر محمدی و رضا محمدی و دیدار با خانواده نامبردگان

- نامبرده گلرخ ابرایی در حین بازجویی و بعد از آن، همچنان از عملکرد های ضد امنیتی خود دفاع و حاضر به برائت جستن از گذشته خود نشد.

- متهمین ردیف سوم و چهارم و کشف پاسور و ماهواره از متهم ردیف پنجم و دیگر شواهد و قرائن موجود بزهدکاریشان محرز و مسلم است لذا باستناد ماده ۶۱۰ و ۵۰۰ و ۵۱۴ و ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه ای و ماده ۱۳۶ و ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۹۲ و ماده ۵۱۳ و ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۹ قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت ماهواره به متهم ردیف اول و آرش صادقی را مورد اتهام بند الف (اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور) به تحمل ۷ سال و ۶ ماه حبس و در مورد اتهام بند ب (فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی) به تحمل ۱۸ ماه حبس و در مورد اتهام بند پ (توهین به مقامات مندرج در ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی) به تحمل ۳ سال حبس و در مورد اتهام بند ت (نشر اکاذیب در فضای مجازی و تشکیل گروه) به تحمل ۳ سال حبس محکوم به اضافه ۴ سال تعلیق مندرج در پرونده سال ۸۹ و متهم ردیف دوم (گلرخ ابراهیمی ایرانی) را در مورد اتهام بند الف (فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی) به تحمل یک سال حبس و در مورد اتهام بند ب (توهین به مقدسات اسلام) به تحمل ۵ سال حبس محکوم و متهم ردیف سوم (بهنام موسیوند) را در مورد اتهام بند الف (فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی) به تحمل ۱۸ ماه حبس و متهم ردیف چهارم (نوید کامران) را در مورد اتهام بند الف (فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی) به تحمل ۱۸ ماه حبس و متهم ردیف پنجم (محمد باقر موسیوند) را در مورد اتهام بند الف (نگهداری آلات قمار) ضمن اتهام آلات به پرداخت یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی و در مورد بند ب (استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره) ضمن ضبط تجهیزات به نفع دولت به پرداخت ۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم می نماید ایام بازداشت باستناد ماده ۷ قانون مجازات اسلامی کسر ومحاسبه گردد. حکم صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر تهران است.



آتنا دائمی و امید علی شناس

متن پیش‌رو نسخه‌ایی از حکم دادگاه است که توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی استان تهران در مورد پرونده آتنا دائمی (فصل ۵ را ملاحظه کنید) و امید علی شناس (فصل ۵ را ملاحظه کنید) در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ صادر شده است. این حکم، آتنا دائمی را به خاطر «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «تبلیغ علیه نظام»، «توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر» و «اختفای ادله جرم» مجرم شناخته و به تحمل ۱۴ سال زندان محکوم می‌کند. در مهر ۱۳۹۵ این حکم با رای دادگاه تجدیدنظر به هفت سال تقلیل پیدا کرد.

در طی همان محاکمه امید علی شناس به ده سال زندان محکوم شد. جرایم او عبارت بودند از «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقام رهبری». در مهر ۱۳۹۵ این حکم با رای دادگاه تجدیدنظر به هفت سال تقلیل پیدا کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بتاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۰ شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران بتصدی امضاءکننده ذیل در وقت مقرر تشکیل است پرونده کلاسه ۱۹۶۱۱/۹۳/ط/د- اتهامی آقایان ۱- امید علیشناس، فرزند آتیلا، ۲- علی نوری فرزند محمد، ۳- ناسورستمی فرزند ابراهیم، ۴- محمد حسین دائمی فرزند یحیی، ۵- فاطمه دائمی فرزند محمد حسین دائر بر اجتماع و تبانی بر ای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی، توهین به مقام معظم رهبری، نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره و نگهداری ۷۰۰ حلقه لوح فشرده مبتذل تحت نظر است باعنایت به مجموع محتویات پرونده و بر رسیهای انجام شده و استماع مدافعات نامبردگان و استماع مدافعات وکلای آنان دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

رای دادگاه

در خصوص اتهام آقای امید علیشناس دائر به اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور - فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی، توهین به مقام معظم رهبری، نگهداری ۷۰۰ حلقه لوح فشرده مبتذل، استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره باعنایت به محتویات پرونده نامبرده از اعضای گروهک دانشجویی طرفدار جریان فکد انقلاب در دانشگاههای تهران با محوریت آرش صادقی بوده اقدامات ضد امنیتی وی در قالب تبلیغ و ترویج فرقه ضاله و مظلوم نمائی فرقه ضاله و حمایت از عناصر ضد انقلاب داخل و خارج از کشور و حمایت و دفاع از زندانیان منافق و جریان فتنه، توهین به مقام معظم رهبری در فضای حقیقی و مجازی ادامه داشته وی با اعضا گروه و در راستای اهداف گروه در جهت اقدام علیه امنیت کشور با خانواده زندانیان امنیتی و گروهکی ملاقات داشته و در سالگرد کشته شدگان فتنه ۸۸ حضور داشته و اقدام به تهیه شب نامه در دفاع از منافقین و منافق معدوم ارژنگ داودی به تعداد ۳۰۰۰ نسخه و پخش آن در سطح تهران و اقدام به شعار نویسی در سطح تهران نموده و انگیزه خود را اینکه اعدام افراد گروهکی و منافق را عمل غیر انسانی و ضد حقوق بشر دانسته و فعالیت وی با اعضای گروه در فضای مجازی انتشار ملاقاتهای گروه با خانواده زندانیان و انتشار مراسم حضور در اغتشاشات خیابانی خانواده معدومین ۶۷ بوده است. از فعالیتهای نامبرده حضور در مراسم مربوط به مصطفی کریم بیگی با سخنرانی محکوم نرگس محمدی و نسرین ستوده و حضور در

اجتماع غیر قانونی مقابل سازمان ملل به بهانه حمایت از مردم کوبانی و انتشار آن اجتماع در فضای فیس بوک و انتشار فیلم به نام شمع روشن کن در دفاع از فرقه ضاله^{سایت} و محرومیت آن فرقه از تحصیلات دانشگاهی و انتشار مراسم مربوط به کشته شدگان فتنه ۸۸ و دعوت از افراد به حضور در اجتماعات غیر قانونی و انتشار مطالب کذب در خصوص مه‌دومین سال ۶۷ با عنوان یاد جانباختگان ۶۷ و اهانت به مقام معظم رهبری و اهانت به مقدسات اسلام و آیات قرآن و دفاع از مواضع گروهک و انتشار کاربکاتور ، حضور در اغتشاشات سال ۸۸ با عنایت به محتویات پرونده بزه انتسابی در خصوص نامبرده محرز می باشد دادگاه در خصوص اجتماع و تبلیغ برای ارتکاب جرم و تبلیغ بر علیه نظام جمهوری اسلامی بزه انتسابی را مشمول ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی دانسته نامبرده را به تحمل هفت سال حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم می نماید . و در خصوص توهین به مقام معظم رهبری مستنداً به ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی به تحمل سه سال حبس محکوم می نماید و در خصوص نگهداری لوح

وَأَلَّا يَمُنُّوا بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

و ادو نامه

هزار شب نامه یا اعضای گروه چاپ و پخش نموده اند وی پس از دستگیری اعضای گروه اقدام به مصاحبه نموده و مطالب خلاف واقع و کذب را به نظام جمهوری اسلامی نسبت داده است با عنایت به اقرار صریح وی دادگاه بزه انتسابی را محرز دانسته در خصوص اجتماع و تبلیغ برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی بزه انتسابی را مشمول ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی دانسته نامبرده را به تحمل پنج سال حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم می نماید . و در خصوص اهانت به مقام معظم رهبری مستنداً به ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی به تحمل دو سال حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم می نماید در خصوص اتهام آقای علی نوری فرزند محمد دائری به اجتماع و تبلیغ برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور ، فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی

دائسته نامبرده را به تحمل پنج سال حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم می نماید. و در خصوص اهانت به مقام معظم رهبری مستنداً به ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی به تحمل دو سال حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم می نماید. در خصوص اتهام خانم فاطمه دائمی خشکود هائی فرزند محمد حسین معروف به آنفا دائر به اجتماع و تسانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، توهین به مقام معظم رهبری ریاست جمهوری در فضای مجازی، اختفا ادله جرم برای خلاصی مجرم علی نوری، باعنایت به محتویات پرونده و بررسیهای انجام شده و گزارش معلومت اطلاعات قرارگاه ثاراله نامبرده به همراه اعضای گروه دانشجویی در جریان ضد انقلاب داخل و ضد انقلاب مستقر در خارج از کشور در راستای اهداف آن گروه و علیه امنیت کشور اقدام حضور در تجمعات غیر قانونی در مقابل سازمان ملل و حضور در مقابل زندان رجائی شهر در حمایت از معدوم ریحانه جباری (منافق) و حضور در تجمع مقابل زندان اوین در حمایت از متهمین امید علیشناس و آرش صادق اعضا گروه در اعتراض به بازداشت نامبردگان و برقراری ارتباط با مادران عزادار (پارک لاله - جهت حضور در مراسمات و اغتشاشات، تشکیل دستجات غیر قانونی جهت برهم زدن امنیت با برگزاری جلسات به منظور تصمیم گیری در جهت اعتراض به احکام قضایی صادره در خصوص منافقین و متهمین جریان و ملاقات با خانواده کشته شدگان سال ۸۸ و شعار نویسی و توزیع و در حمایت و دفاع از محکوم نفاق ارژنگ داودی و ارتباط و ارسال اطلاعات به خبرگزاری های ضد انقلاب و معاند کمپین بین الملل حقوق بشر، خبرگزاری هرانا و ارتباط با عناصر مسئله دار محمد نوری زاد، لرگس محمدی، خانواده ستار بهشتی و فعالیت در جهت حمایت از زندانیان فتنه، هوداری از گروهک منافقین و ارسال اخبار به سرپل نفاق اهانت به بنیادگذار جمهوری اسلامی و اهانت و افترا به مقام معظم رهبری و اهانت به رئیس جمهوری، نامبرده اقرار می نماید که در مراسم ندا آقاسلطان و مراسم خانم زینال و تجمع در مقابل سازمان ملل و مقابل زندان اوین و مراسم مربوط به روح الامینی و کامران جوادی و بر سر مزار کشته های ۸۸ و در تجمع ریحانه جباری در مخالفت با اعدام وی و تجمع جلو سفارت ترکیه حضور فعال داشته است و پس از آشنائی با اعضای گروه امید علیشناس مبادرت به برگزاری جلسات محفلی در کافی شاپ و پارک لاله نموده در خصوص اجتماعات غیر قانونی و شعار نویسی و توزیع شب نامه اتخاذ تصمیم نموده اند. نامبرده اقرار می نماید که در راستای اهداف گروه در تمامی مراسمات کشته های ۸۸ و بر سر مزار آنها حضور داشته و در خصوص امحای آثار جرم اقرار می نماید که پس از دستگیری علی نوری عضو گروه مبادرت به تغییر رمز فیس بوک و ایمیل

وی نموده در خصوص انتشار تصاویر مربوط به شعارنویسی در خیابانهای تهران بر علیه نظام اظهار می دارد که اعضا گروه شعار نویسی را شبانه انجام دادند . و تا نیمه های شب طول کشید پس از تهیه تصویر نامبرده تصاویر را به برخی از افراد ضد انقلاب خارج از کشور ارسال می نماید . نامبرده در جت گروهی با مادح نظری و جعفر قدیم خانی از عناصر ضد انقلاب خارج نشین در فیس بوک می نویسد فعالیتهای گروه را دیوار نویسی انداختن اعلامیه علیه اعداام ها در خانه ها - دیدار با خانواده های زندانیان گروهکی - برگزاری سالگرد جان باختگان فتنه تا کار های نهادین از جمله آویختن طناب دار روی مجسمه های سطح شهر ارائه می نماید . نامبرده در فیس بوک خود با اهانت به نظام مقدس جمهوری اسلامی اعلام می دارد ... جمهوری اسلامی اینکه خون انسانها برایش بی ارزش است . نامبرده در دفاع از کردهایی که در جریان گروهکی زندان هستند اعلام می دارد به دلیل سنی بودن محاکمه شده اند . نامبرده در خصوص همکاری با کمپین زندانیان گروهک و فتنه اعلام می دارد تصاویر مربوط به زندانیان و تصاویر خانواده زندانیان و عکس های ثبت نامه نویسی در خصوص محکوم ارژنگ داودی منافق را از طریق جت برای ضد انقلاب خارج نشین مادح نظری ارسال کرده است در خصوص ارتباط با خبرگزاریهای ضد انقلاب و معاند کمپین بین الملل حقوق بشر خبرگزاری هرانا اعلام می دارد که پس از دستگیری اعضا گروه فعالان خارج از کشور با وی تماس گرفته اند و شماره تماس داده اند . تا در صورت داشتن خبر به آنها بگوید و خبر دستگیری اعضا گروه خبرگزاری هرانا سهام نیوز کمپین زندانیان مدنی و بالاتر و خویشاوندی کار کرده اند نامبرده در دفاع از فتنه گران ۸۸ اعلام می دارد که من فتنه ام و اعلام می دارد که نظام افراد بی سلاح را به روشهای مختلف کشته است و افرادی که به کشورهای مختلف پناهنده شدند به دلیل فشارهای نظام بر آنها و خانواده هایشان می باشد و اعلام می دارد اتفاقات ۸۸ هرگز بخشیده نمی شود . نامبرده در خصوص اهانت به رهبری معظم انقلاب از طریق تویتر در اعتراض به سخنان رهبری به ناخشنودی های اعلام شده توسط رهبر معظم انقلاب اعلام می دارد رهبر یک عکس را در رابطه با ۲۲ تا ۳۳ نا بخشودنی در انتخابات ۸۸ منتشر کرده که با احساسات مردم بازی کرد و تمام فعالان در تویتر و مردم عادی معترض شدند اعلام می دارد نا بخشودنی ندا آقا سلطان - نا بخشودنی اختلاس ۳ هزار میلیاردی نا بخشودنی ۱۵ سال سی خیری از سعید زینالی - نا بخشودنی کشتن محمد مختاری و صانع ژاله ، نا بخشودنی زیر گرفتن مردم با ماشین نیروی انتظامی - نا بخشودنی بابک زنجانی وی در دفاع از فتنه گران اعلام می دارد دست بند سبز به دست کردم . به دلیل یاد بود کشته های ۳۶ سال - افراد بی گناه توسط نظام و در فیس بوک خود اعلام

قَالَ تَبِعُوا لِمَنْ تَعَدَلُوا

می دارد کشتار دهه - ۶ را فراموش نگردد ایم نامبرده در اهانت به حضرت امام رحمت اله می
فرکردادن جسارت زشت رحلت امام را تبریک گفته ، و در فیس بوک خود به تسخر اعلام می دارد همه
چی عیناً حقوق بشر - امام مظلومی و اعلام می دارد که این کشتار انسان های بی گناه است که اسلام را
زنده نگه داشت است . به نام اسلام آدم می کشند خیانت می کنند و در اهانت به مقام معظم رهبری می
کنند این اعلام می دارد اکثریت مردم رهبر را دیکتاتور می دانند . مرگ ... نامبرده به رئیس جمهوری
وقت در فیس بوک خود توهین نموده و جمله ای ناشایست را به کار برده . باعنایت به اقرار صریح وی
و داعیه های نامبرده در فضای مجازی و حقیقی بزه انتسابی در خصوص نامبرده محرز است دادگاه
در خصوص اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری
اسلامی ایران بزه انتسابی را مشمول ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی دانسته نامبرده را به تحمل هفت
سال حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم می نماید و در خصوص توهین به مقام معظم رهبری مستنداً
به ماده ۵۱۴ قانون مجازات به تحمل سه سال حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم می نماید و
در خصوص اختفا ادله جرم مستنداً به ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی به تحمل چهار سال حبس با
احتساب ایام بازداشت محکوم می نماید .

و در خصوص اتهام آقای محمد حسین دائمی خشکودهانی فرزند یحیی دائر به استفاده از تجهیزات
دریافت از ماهواره نامبرده را مستنداً به ماده ۹ قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره
پیرداخت مبلغ سه میلیون ریال جریمه محکوم می نماید رأی صادره در خصوص نامبردگان حضوری
ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه های تجدیدنظر استان تهران
باشد و ماده ۱۳۴ قانون مجازات در خصوص نامبردگان قابل اجرا است .

دفتر مقررات حکم صادره ابلاغ در صورت عدم اعتراض پرونده از آمار گسر و به اجرای احکام
ارسال شود.الف/

رئیس شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

دائریس محاکم عمومی تهران

داوود رضوی

متن پیش‌رو، حکم صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب استان تهران در مورد پرونده داوود رضوی است که او را به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به پنج سال زندان محکوم می‌کند.

بسمه تعالی

بتاریخ ۹۴/۱۰/۲۹ در وقت فوق‌العاده شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به تصدی امضاءکننده زیر تشکیل است پرونده کلاسه : ۱۹۸۷۴/۹۴.ط.د. اتهامی سید داوود رضوی فرزند سید جلال تحت نظر است با توجه به تحقیقات به عمل آمده و استماع مدافعات متهم و وکیل مدافع، ضمن اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال به شرح زیر مبادرت به انشای حکم می‌نماید:

رای دادگاه

حسب کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۳ تهران، آقای سید داوود رضوی فرزند سید جلال به شماره شناسنامه ۱۰۹۹ متولد ۱۳۳۳ شماره ملی ۰۴۹۱۱۳۶۱۱۰ شیعه و مسلمان با سواد و بازنشسته شرکت واحد متاهل دارای سابقه کیفری آزاد با قرار کفالت با وکالت آقای صالح نیک بخت متهم است به اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور و اختلال در نظم و آرامش عمومی از طریق حضور در تجمعات غیر قانونی با این توضیح متهم در سال ۱۳۸۴ به هنگام

حضور در شرکت واحد به علت اعتصاب کارگری دستگیر و در شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب اسلامی تهران محاکمه و به یک سال حبس تعلیقی محکوم می‌گردد و حکم تعلیقی از سوی شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان قطعی می‌گردد. به واسطه محکومیت و فعالیتهای غیر قانونی و اخلال در نظم و امنیت عمومی از شرکت واحد اخراج لیکن به واسطه شکایت در دیوان عدالت اداری سال ۹۰ به شرکت واحد بازگشته و اواخر همان سال بازنشسته شده است. در طول سالهای اخیر مشکلات صنفی شرکت واحد را بهانه قراردادده و با ارسال پیامک و دعوت اعضا و مرتبطین سندیکای شرکت واحد به تجمعات و امضای بیانه های متعدد و مصاحبه با رسانه های ضد انقلاب علی الخصوص وابسته به گروهکهای چپ مارکسیستی و کمونیستی و نشان دادن وضعیت اسفبار اوضاع کارگران کشور و پی گیری امورات بازداشتیها و محکومین دادگاههای کشور و به زعم خود یک رشته مبارزات را علیه نظام داشته است از جمله فعالیتهای غیر قانونی متهم برگزار تجمعات به بهانه های مختلف از جمله روز جهانی کارگر، حداقل دستمزد کارگران، انتخابات شورای اسلامی کارگر و تعاونی مسکن شرکت واحد در مقابل وزارت کار، شهرداری تهران و مجلس شورای اسلامی بوده است. متهم در خرداد ماه سال ۹۳ به همراه یکی از عناصر سابقه دار و مرتبط جریان کارگری اپوزیسیون خارج از کشور و به دعوت یکی از اعضای گروهک اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران جهت شرکت در یک اجلاس بین المللی وابسته به سازمان جهانی کار به فرانسه دعوت که به دلیل ممنوع الخروجی بلا اثر گردیده است. از جمله آخرین اقدامات وی و سندیکای غیر قانونی شرکت واحد برگزاری تجمع غیر قانونی در اعتراض به تعیین حداقل دستمزد کارگران در واپسین روزهای سال ۹۳ در مقابل وزارت کار بوده که حدوداً "۳۰ الی ۴۰ نفر از کارگران شرکت واحد حاضر و از این تجمع فیلم و عکس تهیه و در رسانه های مجازی به انتشار گذاشته است. این عملکرد متهم موجب فراهم سازی خوراک تبلیغاتی ضد انقلاب شده است با وجود مستندات ابرازی از سوی سازمان اطلاعات تهران و ارایه گردشکار مفصل از عملکرد متهم، وکیل مدافع و متهم اتهام اجتماع و تبانی را انکار و برای توجیه آن نمونه رای قبلی در خصوص شخصی به نام ابراهیم مددی همدست متهم را به دادگاه ارایه نموده است از طرفی در خصوص اتهام اخلال در نظم و آرامش عمومی را نیز فعالیت صنفی قلمداد نموده حال آنکه با توجه به عملکرد متهم اقدامات وی فراتر از فعالیت صنفی بود. و به لحاظ همراهی و مشارکت سایر دوستان در کلیه تجمعات غیر قانونی شرکت نموده است لیکن اقدامات متهم فعل واحد و غیر قابل تجزیه و مشمول مقررات ماده ۶۱۰ از قانون مجازات اسلامی (مبحث تعزیرات) به تحمل ۵ سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می نماید. ایام بازداشت قبلی متهم هنگام اجرای حکم کسر و محاسبه گردد. رای حضوری و پس از ابلاغ ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض در محاکم تجدید نظر استان تهران است.

ماشاءالله احمد زاده - دادرس شعبه ۴ انقلاب اسلامی تهران

آتنا فرقدانی و محمد مقیمی

در متن پیش رو به تاریخ مهر ۱۳۹۴، آتنا فرقدانی و محمد مقیمی از اتهام «رابطه نامشروع دون زنا» تبرئه شده‌اند.^{۱۲۶} این اتهامات به دنبال دست دادن آن دو با هم در طی دیدارشان در زندان در خرداد ۱۳۹۴ مطرح شد.

^{۱۲۶} این متن به لطف خبرگزاری هرانا به دست عفو بین الملل رسیده است.



دادگستری کل استان تهران

«طَلَّ تَبِعُوا أَنَّهُوْا أَنْ تُغْدِلُوا»

شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۲۱۸۰۱۰۰۷۹۱

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۴/۰۷/۲۷

شعبه ۱۱۶۱ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی قدس

شماره پرونده: ۹۴۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۰۲۴

شماره بایگانی شعبه: ۹۴۰۵۰۶

تهران (۱۱۶۱ جزایی سابق)

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۰۲۴ شعبه ۱۱۶۱ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی قدس تهران (۱۱۶۱ جزایی سابق) تصمیم نهایی شماره ۹۴۰۹۹۷۲۱۸۰۱۰۰۷۹۱

متهمین: ۱. خانم آتنا فرقدانی فرزند محمدتقی ۲. آقای محمد مرقمی فرزند رحیم با وکالت آقای هوشنگ پوربابانی فرزند نوراله به نشانی خ استاد مطهری - انتهای خ لارستان - نبش چهارراه عبده - ساختمان سپهر - واحد ۵۰۱

تہام: دست دادن با موکل

گردشکار: دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

رای دادگاه

در خصوص اتهام ۱- محمد مرقمی فرزند رحیم، ۲۷ ساله، مجرد، با سراد، فاقد سابقه کیفری و ساکن شهر تهران ۲- آتنا فرقدانی فرزند محمد تقی ۲۹ ساله، مجرد، باسواد، فاقد سابقه کیفری و ساکن تهران، هر دو متهم با وکالت آقای هوشنگ پوربابانی هر دو متهم دایر به رابطه نامشروع دون زنا و عمل منافی عفت دست دادن به یکدیگر بدین توضیح که متهم ردیف دوم به اتهامی که در پرونده امر مطرح است در زندان به سر میبرد و متهم ردیف اول که وکیلی دادگستری می باشد جهت ملاقات با وی و مذاکره جهت تجدیدنظرخواهی از رای صادره به زندان مراجعه می نماید و در بدو ملاقات وکیل (متهم ردیف اول) با موکل خود (متهم ردیف دوم) متهمان اقدام به مصافحه می نمایند و با یکدیگر دست می دهند که مأموران زندان موضوع را مشاهده و صورتجلسه می نمایند و متهمان به انجام مصافحه اذعان و اقرار دارند لکن مدعی هستند که هیچگونه قصد سوئی نداشته اند و قصد لذت جنسی هم در کار نبوده است بلکه به عنوان یک عرف اجتماعی و به رسم ادب به یکدیگر دست داده اند و وکیل متهمان نیز به طور مفصل دفاعیاتی را در جلسه دادگاه عنوان نموده است که دفاعیات وکیلی متهمان به قانون مجازات اسلامی مطابقت می نماید زیرا عمل ارتكابی متهمان نمی تواند عنوان محرمانه رابطه نامشروع و یا عمل منافی عفت باشد زیرا در در عناوین ذکر شده و مصادیق تمثیلی ذکر شده در ماده ۶۳۷ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی قصد التناز جنسی نهفته است که در مانحن فیه و با توجه به محتویات پرونده این موضوع منتفی است هر چند که عمل ارتكابی



دادگستری کل استان تهران

«طَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ اِنْ تَنَادَلُوا»

شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۳۱۸۰۱۰۰۷۹۱

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۴/۰۷/۲۷

شعبه ۱۱۶۱ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی قدس

شماره پرونده: ۹۴۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۰۲۴

تهران (۱۱۶۱ جزایی سابق)

شماره بایگانی شعبه: ۹۴۰۵۰۶

دادنامه

متهمان از نظر فقهی حرام مسلم است لکن وفق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی تعزیر وقتی در ارتکاب محرمات شرعی اعمال می گردد که قانون آن را جرم انگاری نموده باشد و این مقرر قانونی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها منطبق است و ماده ۲ قانون یاد شده و نیز بر این اصل تأکید دارد لذا صرف نظر از حرام بودن عمل ارتكابی متهمان که متأسفانه در بین حین از افراد جامعه رواج داشته است دادگاه عمل ارتكابی متهمان را فاقد وصف جزایی در قانون مجازات اسلامی داشته و با استناد به ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متهمان را از اتهام انتسابی تبرئه می نماید رأی صادره حضوری است و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در دادگاه تجدید نظر استان تهران می باشد. %

مجید شریف زاد

رئیس شعبه ۱۱۶۱ دادگاه کیفری ۲ تهران

امضای تنظیم کننده

تهران - خیابان اشرفی اصفهانی - نیش نیایش - مجتمع قضایی قدس - تشریحی

علیرضا فرشی

متن پیش رو، یک کپی از حکم دادگاهی است که علیه علیرضا فرشی صادر شده است. شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان در استان تهران او را در اسفند ۱۳۹۵ به جرم «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «مشارکت در تشکیل جمعیت به منظور برهم زدن امنیت کشور» به ۱۵ سال زندان محکوم کرد. این حکم همچنین او را به دو سال اقامت اجباری در شهرستان باغ‌ملک از توابع استان خوزستان محکوم کرده است.

«فلا تظنوا الهوى ان تغفلوا»

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۲۹۹۱۰۰۱۴۵۰
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱
شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶
شماره بایگانی شعبه: ۹۳۰۰۴۱

شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

پرونده کلاسه ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶ شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۹۹۱۰۰۱۴۵۰

متهمین:

۱. آقای اکبر آزادعلی بابالو فرزند سلطان به نشانی شهرری سوم کیان شهر خ سیامک بن بست نه پ ۱.
 ۲. آقای منصور فتحی فرزند نصراله به نشانی نسیم شهر وجه آباد خ اصلی پ ۱۰۱۸.
 ۳. آقای حمید منافی نظر لو با وکالت آقای جعفر افشارنیا فرزند اسمعیل به نشانی تهران - خ جمالزاده شمالی پلاک ۳۵۵ واحد ۲
 ۴. آقای علیرضا فرشی فرزند بهمن با وکالت آقای محمدعلی عزیزی فرزند ولی اله به نشانی تهران جمالزاده شمالی بالاتر از باقرخان نبش شیبانی پلاک ۳۵۵ واحد ۲
 ۵. آقای بهنام شیخی سامانلو فرزند رشید به نشانی سلطان آباد حسن آباد ۱۰ متری قدس کوچه شادکام پ ۵۶
 ۶. آقای محمود اجاقلو فرزند علی به نشانی بهارستان آدران - شهرک قلعه میر - خ شهدا - کوچه گل‌های ۷ - ۸ متری اول - پلاک ۱۹
 ۷. آقای عزیز فرشی فرزند علیقلی به نشانی نسیم شهر خ امام ره پلاک ۶۰۱
 ۸. آقای رستم کاظم پور فرزند محمد کاظم به نشانی تهران منطقه ۱۸ شهرک ولی عصر خ سینالشهدا غربی - کوچه عیدوزائی پلاک ۴۹ واحد ۱
- اتهام: مشارکت درتشکیل جمعیت به منظور برهم زدن امنیت کشور

بتاریخ ۹۵/۱۱/۱۴ در وقت فوق العاده شعبه انقلاب دادگستری بهارستان به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است پرونده کلاسه فوق تحت نظر است با بررسی پرونده و محتویات آن ختم رسیدگی را اعلام به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می گردد :

((رای دادگاه))

با استعانت از خداوند سبحان در خصوص اتهام ۱- علیرضا فرشی دیزج یکان فرزند بهمن دائر بر اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور موضوع کیفرخواست اصداری ۹۴۱۰۳۳۰۲۷۵۰۰۰۶۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۲۱ دادسرای شهید مقدس (اوین) و تشکیل جمعیت غیرقانونی با هدف برهم زدن امنیت کشور موضوع کیفرخواست شماره ۹۴۱۰۳۳۲۹۸۵۷۰۱۳۱۷ مورخ ۹۴/۰۴/۲۹ دادسرای عمومی و انقلاب بهارستان ۲- اکبر آزاد علی بابالو ، حمید منافی نظرلو فرزند حسین ، بهنام شیخی مامانلو فرزند رشید دائر بر مشارکت در تشکیل جمعیت غیر قانونی به منظور بر هم زدن امنیت کشور موضوع کیفرخواست ۹۴۱۰۳۳۲۹۸۵۷۰۱۳۱۷ مورخ ۹۴/۰۴/۲۹ دادسرای عمومی و انقلاب بهارستان موضوع گزارشات متعدد وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران به این شرح که بیان شده متهم علیرضا فرشی دیزج یکان فرزند بهمن فعالیت های قوم گرایانه ی خود را از سال ۱۳۸۰ آغاز و در سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ با حضور در تجمع قوم گرایان در قلعه بابک فعالیت در مجله ی قوم گرایانه ی (یول) ، شرکت در مراسم به اصطلاح بزرگداشت صفرخان ، بزرگداشت پرفسور زهتابی ، بزرگداشت ۲۱ آذر ، روز کشتار فوجالی فعالیت های قومی خود را تشدید نمود و اقدام به ارتباط گیری تشکیلاتی یا عناصر تجزیه طلب آذر می کند. نامبرده در اقدامی ضد امنیتی در روز ۵ اردیبهشت سال ۱۳۸۳ با حضور در مقابل کلیسای حضرت مریم اقدام به جابجاری از ترکیه و درگیری با ارامنه ایران که با اخذ مجوز اقدام به تجمع نموده بودند می نماید که به دلیل اقدامات ضد امنیتی دستگیر می شود ، متهم علیرضا فرشی اقدامات تشکیلاتی خود را با حضور در جمع قوم گرایان افراتی در مراسم قلعه بابک و تشکیل گروهک قوم گرا در پوشش گروه

نشانی: چاده ساوه - کیلومتر ۲۵ - نسیم شهر - میدان هفت تیر - ابتدای بلوار خیرآباد - خیابان دادگستری - دادگستری شهرستان بهارستان
ب.ظ. ۱۳۹۵/۱۲/۰۱

گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

سازمان عفو بین الملل

«فلا تسمعوا أذنوي أن تغلوا»

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۲۹۹۱۰۰۱۴۵۰

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱

شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶

شماره پایگانی شعبه: ۹۲۰۰۴۱

شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

کوهنوردی (تورک داغییلار تو پلانتی سی)) استمرار داده در آشوبهای سال ۱۳۸۵ نقش فعال ایفا می کند و با صحنه سازی اقدام به تهیه فیلم این آشوب ها و ارسال آن به شبکه های تجزیه طلب گوناگونی وی می کند. متهم با تهیه لیستی ۸۱۴ نفره از عناصر پان ترکیست و پان آذربایست ضمن حمایت از سیاست های جاه طلبانه ی ابوالفضل ایلچی بیگ و الهام علیف مینتی بر یکپارچگی آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان و نیز تمجید از عناصر تجزیه طلب همچون سعید متین پور ، احمد یوسفی سادات معروف به لوبانی ، صالح ایلدیریم ، جعفر پیشه وری ، محمود علی چهرگانی ، دکتر جواد هیأت ، آیت اله شریعت مداری ، رهبر جنبش تجزیه طلب خلق مسلمان و بسیاری از عناصر واگرا و گروهکی و محکومین امنیتی از آنها به عنوان مشاهیر آذربایجان یاد کرده و اقدام به قهرمان سازی از این عناصر نموده است و متهم برابر گزارشات ارسالی و مستندات ابرازی اداره اطلاعات ، هم صدا با عناصر تجزیه طلب خارج نشین اقدام نیروهای نظامی دولت مرکزی ایران را در ۲۱ آذر ماه سال ۱۳۲۵ که منجر به آزادی این منطقه از اشغال تجزیه طلبان فرقه دموکرات آذربایجان گردید را تحت عنوان نسل کشی عنوان نموده و به این دلیل درخواست غرامت نموده است. متهم با هدف منحرف نمودن مسیر بازجویی در تناقض آشکار در فضای مجازی چهرگانی را از مشاهیر آذربایجان معرفی نموده لکن در ایام بازداشت عنوان نموده چهرگانی بازیچه خارجی هاست . متهم در ادامه فعالیت های مجرمانه خود با تشدید فعالیت های خود در سطح دانشگاهها و راه اندازی تشکلات قومی در پوشش گروه های کوهنوردی اقدام به ترویج افکار واگرایانه نموده است که فیلم آن موجود است نامبرده در خرداد ماه سال ۱۳۸۸ مجدداً دستگیر و به یک سال حبس محکوم می شود لکن به دلیل اینکه مشارالیه از خانواده معظم شهیدا بوده با تخفیف شش ماهه مقام محترم قضائی مورد رافت قرار می گیرد. نامبرده نیز در فیس بوک خود سپاه پاسداران را مورد هجمه قرار داده است. نامبرده در سالهای ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به همراه بسیاری از عناصر تجزیه طلب سابقه دار اقدام به برگزاری جلسات تشکیلاتی به بهانه های طرح مسائل مربوط به زبان به اصطلاح مادری ، خشکابندن عمدی دریاچه ارومیه ، راه اندازی فرهنگستان زبان آذری نموده که اسناد مکشوفه ضمیمه پرونده می باشد و نامبرده در دوم اسفندماه سال ۱۳۹۲ به دلیل برگزاری جلسه غیرقانونی و بدون مجوز قومی و اقدامات واگرایانه در این جلسه دستگیر می شود متهم با ناقص خواندن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم پیش بینی تدریس زبان اقوام اعلام نموده قانون اساسی (که با تایید بیش از ۹۸ درصد مردم ایران به تصویب رسیده است) باید اصلاح شود، متهم همچنین در بازجویی های مضبوط در پرونده اظهار داشته باید با تغییر قانون اساسی زمینه آموزش همه زبان ها فراهم شود و انتخاب زبانی به عنوان زبان رابط برای برقراری ارتباط بین اقوام مختلف انتخاب شود که این زبان لزوماً فارسی نیست بلکه ممکن است ترکی ، فارسی ، عربی یا انگلیسی باشد . متهم در سال ۱۳۹۳ با نزدیک شدن به روز دوم اسفند با راه اندازی کمیته تحت عنوان کمپین اخذ مجوز برای روز زبان مادری در پوشش اقدامی به اصطلاح فرهنگی و در واقع با اهداف ضد امنیتی تلاش نموده است با فعال نمودن عناصر پان ترکیست و تجزیه طلبی که در سالهای اخیر به دلیل عدم استقبال جامعه آذری از تفکرات تجزیه طلبانه شان موفق به ایجاد جایگاه بین مردم مناطق آذری نشین نشده اند این بار با تحریک آذری زبان ها برای ایجاد هیجانات قومی در آستانه روز دوم اسفند اقدام به انتشار اخبار کذب مبنی بر اخذ مجوز برگزاری روز به اصطلاح زبان مادری در تهران نموده است تا زمینه ایجاد اعتراضات قومی با این عنوان که در تهران به عنوان شهر غیر آذری مجوز صادر شده لکن در شهرهای آذری نشین این اقدام صورت نگرفته است را فراهم آورد تا از این طریق موجبات بروز ناراضیاتی در این مناطق را مهیا سازد . متهم تلاش نموده است تا با استفاده از فن آوری های نوینی چون اینترنت اقدام به تشکیل گروههای در فضای مجازی برای ترویج افکار قوم گرایانه خود نماید بطوری که در کمپین مذکور حدود ۷۰۰ نفر از عناصر تجزیه طلب و پان ترکیست خارج و داخل کشور که برخی از آنها متواری، تحت تعقیب و یا دارای محکومیت بواسطه اقدامات ضد امنیتی نیز می باشند شرکت نموده اند متهم علیرضا فرشی به منظور اعمال فشار حقوق بشری بر علیه نظام تلاش نموده تا با دبیرکل یونسکو در تهران ارتباط گیری نماید . وی همچنین اقدام به انتشار اخبار مربوط به دستگیری عناصر قومی افراطی و یا سوژه های که توسط دستگاه امنیتی احضار و برای اقدامات ضد امنیتی توجیه شده اند نموده است . همچنین در یادداشت هایی که متهم در فیس بوک خود منتشر نموده عنوان داشته که در ارتباط با برگزاری روز به اصطلاح زبان مادری یا به اصطلاح فعالین در اردبیل ، ملکان ، کرج، تهران ارتباط داشته که این خود حاکی از تشکیلاتی و هدفمند بودن اقدامات نامبرده دارد . متهم برابر گزارش مضبوط در پرونده و تحقیقات انجام گرفته در راستای افکار ضد تمامیت ارضی خود با عضویت در شبکه های اجتماعی موبایل محور اقدام به ترویج افکار تجزیه طلبانه می نماید . وی از عناصر شاخص پان ترکیست در ترکیه چون نامق کمال ، ضیاء گوگ آلب ، اسماعیل کاسیبرای ، یوسف آقچورا در تشکیل به اصطلاح یک دولت و ملت ترکی از چین تا بالکان حمایت نموده و مدعی است که کشوری بنام ایران در تاریخ باقی، تاریخ سازی و هویت سازی برای تاریخ چون ایران است که این اقدام بیانگر عمق تفکرات ضد امنیتی و ضد تمامیت ارضی وی می باشد . وی با جعلی دانستن ایران ، اقدام به توهین به ملت ایران تحت عناوین ناپسند و زشتی چون دزدی، مسخرگی ، هیزی، حقه بازی ، پارتی بازی ، تملق ، هوچیگری ، شارلاتانی نفاق نموده است و با بیان عباراتی چون " آذری های غیور غیرتتان کجاست؟ ای ترسوین زبان ترکی ، قهرمانان زبان فارسی باشید " سعی در تحریک اقوام ایرانی برای ایجاد درگیری با یکدیگر نموده است ، وی در این شبکه ها با انتشار اخبار کذب مدعی شده که حاکمیت اجازه نمی دهد برای یاد دادن زبان مادری به فرزندانمان کتاب چاپ کنیم که مطالب عنوانی در فیس بوک و

ب.م. ۲۰۱۶، ۱۴/۰۴/۱۷، چاه ساه - کیلومتر ۲۵ - نسیم شهر - میدان هفت تیز - ابتدای بلوار خیر آباد - خیابان دادگستری - دادگستری شهرستان بهارستان

گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

سازمان عفو بین الملل

«فلا تبيحوا آلهوى ان تغدوا»

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۲۹۹۱۰۰۱۴۵۰

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱

شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶

شماره پایگانی شعبه: ۹۲۰۰۴۱

شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

شبکه اجتماعی رنگین کمان منتشر شده است. متهم اقدام به انتشار اخبار کذب و سیاه نمایی علیه نظام در خصوص وضعیت زندگی آذری های کشور نموده و مدعی شده است "آذری ها خیلی وقت است که زندگی نمی کنند بلکه زنده مانده اند" همچنین با انتشار مطلبی تحت عنوان "من زبانم را قورت داده ام" ضمن ادعای توهین به فارسی زبانها علیه آذری ها اقدام به جوسازی و تحریک قوم آذری علیه هموطنان فارسی زبان نموده است متهم در صفحات اجتماعی با زیر سؤال بردن پرچم ملی به عنوان یکی از شاخص های وحدت ملی و با هدف ضربه زدن به انسجام ملی، مدعی شده است که در کشورهای کثیرالمله (مقابل کثیرالاقوام) هر ملت می تواند علاوه بر پرچم متناسب به کشور محل زندگیشان یک پرچم ملی داشته باشند، نامبرده در راستای قهرمان سازی از عناصر مسئله دار و تجزیه طلب در شبکه های اجتماعی تلگرام عنوان کرده، شریعتمداری، چهرگانی بزهبانی و ریشه وری شخصیت موثر آذربایجان می باشند که نمادی از ملت ترک آذربایجان دارد و مورد حمله دشمنان ترک قرار گرفته اند متهم در شبکه های اجتماعی با توهین به مقدسات و مذهب تشیع با انتساب جمله ای به شهید مطهری عنوان نموده "مردم شیعه قاتلانی ترین و مدعی ترین مردم هستند" وی همچنین با انتشار هجویات در صفحه فیس بوک خود ضمن به استهزاء گرفتن نماز به عنوان اصلی ترین عمل عبادی مسلمانان اقدام به درج داستانی نموده که در آن پیش نماز مرد روستایی به حج رفته و به همین دلیل اهالی آن روستا زنی را به عنوان پیش نماز انتخاب نموده اند بدین ترتیب نماز خواندن این زن موجب تحریک جنسی مردان در هنگام نماز شده است و بدین ترتیب اقدام به استهزاء نماز و توهین به نمازگزاران کرده است، همچنین با تبلیغ علیه نظام اقدام به انتشار اخبار دستگیری تعدادی از عناصر قومی در اهر و نیز خیر دستگیری عنصر قومی رسول رضوی کرده و از عناصر قوم گرا درخواست نموده به خانواده وی کمک شود. براساس مدارک مکشوفه، متهم علیرضا قرشی اقدام به برگزاری مراسم تشکیلاتی با سایر عناصر پان ترکیست پیرامون لزوم اصلاح بزرگداشت زندانیان قومی همچون عظیم قدیم و عباس لسانی، لزوم ایجاد اتحاد ایجاد تشکیلات و نگاشتن اساسنامه و تعیین سمت ها، فعالسازی فضای دانشگاه، فعال کردن جامعه ترک زبان و آذری زبان قم، کرج،همدان نحوه ارتباط گیری با آقای یونس برای نفوذ در ساختار حاکمیتی و ارتباط با عناصر قوم گرای سایر اقوام از جمله اعراب و اکراد نموده است. نامبرده ملت دانستن ایرانیان را ادعایی بی مزه دانسته و در راستای تفکرات جنایی طلبانه اش با حمایت از حکومت یک ساله جعفر پیشه وری در حد فاصل سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۴ و شهید نامیدن این عنصر تجزیه طلب و نیز تهدید نمودن محققان و پژوهشگرانی که وی را تجزیه طلب می خوانند از این حرکت ضد تمامیت ارضی تحت عنوان "حکومت ملی آذربایجان" نامبرده و تحت تاثیر همین تفکرات تجزیه طلبانه و با اعتقاد به کثیرالمله بودن (در مقابل کثیرالاقوام) اقدام به ارائه نقشه مجعول از آذربایجان به اصطلاح جنوبی نموده است. نامبرده در صفحه فیس بوک خود ضمن نامیدن حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (دوام عزه) به عنوان شاه و هم طراز دانستن ایشان در کنار شاهان قاجار و پهلوی اقدام به توهین به بنیانگذار عظیم الشان جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب اسلامی نموده است. وی همچنین در آخرین اقدام با انتشار بیانیه ای در محکومیت برنامه فیتله به این بهانه اقدام به توهین به مقام معظم رهبری و فرزندان معظم له با این عنوان که برنامه مذکور متوجه ایشان و فرزندانشان به دلیل آذربایجانی بودن نیز می شود، نموده است متهم با اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و عضویت در گروههای اجتماعی موبایل محور ضد امنیتی از طریق تشکیل جلسات گروهکی پوششی، تشکیل تیم های کوهنوردی پوششی، تشکیل جلسات غیر قانونی و بدون مجوز تحت پوشش بزرگداشت روزیه اصطلاح زبان مادری، راه اندازی کمیته به بهانه اخذ مجوز روز به اصطلاح زبان مادری و عضویت در گروه های اجتماعی موبایل محور با مشی ضد تمامیت ارضی و تجزیه طلبانه و سیاه نمایی وضعیت مردم و قوم آذری، خشکاندن عمدی دریایچه ارومیه، ازبین بردن زبان آذری، انتشار اخبار مربوط به دستگیری عناصر قومی افراطی، حمایت از عناصر قوم گرای زندانی، ندادن اجازه چاپ و نشر کتب آذری به تحریک اقوام برای درگیری به قصد برهم زدن امنیت ملی. متهم با درج مطالب توهین آمیز اقدام به توهین به ملت ایران تحت عناوین ناپسند و زشتی چون دزدی، مسخرگی، هیزی، حقه بازی، پارتی بازی، تملق، هوجبگری، شارلاتانی و نفاق نموده و با بیان عباراتی چون "آذری های غیور غیرتتان کجاست؟ ای ترسویمان زبان ترکی، قهرمانان زبان فارسی باشید، سعی در تحریک اقوام ایرانی برای ایجاد درگیری با یکدیگر نموده است که از جمله اقدامات مجرمانه وی می باشدو رفتارهای مجرمانه متهم در تشکیل جمعیت و گروه جهت برهم زدن امنیت کشور به نوعی بوده که در اقراریه و اعترافات خود به برگزاری جلسات مضر، با عناصر تجزیه طلب در راستای تجزیه کشور، تلاش برای برگزاری مراسم غیرقانونی روز به اصطلاح زبان مادری، ایجاد صفحه فیس بوک در خصوص راه اندازی کمیته ۱۰۰۰ امضایی، تهیه طومار و جمع آوری امضا برای فشار بر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در راستای اخذ مجوز برای برگزاری مراسم غیر قانونی روز به اصطلاح زبان مادری، تهیه روز شمار ۲۹ روز تا ۲۸ اسفند، تحت عنوان سوم بهمن ماه تا دو اسفندماه که این روز شمار هر روز از طریق صفحه فیس بوک متهم تهیه، طراحی و منتشر گردیده است، راه اندازی اردوهای کوه نوردی و دانشجویی جذب و ساماندهی عناصر قومی و پان ترکیسم، دادن سفارش تهیه پوستر و بروشورهای تبلیغاتی به یکی از مرتبطين در راستای مراسم برگزاری روزیه اصطلاح زبان مادری، ایجاد صفحه فیس بوک زبان به اصطلاح مادری، جلب و کسب اعتماد عناصر ضد انقلاب و برانداز از جمله عباس لسانی، حمید منافی، اکبر آزاد، حسین محمدخانی در داخل کشور و احمد یوسفی سادات با نام مستعار احمد اوبالی و محمود علی چهرگانی از عناصر تجزیه طلب و برانداز گروهک های

شماره ۱۳۹۷/۱۴/۰۲/۱۶ - کیلومتر ۲۵ - نسیم شهر - میدان هفت تیر - ابتدای بلوار غیر آباد - خیابان دادگستری - دادگستری شهرستان بهارستان

گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

سازمان عفو بین الملل

«فلا تقيموا الهوى ان تغفلوا»

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۲۹۹۱۰۱۲۵۰
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰
شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶
شماره بایگانی شعبه: ۹۳۰۰۴۱

شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

غیرقانونی گاموح و بنی گاموح در خارج از کشور ، مصاحبه با سایت غیرقانونی و تجزیه طلب اویان نیوز وابسته و عنصر تجزیه طلب و معاند ساکن ترکیه جهت تبلیغ علیه نظام و تهیه نمودن خوراک تبلیغاتی برای شبکه های ماهواره ای و برانداز مثل گوناژ تی وی ، تحریک عناصر قومی و پان ترکیست در سراسر کشور جهت تجمع مقابل استانداری ها و اخذ مجوز روزه اصطلاح زبان مادری ، سیاه نمایی علیه نظام در خصوص وجود رعب و وحشت و ارباب در کشور ، نشان دادن علامت بوز گورد که نماد پان ترکیستی است توسط متهم ، تشبیه حاکمیت نظام به فاشیست و شومنیست، افشای موقعیت و نقشه فضای داخل بند ۲۰۹ زندان امنیتی لوین ، جمع آوری و انتقال اطلاعات طبقه بندی شده ، جو سازی و مخدوش نمودن اذهان عمومی پیرامون قضات و قوه قضائیه ، حمایت سیاسی و تبلیغاتی از زندانیان ضد انقلاب و خانواده متهمین محکوم شده از جمله عباس لسائی و آیت مهرعلی بیگلر ، تبلیغ فرش منقوش به پرچم کشور آذربایجان در صفحات اجتماعی خود ، که جعلگی دلالت بر بزه انتسابی به وی موضوع کیفرخواست اصنادی دادسرا دارد . حسب محتویات و گزارشات ارسالی مامورین نهاد امنیتی در زمان دستگیری متهم اسناد و مدارکی از جمله صورتجلسه تشکیلاتی عناصر تجزیه طلب پان ترکیسم ، کتب غیر مجاز و کتبی که در راستای اهداف تجزیه طلبانه مورد استفاده قرار گرفته ، اسناد و مدارک و جزوات آموزشی پیرامون نحوه جذب و راه اندازی هسته های تشکیلاتی، اسناد و مدارک دال بر طراحی تقویم سالانه با محتوای قومی و تجزیه طلبی ، طراحی پوستر غلامرضا امینی (از عناصر تجزیه طلب پان ترکیسم) که در صفحه اصلی سایت غیرقانونی و تجزیه طلب گاموح قرار داده شده ، تصاویر دسته جمعی تشکیلات تجزیه طلب قومی ، آذری و نمایش دادن علامت بوزگورد (نماد پان ترکیسم) با دست توسط آنان، اسناد و مدارک در خصوص عکس های دسته جمعی علیرضا فرشی (متهم) و نشان دادن علامت بوزگورد که نماد پان ترکیسمی است توسط متهم ، عکس ها و مدارک دال بر ارتباط گیری با عناصر تشکیل دهنده گروهک های غیر قانونی و برانداز گاموح و بنی گاموح ، اسناد مربوط به فعالیت های متهم در راستای رسمی نمودن زبان ترکی در کشور ، تبلیغ و قرار دادن عکس رهبران گروهک های تجزیه طلب پان ترکیسم در صفحات اجتماعی توسط متهم ، جعلگی دلالت بر اقدامات مجرمانه متهم در تشکیل و راه اندازی جمعیت و گروه جهت بر هم زدن امنیت و آسایش عمومی کشور دارد حسب گزارش های مکرر و پیوسته وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مضبوط در پرونده ، متهم دیگر پرونده اکبر آزاد بابالو فرزند سلطان حسب کیفرخواست اصنادی و گزارشات مضبوط در پرونده ، فعالیت های سیاسی خود را از قبل از انقلاب با معاشرت با اعضای حزب پان ایرانیست و با عضویت در حزب رستاخیز آغاز می کند ، وی در زمان عضویت در حزب رستاخیز یکی از عناصر فعال بوده به گونه ای که اقدام به طراحی آرم برای این حزب نموده و در سوابق وی اظهارات سلطنت طلبانه و همکاری با ساواک موجود می باشد. پس از انقلاب و در سال ۱۳۷۰ نامبرده تحت پوشش فعالیت های فرهنگی به همراه تعدادی از عناصر پان ترکیسم که برخی از آنها هم اینک متواری و در کشورهای متخاصم اقدام به فعالیت علیه جمهوری اسلامی ایران می نمایند ، اقدامات قوم گرایانه خود را آغاز و تا کنون شش بار دستگیر شده و بارها نیز با دعوت از مشارالیه مورد توجیه و ارشاد قرار گرفته است . همچنین در سوابق وی احضار یاد شده توسط سازمان قضائی نیروهای مسلح در خصوص کتاب های ترکی استانبولی موجود می باشد که متاسفانه تاثیری در پیشگیری از اقدامات ضد امنیتی وی نداشته است اکبر آزاد با نگارش مقالات مختلف ، سخنرانی ها عضویت در گروه دینی گاموح ، برگزاری مراسم هایی نظیر قلعه بابک و سخنرانی در سالگرد ستارخان و کوهنوردی اقدامات زیادی در جهت اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام از طریق حمایت از محکومین امنیتی همچون اعضاء و سر کردگان گروهک تجزیه طلب بنی گاموح و عباس لسائی عنصر تجزیه طلب و معاند نظام و سعید متین پور محکوم به انجام جرم جاسوسی ، متهم نمودن محاکم جمهوری اسلامی ایران به صدور احکام غیر شرعی و غیر قانونی، تحریک اقوام آذری برای ایجاد جنگ و کشتار بر علیه اقوام ایرانی از جمله اکراد و فارسی ها و ارامنه ، نشر اکاذیب از طریق نامه نگاری به دبیر کل سازمان ملل و سیاه نمایی علیه نظام ، تبانی بر ضد امنیت ملی از جمله عضویت در گروهک های تجزیه طلب بنی گاموح ، جعل تاریخ و جعل سرزمین ، شرکت در جلسات قوم گرایانه از جمله جلسه غیرقانونی روز به اصطلاح زبان مادری در روز دوم اسفند واقع در شهرستان بهارستان با مضامین تجزیه طلبانه ، ارتباط نزدیک با عناصر تجزیه طلب و پان ترک همچون حسن راشدی ، بهنام شیخی ، حمید منافی ، آیت مهرعلی بیگلر ، شهرام رادمهر ، محمود فضل ، علیرضا فرشی ، رستم کاظم پور، ربابه موسوی ، یوسف بنی طرف ، مصاحبه با شبکه های معاند جمهوری اسلامی ایران از جمله سی ان ان و الجزایر ، تردد در سفارت آذربایجان و دیدار با اتباع کشورهای جمهوری آذربایجان و برخی اتباع کشور سوئد فعال در زمینه به اصطلاح حقوق بشری و سفر به کشور جمهوری آذربایجان و ترکیه به بهانه تجارت در حالی که نامبرده اساسا سابقه فعالیت تجاری ندارد تلاش برای ایجاد نماد و الگو برای جوانان از طریق اطلاق عنوان شهید به کشته شده در جریانات اغتشاشها و آشوب های سال ۱۳۸۵ در شهر نرده و مناسبت سازی روز پنجم خرداد (سالروز کشته شدن معترضین اغتشاشات) به عنوان روز شهید در مقابل روز ۲۲ اسفند که در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران روز شهید نامبرده شده است، طرفداری و تبلیغ سید جعفر پیشه وری عنصر تجزیه طلب و موسس فرقه دموکرات آذربایجان و موسس حکومت به اصطلاح ملی آذربایجان و یاد کردن از این شخص ضد دین و مارکسیست به عنوان شهید برای احیای افکار تجزیه طلبانه وی ، حضور در مراسم دفن و سالگرد صفرخان (عضو فرقه دموکرات) و تجلیل از وی ، تماس با شبکه تجزیه طلب گوناژ تی وی و تاثیر پذیری از افکار تجزیه طلبانه مدیر (احمد اوبالی) و مجریان شبکه ، تحریک مردم

«فلا تظنوا انهنى ان تغفلوا»

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۲۹۹۱۰۱۲۵۰
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱
شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶
شماره بایگانی شعبه: ۹۲۰۰۴۱

شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

به ایجاد حکومت فدرالی بر خلاف قانون اساسی از جمله اقدامات متهم بوده که در گزارشات و مستندات ابرازی نهاد های امنیتی در پرونده مضبوط می باشد. نامبرده از جمله تئوریسین های حرکت به اصطلاح ملی آذربایجان می باشد که به واسطه سابقه اقدامات قوم گرایانه خود چهره ای شناخته شده در داخل و خارج کشور می باشد بر اساس اعترافات صریح محکومین گروهک تجزیه طلب ینی گاموچ که در پرونده مضبوط می باشد متهم از اولین مراحل تدوین مرام نامه و نظام نامه گروهک با تشکیل جلسات متعدد در منزل خود و سایر اعضا از اهداف واگرایانه و تجزیه طلبانه گروهک آگاه بوده و مطابق اعترافات محکومین مقرر گردیده بود که وی به عنوان اولین دبیر کل گروهک ینی گاموچ انتخاب شود ، گروهک مزبور پس از انتخاب برخی از اعضا از گروهک گاموچ با برگزاری جلسات محفلی متعدد در اماکن مختلف مبادرت به تشکیل گروهی بنام ینی گاموچ (حرکت نو بیداری ملی آذربایجان به اصطلاح جنوبی) با مشی ضد امنیتی نموده و موجودیت خود را اعلام می نماید علیرغم ادعای محکومین مبنی بر آشکار بودن فعالیت آنها مستندات موجود از جمله انتخاب نام مستعار برای اعضای کمیته مرکزی ، قرار گاه مخفی پیش بینی شده در نظام نامه ، برگزاری جلسات گروهی در پوشش کوهنوردی ، ایجاد نشریه ها و موسسه ها و صندوق های غیر علنی مذکور در نظام نامه و برقراری ارتباطات پنهان از جمله دلایل مخفی و غیر علنی بودن آن است. همچنین عبارت " تشکیلات حرکت نو بیداری آذربایجان به اصطلاح جنوبی (ینی گاموچ) تشکیلاتی است سیاسی اجتماعی که برای وحدت آزادی ملی ،دموکراتیک شدن ، پیشرفت و رفاه عمومی ملت ترک آذربایجان به اصطلاح جنوبی مبارزه می نماید. تصریح به تشکیلاتی بودن این جمعیت که همراه مشی تجزیه طلبی و ضد تمامیت ارضی آن است. براساس اعترافات محکومین و متهم (اکبر آزاد) مضامین مندرج در نظام نامه ، مراننامه ، بیانیه ها و مقالات حاکی از اعتقاد ایشان به سرزمینی مستقل به نام آذربایجان به اصطلاح جنوبی (جعل سرزمین) شامل تمامی مناطق ترک نشین ایران (آذربایجان شرقی و غربی ، اردبیل، زنجان،همدان و قزوین)واقع در قسمت جنوبی رود ارس بوده و به دلیل تفاوت زبانی با سایر اقوام ایران تشکیل یک ملت (نه قوم) از ملت ایران را داده اند لذا حق دارند بر اساس اصول مندرج در قطعنامه های بین المللی (حق تعیین سرنوشت)و طی یک رفتارندوم نظام سیاسی خود را اعم از استقلال یا فدرالیسم انتخاب نمایند . بر اساس مستندات موجود که نهاد های امنیتی در پرونده ارائه نموده اند نامبرده با سوء استفاده از عنوان مصطلح " ممالک محروسه شامل ایالت آذربایجان" که در زمان حکومت قاجار برای منطقه آذربایجان استفاده می شده است و با تعیین مرز برای آذربایجان به اصطلاح جنوبی عنوان اطلاق وی و هم مسلکانش به بخش های آذری نشین کشور ، اعتقاد به مجزا بودن این منطقه از سایر مناطق ایران به لحاظ تاریخی می باشد نامبرده بر اساس مقاله (صدای خشونت) معتقد است که منطقه آذربایجان کنونی (استان های آذری نشین ایران ، قسمتی از سرزمین کهن آذربایجان شامل جمهوری آذربایجان ، قسمتی از ارمنستان، ترکمنستان ، گرجستان ، ترکیه می باشد که در ترکیب ایران (و نه جزء ایران) می باشد لذا طبق اسناد موجود (مقالات و اعترافات) خواستار احیای آن و ایجاد حکومت فدرالی و تشکیل ایالت آذربایجان در مقابل رفتار منفی جمهوری اسلامی ایران می باشد. متهم با این گونه تحریفات تاریخی ، سرزمینی در پی القای این مطلب به جهانیان می باشد که جمهوری اسلامی ایران یک کشور کثیر المله نه کشور کثیر الاقوام می باشد تا از طریق و بنا بر آنچه به عنوان (هویت ملی) آمد با ایجاد هویت ملی کاذب ، موجودیت سیاسی و مدنی این ملت مجعول از طریق ملل و دول دیگر دنیا به رسمیت شناخته شود که به وضوح نیات جدایی طلبانه و مغایر با اصول قانون اساسی در خصوص تمامیت ارضی (اصل نهم قانون اساسی) را بیان می کند. که با توجه به اعترافات پنج نفر از محکومین گروهک ینی گاموچ و نص صریح مراننامه و نظام نامه ، بیانیه ها ، نامه ها در خصوص تشکیلات سیاسی بودن گروهک به همراه اقدامات اعضا گروهک از جمله متهم در راستای ملت سازی از طریق جعل سرزمین ، تاریخ ، نژاد و پرچم که نمایانگر زمینه فکری متهم می باشد و نیز تعیین اسامی مستعار ، تعیین قرار گاه مرکزی مخفی ،موسسه ها ، نشریات و صندوق های غیر علنی (مندرج در اساننامه) ایجاد ارتباطات پنهان ، تشکیل محافل گروهکی در منازل اعضا یا تحت پوشش کوهنوردی، سابقه محکومیت و دستگیری همه اعضا کمیته مرکزی حاکی از تشکیلاتی بودن گروهک و ضد امنیتی بودن اقدامات آنهاست که این امر دلالت بر اقدامات مجرمانه متهم در تلاش برای ایجاد جمعیت و گروه جهت بر هم زدن امنیت کشور بوده است و از جمله اقدامات و فعالیت های تبلیغی متهم علیه نظام که هدفی جز تشکیل جمعیت و گروه جهت ارتکاب جرم نمی باشد عبارتند از نگارش چندین مقاله از جمله (صدای خشونت ۲۱) ، جان بر کفان ، عباس لسانی را می شناسم (ضمن جانبنداری از محکومان امنیتی از جمله اعضای گروهک تجزیه طلب ینی گاموچ ، سعید متین پور) (محکوم امنیتی به دلیل ارتکاب جرم جاسوسی) عباس لسانی (عنصر تجزیه طلب و دارای محکومیت متعدد به واسطه اقدامات ضد امنیتی) اقدام به تبلیغ علیه محاکم قضایی جمهوری اسلامی ایران نموده و با عناوینی چون در احکام غیر عادلانه و غیر شرعی عدم اجازه حضور وکیل از سوی محاکم در جلسه دادرسی اقدام به تبلیغ علیه نظام نموده است که اهداف نامبرده در اقدام و ایجاد اعمال فشار توسط کشورهای متخاصم و مراجع بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به منظور تیل به اهداف تجزیه طلبانه می باشد. بر اساس اسناد و مدارک ابرازی وزارت اطلاعات متهم با درخواست از اهل قلم برای ارسال اسناد و مدارک مربوط به نسل کشی فرهنگی اقدام به سیاه نمایی علیه جمهوری اسلامی ایران نموده است، وی جمهوری اسلامی را به تلاش برای هویت زدایی از مردم مناطق آذری نشین از طریق ایجاد استانهای مختلف در مناطق آذری نشین نموده است. نامبرده در مقالات خود به منظور تشویش اذهان عمومی حاکمان ایران را در یک صد

نشانی: چاده ساوه - کیلومتر ۲۵ - نسیم شهر - میدان هفت تیر - ابتدای بلوار خیر آباد - خیابان دادگستری - دادگستری شهرستان بهارستان

«فلا تتبعوا أهوى أن تغدوا»

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۲۹۹۱۰۱۲۵۰
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱
شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶
شماره بایگانی شعبه: ۹۲۰۰۴۱

شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

سال گذشته (که شامل دوره حاکمیت جمهوری اسلامی نیز می شود) به اعمال ستم علیه ترکان متهم نموده است. بر اساس اسناد ابرازی متهم در جریان سخنرانی (در جلسه ستارخان) حاکمیت را به ورود مواد مخدر به آذربایجان برای زمین گیر کردن جوانان و اعمال سیاست مهاجرت اجباری جوانان به منظور آسیب دیدن مردم آذربایجان به همراه نشان دادن علامت بزقورد(گزگ خاکستری) که علامت ویژه پان ترکیست می باشد نموده است. متهم بر اساس اسناد ابرازی اداره اطلاعات، مجلس شورای اسلامی را متهم به هیت زدایی از مناطق آذری نشین با بهانه مبارزه با پان ترکیسم و البته اقدام به تشویش اذهان عمومی نموده است: نامبرده نمایندگان کرد مجلس شورای اسلامی را به تلاش برای تجزیه آذربایجان و الحاق آن به کردستان متهم نموده و از این طریق موجب تشویش اذهان عمومی مردم آذربایجان شده است . متهم دیگر حمید منافی نظولو فرزند حسین با سابقه کیفری برابر گزارشات و مدارک و اسناد ابرازی وزارت اطلاعات و باز جویی های انجام گرفته فعالیت های قوم گرایانه خود را از دهه هشتاد و در پی ارتباط گیری با سایر عناصر قوم گرای افراطی آغاز می کند متهم همراه یکی دیگر از عناصر پان ترکیست (بهنام شیخی) با هدف ایجاد آشوب و اغتشاش در تهران به تبریز عزیمت نموده و ضمن شرکت در تجمع مورخ ۱۳۹۰/۰۲/۱۶ هدایت آشوبگران و اغتشاش گران را به عهده می گیرد که پس از دستگیری نامبرده به همراه بهنام شیخی به اتهام اجتماع و تبانی بر علیه امنیت کشور در شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز مورد محاکمه قرار گرفته و بنا بر نظر مرجع قضایی هر کدام به دو سال حبس تعزیری محکوم می شوند که نیمی از محکومیت متهم بنا بر تشخیص دادگاه به مدت پنج سال تعلیق می شود متهم پس از آزادی ضمن برقراری ارتباط با تشکیلاتی با عناصر سابقه دار پان ترکیسم کماکان به اقدامات ضد امنیتی و تجزیه طلبانه خود ادامه داده و ضمن دیدار با خانواده سعید متین پور (یکی از عناصر تجزیه طلب آذری محکوم به جاسوسی) و تجلیل از وی و تاکید بر ادامه راه متین پور و برقراری ارتباط با عناصر افراطی قوم گرا همچون عباس لسانی و روحانی خلع لباس شده عظیم عظیمی قدیم در اردبیل و مرند و اخذ رهنمودهای تشکیلاتی از این عناصر به منظور تحریک آذری های مقیم استان تهران به ویژه شهرستان بهارستان جهت نیل به مقاصد گروهی و در راستای اهداف از پیش تعیین شده به همراه سایر متهمین از جمله علیرضا فرشی و رستم کاظم پور ، بهنام شیخی ، عظیم فرشی ، منصور فتحی ، ضمن تشکیل جلسه ای تشکیلاتی در مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ اقدام به تبانی علیه امنیت ملی و برنامه ریزی برای برگزاری جلسه ای غیر قانونی در پوشش جشن تولد همسر احدی از متهمین (منصور فتحی) و با هدف تحریک قوم آذری ساکن منطقه و تبلیغ علیه نظام مبنی بر تلاش نظام و حاکمیت برای از بین بردن زبان ترکی آذربایجانی می نماید . متهم یکی از عناصر اصلی برگزار کننده مراسم غیر قانونی دوم اسفند پس از مداخله نیروی انتظامی ضمن ترمد از دستورات مأمورین با تحریک حاضرین و ایجاد آشوب و شکستن شیشه محل جلسه اقدام به تهدید احدی از مأمورین نیروهای انتظامی به وسیله شی برنده نموده ضمن فراری دادن برخی از متهمین خود نیز متواری می گردد . بر اساس اسناد و مدارک ابرازی مضبوط در پرونده پس از بازرسی منزل متهم جزوه آموزشی ضد باژجویی ، جزوه آموزش های حقوقی برای فعالان قوم گرا ، تقویم های تولید شده توسط قوم گرایان با ذکر مناسبت های قوم گراها ، سی دی های سخنرانی برخی از عناصر پان ترک از جمله عظیم قدیم ، جزوه آموزش مبارزه با نافرمانی مدنی از وی کشف می شود متهم حمید منافی به اتفاق متهمین دیگر پرونده عناصر قوم گرا و تجزیه طلب از جمله بهنام شیخی ، عظیم فرشی ، منصور فتحی ، علیرضا فرشی ، اسرافیل سلطانیان ، هادی صادقی ، باقر محمد خانی ، ابوالفضل میرزاخانی ، رستم کاظم پور قبل از برگزاری جلسه غیرقانونی روز دوم اسفند با تشکیل جلسه ای تشکیلاتی در مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۹۲ در منزل منصور فتحی اقدامات لازم را جهت ایجاد هاهنگی انجام و در همین راستا وظایف تشکیلاتی به وی واگذار می گردد لازم به توضیح است برابر گزارشات واصله در جلسه مذکور اقدامات به عمل آمده از جمله تهیه و تکثیر و توزیع اوراق مربوط به سرود ملی آذربایجان و قرائت دسته جمعی آن توسط حاضرین (در مقابل سرود ملی جمهوری اسلامی ایران) تهیه لوح های تقدیر به منظور تجلیل از عناصر سابقه دار و محکومین امنیتی تجزیه طلب همچون سعید متین پور (عنصر تجزیه طلب محکوم به جاسوسی) اکبر آزاد و مهدی نعیمی با خط الرسم جمهوری آذربایجان در مقابل خط رسمی جمهوری اسلامی ایران و در مقابل پرچم جمهوری اسلامی ایران و مهور به مهر حرکت ملی آذربایجان به اصطلاح جنوبی ((گونتی آذربایجان ملی حرکت)) نصب پرچم جعلی آذربایجان در مقابل پرچم جمهوری اسلامی ایران ، نصب عکس عناصر تجزیه طلب همچون سید جعفر پیشه وری (رئیس و موسس فرقه دموکرات آذربایجان) و زهتابی بر سینه برخی از شرکت کنندگان حاکی از تشکیلاتی و تجزیه طلبانه بودن جلسه مذکور در پوشش جشن تولد و بزرگداشت روز به اصطلاح زبان مادری می باشد که جعلی دالات بر اقدامات مجرمانه متهم در تشکیل جمعیت و گروه برای برهم زدن امنیت و آسایش عمومی کشور می باشد. متهم حمید منافی نظولو قبل از دستگیری با انتشار مقالات در فضای مجازی و بعد از برگزاری مراسم غیر قانونی دوم اسفند ضمن قرار اقدام به انتشار اخبار کذب و ارسال آن به سایت ها اقدام به جوسازی و تبلیغ علیه نظام نموده است . متهم دیگر بهنام شیخی سامانلو فرزند رشید دارای سابقه کیفری بر اساس محتویات پرونده ، مستندات ابرازی و مدارک موجود و گزارشهای مکرر وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران فعالیت های قوم گرایانه خود را از سال ۱۳۸۳ آغاز نموده و ضمن حضور در اکثر مراسمات و تجمع قوم گرایان از جمله قلعه بابک، شرکت در مراسم به اصطلاح بزرگداشت ستارخان ، بزرگداشت صفرخان (عضو فرقه تجزیه طلب دموکرات آذربایجان) بزرگداشت روز ۲۱ آذر (روز تشکیل حکومت فرقه دموکرات آذربایجان) فعالیت های خود را تشدید نموده

ب. فذ ۲۰۱۶/۰۲/۱۴ - ۲۵ کیلومتر شهر - میدان هفت تیر - ابتدای بلوار خیرآباد - خیابان دادگستری - دادگستری شهرستان بهارستان

گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

سازمان عفو بین الملل

«فلا تبهوا ألهوى ان تملوا»

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۷۲۹۹۱۰۱۲۵۰
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱
شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶
شماره بایگانی شعبه: ۹۳۰۰۴۱

شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

است نامبرده در راستای فعالیت های قوم گرایانه خود در سال ۱۳۸۵ به بهانه چاپ کاریکاتور موهن روزنامه ایران اقدام به حضور در تجمع غیرقانونی در مقابل مجلس شورای اسلامی نموده که توسط عوامل انتظامی بازداشت می شود و با اخذ تعهد مبنی بر عدم فعالیت های قوم گرایانه از زندان آزاد می گردد ، لیکن پس از آزادی مجدد به فعالیت های قوم گرایانه و تجزیه طلبانه خود ادامه داده که در همین راستا همراه برخی از عناصر تجزیه طلب در مسابقه فوتبال بین تیم ملی ایران با جمهوری آذربایجان اقدام به نصب پرچم جمهوری آذربایجان بر روی سینه و صورت خو می نماید متهم در سال ۱۳۸۷ ضمن حضور در مراسم غیر قانونی عناصر پان ترکسم به بهانه بزرگداشت ستارخان در شهر ری بار دیگر بازداشت می گردد لیکن مجدد مورد رافت اسلامی قرار گرفته و با اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم فعالیت های قوم گرایانه از زندان آزاد می گردد لیکن مجدد به فعالیت های خود ادامه داده و با توجه به فضای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ فعالیت های قوم گرایانه خود را همراه با سایر عناصر قوم گرا و تجزیه طلب تشدید می نماید و در همین راستا اقدام به تشکیل شورای فعالیت تهران با هدف ورود به موضوع انتخابات ریاست جمهوری و حمایت از نامزد انتخاباتی مورد نظر خود اکبر اعلمی می نماید و پس از رد صلاحیت مشارالیه ضمن صدور انتشار بیانیه های مختلف اقدام به زیر ستوال بردن کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران شده و موضوع تحریم انتخابات را مطرح می نماید . متهم با هدایت افسر اطلاعاتی کشور جمهوری آذربایجان ضمن هدایت و ساماندهی عناصر قوم گرا و تجزیه طلب استان تهران اقدام به حضور در برنامه سخنرانی نامزدهای انتخاباتی با قصد طرح مطالب تجزیه طلبانه و بر هم زدن نظم عمومی بوده و تحریکاتی را در همین راستا انجام داده اند متهم برابر گزارشات مسووت و مضبوط در پرونده از سال ۱۳۸۴ به کشور آذربایجان (تحت پوشش خرید البسه و تجارت) تردد داشته که در این سفرها اقدام به ارتباط گیری با عناصر سرویس اطلاعات جمهوری آذربایجان و یکی از عناصر شاخص تجزیه طلب بنام جعفر پشتو با نام مستعار آغری می نماید بطوری که طی سفرهای متعددی که به آذربایجان و باکو داشته است در منزل عنصر یاد شده اقامت نموده است نامبرده ارتباط مستمری با آغری داشته به گونه ای که کلیه اخبار و اطلاعات فعالیت های عناصر قوم گرا در استان تهران و کشور از طریق ارتباط تلفنی و همچنین از طریق ایمیل برای سرویس های اطلاعاتی آذربایجان ارسال می نمود و رهنمودهای تشکیلاتی از وی اخذ می نمود در همین راستا عنصر اطلاعاتی کشور آذربایجان در مقطع انتخابات ۱۳۸۸ در جهت تاثیر گذاری در روند انتخابات طی ارتباط با بهنام شیخی خواستار اعزام یکی از فعالان قوم گرا بنام محمود اچاقلو با نام مستعار تایماز به جمهوری آذربایجان جهت انتقال محموله ای مشخص به داخل کشور می گردد، متهم نیز با هدایت آغری و هماهنگی با عنصر اطلاعاتی سفارت آذربایجان در تهران اقدام به تهیه ویزا و اعزام محمود اچاقلو به کشور آذربایجان می نماید محمود اچاقلو در تاریخ ۱۲/۳/۱۳۸۸ طی تماسی با بهنام شیخی اعلام می دارد که وارد باکو شده و تماسی با آغری (عنصر اطلاعاتی کشور آذربایجان) داشته است محمود اچاقلو در تاریخ ۱۳۸۸/۰۳/۱۵ وارد ایران شده و تعداد ۴۰۰ عدد لوح فشرده ، مبلغ پانصد دلار و سایر اقلام از جمله تراکت هایی با مضامین قوم گرایانه را تحویل بهنام شیخی (متهم) نموده است حسب اسناد و مدارک ابرازی از وزارت اطلاعات متهم به دلیلی فعالیت های تجزیه طلبانه در سال ۱۳۸۸ بازداشت و روانه زندان می شود لیکن پس از آزادی مجدد فعالیت های خود را ادامه می دهد از جمله برگزاری جلسات تشکیلاتی با هدف انسجام بخشی به فعالیت های قوم گرایانه در سطح شهرستان بهارستان حضور فعال در برنامه ها و تجمعات غیرقانونی عناصر پان ترکست، شمار نویسی و هدایت برخی از عناصر برای انجام شمار نویسی یا مضامین قوم گرایانه در سطح شهرستان بهارستان ارتباط و مصاحبه با شبکه ضد انقلابی و تجزیه طلب گوناگون تی وی. متهم پس از سال ۱۳۸۸ و آزادی از زندان فعالیت های خود را تشدید نمود تا اینکه در سال ۱۳۹۰ به دلیل حضور در تجمعات و اغتشاشات صورت گرفته در شهر تبریز به بهانه خشکاندن دریاچه ارومیه و همچنین تدارک انجام یک تجمع اعتراض آمیز در سطح شهرستان بهارستان بازداشت و به تبریز منتقل گردید که مجدد به دلیل فعالیت های تبلیغی علیه نظام به شش ماه حبس تعزیری محکوم گردید که در مرحله اجراست متهم بر اساس اسناد ابرازی و مستندات موجود در پرونده پس از آزادی از زندان مجدد فعالیت های خود را ادامه داده و با توجه به ارتباطات خاص با عناصر گروهک های غیر قانونی و تجزیه طلب از جمله گاموح وینی گاموح اقدام به تشکیل جمعیت و جذب عناصر ترک زبان به تشکیلات خود نمود وی به همراه سایر متهمین پرونده تحت عنوان کلاسهای آموزش زبان ترکی اقدام به برگزاری جلسات تشکیلاتی در منزل خود ومنزل سایر عناصر گروه در سطح شهرستان بهارستان می نمود متهم با هدایت برخی از افراد مرتبط با خود اقدام به جذب افراد ترک زبان شهرستان بهارستان برای حضور در بازی های تیم تراکتورسازی در تهران و انجام اقدامات ضد امنیتی با هدف طرح مطالبات قوم گرایانه خود می نمود و در همین راستا بارها اقدام به برنامه ریزی و تهیه وسیله ایاب و ذهاب برای عظیمت افراد مختلف از شهرستان بهارستان به استادیوم های فوتبال که تیم تراکتور سازی در آن بازی داشت می نمود .متهم همزمان با وقوع زلزله آذربایجان به همراه سایر عناصر گروه از جمله علیرضا فرشی و حمید منافی فعالیت های خود را تشدید نمودند و به بهانه زلزله آذربایجان اقدام به سیاه نمایی و تبلیغ علیه نظام نمودند البته اقدامات مجرمانه متهم در تشکیل جمعیت غیرقانونی با هدف برهم زدن امنیت کشور بر اساس مستندات ابرازی ، اسناد مکشوفه از وی برای دادگاه محرز گردیده برابر گزارشات مکرر و متوالی وزارت اطلاعات و اسناد مکشوفه از سایر متهمان (علیرضا فرشی ، حمید منافی و اکبر آزاد) و اقدامات مجرمانه در یارگیری برای تشکیل جمعیت غیرقانونی با هدف برهم زدن امنیت کشور به قصد ایجاد اختلافات مذهبی و زبانی ، تحریف رویدادها ، جعل

ب. پ. ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ - چاهک - ۲۵ کیلومتر - نسیم شهر - میدان هفت تیر - ابتدای بلوار غیر آباد - خیابان دادگستری - دادگستری شهرستان بهارستان

گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

سازمان عفو بین الملل

«فلا تتبموا الهوى ان تغدوا»

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۲۹۹۱۰۱۲۵۰
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱
شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶
شماره بایگانی شعبه: ۹۲۰۰۴۱

شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

وقایع ، سیاسی کاری و نادیده گرفتن محدوده فرهنگی جامعه ایران که به مراتب بزرگتر و بیشتر از محدوده سیاسی و جغرافیایی است قدرت عظیم یک ملت را به سوی فروپاشی سوق می دهند بدون آنکه خود صاحب اقتدار شوند. جملگی باعث مخدوش نمودن امنیت و آسایش عمومی جامعه و برهم زدن این امنیت که با سختی و مجاهدت تمام ایجاد شده گردیده اند ، متهمان که عامل اصلی برگزار کننده این گونه جلسات می باشند که نهاد های امنیتی به کرات در گزارشها اعلام نموده اند به همراه هم مسلک های داخلی و خارجی خود با استفاده از تاکتیک های مختلف از جمله جعل تاریخ ، جعل سرزمین ، جعل پرچم ، جعل نژاد جعل حروف الفبا در رسم الخط در پی ملت سازی (در مقابل قومیت) برای استفاده از حقوق همچون (حق تعیین سرنوشت) هستند که حقوق بین المللی برای ملت های تحت استعمار شناسایی کرده است ، متهمان با طرح مسائل واهی همچون اشغال سرزمین آذربایجان توسط ایران و کشتار آذربایجانی ها توسط فارسی زبان ها ، اکراد و ارامنه و نامیدن خود به عنوان ملت های تحت ستم یا به عبارت دیگر ملت هایی که سرزمین آنها توسط اشغالگران تصرف و مورد ستم می باشند به دنبال ایجاد اختلافات قومی بین آذری ها و اکراد و سایر اقوام و نیز ایجاد اختلافات مذهبی بین مسلمانان و ارامنه به منظور ایجاد اختلاف بین مردم ایران و ایجاد آشوب و درگیری در کشور می باشند تا از این طریق زمینه مداخلات کشورهای متخاصم و سازمان های به اصطلاح حقوق بشری را فراهم آورده و به اهداف شوم خود در تجزیه کشور دست یابند متهمان که از جمله اعضای گروهک یمنی گاموح می باشند با مصادره به مطلوب نمودن (اصل حق تعیین سرنوشت) به منظور بهره گیری از این اصل اقدامات مجعول گسترده ای را انجام داده اند که از جمله آن می توان به ارتقاء خود از قوم به ملت تنها به واسطه اختلاف زبانی و صرف نظر از اینبوهی از اشتراکات مذهبی ، نژادی ، تاریخی و فرهنگی همان گونه که در مرام نامه ، نظام نامه ، بنیانه ها ، نامه ها ، اسناد و بازجویی ها ، همواره از واژه مجعول ملت آذربایجان به جای قوم استفاده نموده و با این اقدام درصدد الفاء این واقعیت مجعول هستند که مردم آذربایجان ملتی جدا از سایر مردم ایران هستند و با جعل سرزمین (آذربایجان به اصطلاح جنوبی شامل آذربایجان شرقی و غربی ، اردبیل ، زنجان ، قسمت هایی از استان همدان و قزوین و گیلان) جعل پرچم برگرفته از پرچم جمهوری آذربایجان و بعضاً کشور ترکیه (که خود بیانگر مشی تجزیه طلبانه و الحاق گرایانه این گروهک می باشد) جعل نژاد (اعتقاده اینکه آذری ها از مغولان و سومریان هستند و از نژاد آریایی ها و به طور کلی هم نژاد سایر ایرانیان نیستند) جعل حکومت(قوم گرایان افراطی یکی از دلایل مطرح شده برای ملت سازی خود استناد به حکومت یک ساله غیرقانونی فرقه دموکرات آذربایجان به سرکردگی سید جعفر پیشه وری با اتکا هزاران سال حاکمیت مشترک در سرزمین ایران تحت سلسله های مختلف و بعضاً حاکمان ترک عنوان می کند) جعل تاریخ (قوم گرایان افراطی با جعل وقایع تاریخی همچون بابک خرمدین ، قیام ستارخان ، شیخ محمد خیابانی ، اقدام به تاریخ سازی مجزا ، از تاریخ ایران و مبارزه سرداران این منطقه را (با تحریف واقعیت) برای جدایی منطقه آذربایجان از ایران ذکر می کنند که همگی این جملیات به این منظور صورت می گیرد که قوم گرایان افراطی وابسته به محافل پان ترکیسم ، در پی جعل ملت آذربایجان برای معرفی خود به عنوان ملت تحت استعمار ایران (همان گونه که متهم دیگر علیرضا فرشی با معرفی کتابی تحت عنوان (صد سال استعمار) بر این امر صحنه گذاشته است) و به عبارت دیگر ملت تحت ستم (ادعای اشغال آذربایجان توسط ارتش ایران در زمان حکومت فرق دموکرات آذربایجان) و استفاده از اصل (حق تعیین سرنوشت) به عنوان یک ملت تحت استعمار ، جدایی این منطقه با مردمان اصیل ایرانی از کشور می باشد کما اینکه متهم علیرضا فرشی با نقل قولی از سید جعفر پیشه وری با این مضمون که " آذربایجان ترجیح می دهد به جای اینکه با بقیه ایران به شکل هندوستان اسیر باشد برای خود سرزمین ایرلند آزاد باشد و با معرفی افراد تجزیه طلبی چون سعید متین پور (محکوم به جرم جاسوسی) با عناوینی چون نلسون ماندلای ایران ، و تاکید بر ادامه راه وی ، اقدامات غیرقانونی در تشکیل جمعیت غیرقانونی با هدف برهم زدن امنیت کشور را ادامه می دهد متهمان با تشکیل جلسات متعدد خصوصاً جلسه مورخ ۹۲/۱۲/۰۲ در منزل متهم منصور فتحی و بزرگداشت روز به اصطلاح زبان مادری در پوشش جشن تولد همسر متهم منصور فتحی با استفاده از ابزارهای مناسب در تحریک احساسات پاک آذری زبانها و اصرار بر ارتکاب جرائم متعدد ، خاصه تشکیل جمعیت غیرقانونی با هدف بر هم زدن امنیت کشور بدون اینکه پایگاه مناسبی در افکار عمومی خصوصاً مردم آذربایجان داشته باشد با ایجاد اختلافات قومی ، مذهبی و زبانی ، باعث انجام اقدامات مجرمانه ای شده اند که تنها فایده آن سوق دادن قدرت عظیم یک ملت به سوی فروپاشی است بدون اینکه این متهمان صاحب اقتدار و قدرتی شوند . البتهایه به اسناد و مدارک ابرازی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران با اسناد مکشوفه از متهمان ، اظهارات متهمان نزد مقام امنیتی بازجوکننده ، مطالب متهمان در فضای مجازی ، برگزاری جلسات مضره ، تشکیل هسته های تشکیلاتی در راستای تحریک و تشویب اذهان پاک عمومی و تجزیه کشور ، تحریک عناصر قومی و پان ترکیسم در سرار کشور ، مصاحبه های مکرر با سایت های غیر قانونی و تجزیه طلب ، جلب و کسب اعتماد عناصر ضد انقلاب و بر انداز نظام جمهوری اسلامی ایران ، تلاش به برگزاری مراسم های غیر قانونی روز به اصطلاح زبان مادری ، ایجاد صفحه فیس بوک زبان به اصطلاح مادری ، تهیه طومار و جمع آوری امضاء برای فشار بر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در راستای اخذ مجوز برای برگزاری مراسم غیر قانونی روز به اصطلاح زبان مادری ، حمایت سیاسی و تبلیغاتی از زندانیان ضد انقلاب و خانواده محکومین ، جملگی دلالت بر اصرار متهمان مبنی بر تشکیل جمعیت غیرقانونی هم سو با رفتارهای مجرمانه با هدف برهم زدن امنیت کشور می باشد . متهمان در

نشانی: چاده ساوه - کیلومتر ۲۵ - نسیم شهر - میدان هفت تیر - ابتدای بلوار خیرآباد - خیابان دادگستری - دادگستری شهرستان بهارستان

گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

سازمان عفو بین الملل

«فلا تظنوا انهم ان عدولوا»

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۷۲۹۹۱۰۱۴۵
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱
شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶
شماره پایگانی شعبه: ۹۳۰۰۴۱

شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

جلسات دادرسی دادگاه علیرغم وجود اسناد و مدارک مبنی بر فعالیت آنها در تشکیل جمعیت غیر قانونی با هدف بر هم زدن امنیت کشور ، منکر بزه انتسابی موضوع کیفرخواست اصداری دادسرا بوده و وکلای آنها نیز دفاع موثر و موجهی که دلالت بر عدم توجه اتهام انتسابی باشد در پرونده لو مطرح ننموده اند اصرار متهمان به ارتکاب بزه انتسابی بعد از تشکیل پرونده قضایی و کیفرخواست صادره حسب گزارشات جدید وزارت اطلاعات دلیل بر عدم تنبیه متهمان و عدم پاسخگویی مناسب به تذکرات نهاد های امنیتی مبتنی بر اتمام فعالیت مجرمانه بوده که این امر بر دادگاه محرز گردید ، متهمان هیچ اقدام مناسبی در ترک این گونه رفتارهای مجرمانه معمول ننموده اند تا دادگاه متهمان را مستحق تخفیف بداند . رفتارهای انتسابی به متهمان بنا بر موارد یادشده و مصرح در اعترافات و اقراریه ماخوذه از مشارالیهم نزد مامورین اداره اطلاعات ، مبین اقدام آشکار متهمان به اخلاف در امنیت کشور از طریق تشکیل گروه یا جمعیت با اهداف و افکار تجزیه طلبانه و تفرقه افکنانه منجر به بی نظمی در امنیت و آسایش عمومی کشور می باشد به نحوی که متهمان با تاثیر و نقشی فعال در نگارش و تنظیم مقالات ، فعالیت در فضای مجازی (فیس بوک) حضور در اجتماعات غیر قانونی و اشاعه آرای مبتنی بر نژاد و قومیت و ترویج اندیشه های پان ترکیستی و ادعای تشکیل حکومتی مستقل در مناطق مشخصی از حدود سرزمینی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً و مکرراً متعرض تمامیت لرزی کشور گردیده و حاکمیت یکپارچه دولت را مردود می داند و به معارضه و جنگ با آن برخاسته که در این راستا با تحریک احساسات پاک قومیتی و هیجانان ناشی از توهامات برتری خون و نژاد و با ابتناء بر زبان اقوام ایرانی به ویژه آذری زبانان اقدام به یارگیری (تشکیل جمعیت) نموده اند . دادگاه به شرح مطالب مشروحه ، گزارشات مضبوط در پرونده ، بازجویی های یبایی مامورین اطلاعاتی وزارت اطلاعات ، اسناد و مدارک ابرازی از فضای مجازی (فیس بوک) و سایت های معاند نظام جمهوری اسلامی ایران ، شبکه های تجزیه طلب ، مرادوات مکرر و پیوسته متهمان با عناصر تجزیه طلب و محکومین آن ، کتب و مقالات تهیه شده بصورت مکتوب یا منتشره در فضای مجازی و سایت های تجزیه طلب ، سالنامه آذری ، تشکیل کمیین های ضد امنیتی ، عضویت در کانالهای تلگرامی ، شرکت در مراسم به اصطلاح روز زبان مادری ، اتهام انتسابی به متهمان ۱- علیرضا فرشی دیزج یکان ۲- اکبر آزاد علی بابالو ۳- بهنام شیخی مامانلو ۴- حمید منافی نظرلو ثابت و محرز تشخیص ضمن انطباق موضوع اتهامی با مواد ۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰/۰۲/۱۰ و ماده ۴۹۸ از قانون مجازات اسلامی محبت تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۰۲/۰۲ حکم بر محکومیت هر یک از متهمان به تحمل ده سال حبس تعزیری (درجه چهارم) با احتساب ایام بازداشت قبلی صادر و اعلام می نماید . در اجرای فصل دوم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و با رعایت مقررات ماده ۲۳ از قانون صدر اشاره به لحاظ نوع جرم ارتكابی و خصوصیات متهمان و اینکه رفتارهای مجرمانه متهمان پس از سیری نمودن دوران محکومیت در استان تهران ادامه نیابد در جهت تنبیه آنها برابر بند الف ماده ۲۳ از قانون مجازات اسلامی حکم بر محکومیت ۱- علیرضا فرشی دیزج یکان بر اقامت اجباری به مدت دو سال در شهرستان باغملک از توابع استان خوزستان ۲- اکبر آزاد به اقامت اجباری در شهرستان دره شهر از توابع استان ایلام ۳- حمید منافی بر اقامت اجباری در شهرستان ازنا از توابع استان لرستان ۴- بهنام شیخی بر اقامت اجباری در شهرستان مسجد سلیمان از توابع استان خوزستان با نظارت ویژه اداره اطلاعات شهرستان (محل اقامت اجباری) بر رفتار، عملکرد محکوم و اعلام و گزارش به دادسرای مجری حکم اقامت اجباری صادر و اعلام می گردد . در صورتی که محکوم علیه اقامت اجباری طی مدت اجرای مجازات تکمیلی به مفاد حکم (مجازات تکمیلی) را به درستی اجرا و رعایت ننماید دادگاه پس از گزارش دایره اجرای احکام مجری حکم برابر مقررات مصرحه در ماده ۲۴ از قانون مجازات اسلامی برابر بار اول مدت مجازات تکمیلی را افزایش در صورت تکرار، بقیه محکومیت اقامت اجباری به حبس یا جزئی نقدی درجه هفت تبدیل خواهد نمود . در خصوص اتهام دیگر متهم علیرضا فرشی دیزج یکان فرزند بهمن دائر بر اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور موضوع کیفرخواست اصداری شماره ۹۴۱۰۴۳۰۲۷۵۰۰۰۶۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۲۱ و دادسرای عمومی و انقلاب تهران (شهید مقدس اوین) ، گزارشات مکرر و متعدد وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران با احراز اتهام انتسابی به متهم و انطباق موضوع با ماده ۶۱۰ از قانون مجازات اسلامی حکم بر محکومیت متهم به تحمل پنج سال حبس تعزیری صادر و اعلام می گردد . نظر به ارتکاب جرائم متعدد از ناحیه متهم علیرضا فرشی دیزج یکان (اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور و تشکیل جمعیت غیرقانونی با هدف بر هم زدن امنیت کشور) موضوع منطبق بر تعدد جرم و نص صریح ماده ۱۳۴ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بوده و حکم اشد (ده سال حبس) اجرا می شود . حسب گزارشات وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران و تحقیقات انجام گرفته راجع به سایر متهمان در پرونده ، علیرغم اینکه گزارشات ، مستندات و مدارک ابرازی و مضبوطی در پرونده ، دلالت بر حضور متهمان منصور فتحی ، عزیز فرشی ، رستم کاظم پور، محمود اجاقلو در جلسه تشکیلاتی تجزیه طلبی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۰۲ با قصد تشکیل جمعیت برای بر هم زدن امنیت کشور به نحو مشارکت دارد و این جلسه تشکیلاتی در پوشش روز به اصطلاح زبان مادری بوده و منزل متهم منصور فتحی به عنوان مکان تشکیلاتی معرفی و اقدامات مجرمانه سایر متهمان در منزل متهم یاد شده صورت پذیرفته و مستحق برخورد قضایی مناسب با رفتار مجرمانه آنها می باشد لذا التهایه دادگاه در خصوص اتهام ۱- منصور فتحی فرزند نصراله ۲- عزیز فرشی فرزند علی قلی ۳- رستم کاظم پور فرزند محمدکاظم ۴- محمود لوجاقلو فرزند علی دائر بر مشارکت در تشکیل جمعیت با هدف بر هم زدن امنیت کشور موضوع کیفرخواست اصداری شماره

نشانی: چاده ساوه - کیلومتر ۲۵ - نسیم شهر - میدان هفت تیر - ابتدای بلوار خیر آباد - خیابان دادگستری - دادگستری شهرستان بهارستان

گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

سازمان عفو بین الملل

«فلا تظنوا آلوهی ان تعدلوا»

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۲۹۹۱۰۰۱۴۵۰

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱

شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۲۹۸۶۷۰۱۶۹۶

شماره بایگانی شعبه: ۹۲۰۰۴۱

شعبه دادگاه انقلاب شهرستان بهارستان

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

۱۳۱۷، ۹۴۱۰۴۳۲۹۸۵۷۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۹ دادرسی عمومی و انقلاب بهارستان با بررسی اوراق و محتویات پرونده، مذاقه در گزارشات ارسالی از وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران و نظر به اینکه متهمان فوق تحت تاثیر رفتارهای مجرمانه سایر متهمان در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۰۲ شرکت و قصد و نیتی مبنی بر اقدام مجرمانه در تشکیل جمعیت و گروه با هدف بر هم زدن امنیت کشور نداشته اند و در بازجویی های انجام شده و اقراریه مآخوذه نیتی جز شرکت در جلسه به اصطلاح روز زبان مادری با پوشش جشن تولد نداشته اند و از اقدام مجرمانه سایر متهمان بی خبر بوده اند و اعلام برائت از رفتارهای مجرمانه سایر متهمان نموده اند و سابقه محکومیت کیفری مرتبط با عنوان اتهامی نداشته و بر اساس گزارش نهایی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران سابقه ای موثر از اقدامات قوم گرایانه و تجزیه طلبانه و مرابوده با عناصر تجزیه طلب ندارند و گزارشات دلالت بر تنبه و آگاهی متهمان دارد لذا دادگاه با احراز عدم سوء نیت متهمان علیرغم شرکت در جلسه تشکیلاتی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۰۲ (با قصد تشکیل جمعیت برای بر هم زدن امنیت کشور) در اجرای مقررات ماده ۴ از قانون آیین دادرسی کیفری و حاکمیت اصل ۳۷ از قانون اساسی حکم بر برائت متهمان ۱- منصور فتحی فرزند نصراله ۲- عزیز فرشی فرزند علی قلی ۳- رستم کاظم پور فرزند محمد کاظم ۴- محمود اوجاقلو فرزند علی از اتهام انتسابی صادر و اعلام می نماید در خصوص اسناد، مدارک، اقلام و کتب مکشوفه از متهمان، نظر به اینکه کتب و مقالات مکشوفه از جمله کتب ضاله (گمراه کننده) می باشد و نگهداری آن موجب وهن اقوام و تحریک احساسات پاک آذری زبانان می باشد لذا در اجرای مقررات تبصره یک ماده ۱۴۸ از قانون آیین دادرسی کیفری حکم بر معدوم نمودن اقلام مکشوفه صادر و اعلام می گردد. رای صادره ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران می باشد.

حسینی - رئیس دادگستری و دادگاه انقلاب بهارستان

امضای صادر کننده

نشانی: جاده ساوه - کیلومتر ۲۵ - نسیم شهر - میدان هفت تیر - ابتدای بلوار خیرآباد - خیابان دادگستری - دادگستری شهرستان بهارستان

**عفو بین الملل یک جنبش جهانی
برای حقوق بشر است.
بی عدالتی در حق هر فرد مسأله‌ی
همه ماست.**

با ما همراه شوید

www.facebook.com/AmnestyGlobal



@Amnesty



تماس با ما

info@amnesty.org



+44 (0)20 7413 5500



گرفتار در گرداب سرکوب

مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران

مقامات ایران در حال تشدید سرکوب مدافعان حقوق بشر هستند، مدافعانی که پیش از این هم تحت فشار و شرایط خفقان فعالیت می‌کردند. مدافعان حقوق بشر به طور مداوم در رسانه‌های رسمی و احکام دادگاه‌ها به عنوان «مجرمان امنیتی» و «معاندان حکومت» که قصدشان آسیب رساندن به امنیت ملی است تصویر می‌شوند. از سال ۱۳۹۲ به این سو، ده‌ها فعال حقوق بشری با اتهام‌های واهی امنیتی که ریشه در فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری آن‌ها دارد روانه زندان شده‌اند. بسیاری دیگر با تحت نظر قرار گرفتن، بازجویی و پیگردهای قانونی به سکوت وادار شده‌اند.

این گزارش به تلاش‌های شجاعانه مدافعان حقوق بشر در عرصه‌های کلیدی کارزارهای حقوق بشری در ایران نگاه می‌اندازد و سرکوب آنها را از طریق ۴۵ نمونه از کسانی که به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری مسالمت‌آمیزشان مورد آزار و ستم قرار گرفته‌اند بررسی می‌کند. این نمونه‌ها شامل مخالفان مجازات اعدام، فعالان حقوق زنان، فعالان حقوق کارگران، وکلای حقوق بشری، فعالان حقوق اقلیت‌ها و جویندگان حقیقت و عدالت به نیابت از قربانیان اعدام‌های فراقضایی دهه ۶۰ و خانواده‌های آنها می‌شود.

سازمان عفو بین‌الملل از مسئولان جمهوری اسلامی ایران مصرانه تقاضا دارد که همه مدافعان حقوق بشر زندانی را فوراً و بی قید و شرط آزاد کرده و فضایی امن و پویا ایجاد کنند که در آن فعالان بتوانند به دور از ترس اقدامات تلافی‌جویانه برای ترویج و دفاع از حقوق بشر فعالیت کنند. این گامی ضروری برای تضمین حقوق انسانی تمام افراد ساکن در ایران است.